

در آستانه ظهور

حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر مهدی پور

بسم الله الرحمن الرحیم

در آستانه ظهور : پژوهشی پیرامون علائم حتمی ظهور

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

نورالکتاب

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

در آستانه ظهور : پژوهشی پیرامون علائم حتمی ظهور

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : در آستانه ظهور : پژوهشی پیرامون علائم حتمی ظهور/حاج علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر : مشهد: نورالکتاب: ضامن آهو، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۱۶۰ص.

شابک : ۲۰۰۰۰ ریال:۹۷۸-۹۶۴-۲۸۸۵-۵۴-۱

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : چاپ اول

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۴۴۷۵۸

ص: ۱

اشاره

جان جانان

سحر شد یار بی همتا نیامد یگانه منجی دلها نیامد

نهاد آدینه را موعود دیدار هزار آدینه رفت اما نیامد

* * *

در انتظار جان به لب آمد نیامدی جسمم ز غم به تاب و تب آمد نیامدی

گفتم که روز جمعه سر ظهر می رسی آنهم گذشت جمعه شب آمد نیامدی

* * *

امیدوار بین جمادی رجب شدم ماندم ، عجب پی عجب آمد نیامدی

کی در مه رجب سه ندا می رسد به گوش بیش از هزار و صد رجب آمد نیامدی

* * *

ص: ۹

به دنبال تو می گردم نمی یابم نشانت را بگو باید کجا جویم کهکشانت را

تمام جادّه را رفتم غباری از سواری نیست بیابان تا بیابان جُسته ام ردّ نشانت را

* * *

جان می دَهَمَت به مژدگانی زان جان جهان بده نشانی

حقّا که شدم ز مویه چون موی از ناله چو نی ز ناتوانی

* * *

ای مدنی برقع و مکّی نقاب سایه نشین چند بود آفتاب

منتظران را به لب آمد نفس ای ز تو فریاد ، به فریادرس

* * *

ص: ۱۰

هنگامه ظهور

از نخستین روزی که حضرت آدم ابوالبشر قدم بر فراز کره خاکی نهاده ، نوید بهروزی انسانها در هنگامه ظهور آخرین امام نور توسّط پیامبران عظیم الشّأن به توده ها و ملت ها ابلاغ شده و گزارش این اطّلاع رسانی در آیات نورانی قرآن کریم به صراحت آمده است :

« وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْاَءَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ » ؛

علاوه بر ذکر ــ تورات ــ در زبور نیز نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ام به ارث می برند .(۱)

با نگاهی گذرا به تورات ، انجیل ، زبور و دیگر کتب انبیا که به پیوست تورات و انجیل ، در زیر مجموعه عهد عتیق و عهد جدید ، در ضمن « کتاب مقدس » گردآوری شده و به بیش از یک هزار زبان ــ با احتساب لهجه ها و گویشهای محلی ــ ترجمه و منتشر شده ، صحت این ادعا به اثبات می رسد .

۱- ۱ . سوره انبیا ، آیه ۱۰۵ .

خداونـد منّان از روی حکمت بـالغه اش برای جلوگیری از مـدّعیان دروغین ، نشانه های فراوانی قرار داده که گزارش آنها در کتب آسمانی و احادیث نورانی پیشوایان معصوم علیهم السلام به صراحت آمده ، که تعداد آنها از مرز ۲۰۰۰ می گذرد .

بیش از ۹۰٪ این نشانه ها تاکنون اتّفاق افتاده و شـمار انـدکی از آنها باقی مانده ، که آنها نیز از علایم غیرحتمی است و امکان این معنی هست که انسانها پس از یأس و نومیـدی از قـدرتهای بزرگ و مجامع بین المللی ، احساس اضـطرار نموده ، یکـدل و یک جهت به سوی پروردگار روی آورده ، برای فرج تنها منجی جهان دست به نیایش بردارند و خداوند منّان فرمان ظهور آن حضرت را صادر فرماید و پیش از آنکه آن نشانه ها وقوع پیدا کند ، رهائی بخش جهان ظهور نموده ، کاخهای ظلم و استبداد را ویران نموده ، جهانی آباد بر ویرانه های کاخهای ستمگران بنیاد نهد .

در طـول قرون و اعصـار افراد سودجـو و فرصـت طلـب از عطش همگـانی مردم اسـتفاده کرده ادّعـای مهـدویّت نمـوده انـد و مشکلات تازه ای بر مشکلات مردم افزوده اند .

خداونـد منّان برای پیش گیری از این شیّادان پنـج نشانه حتمی قرار داده ، که پیش از وقوع آنها هر کس ادّعا کنـد ، ادّعایش پوچ و مردود است .

این نشانه ها به قدری شفّاف است که هرگز بر احدی پوشیده نمی ماند .

هنگامی که امام صادق علیه السـلام از طولانی بودن دوران غیبت ، آزمونهای سـخت عصر غیبت ، بروز تشکیک ها و تردیدها در میان امّت ، پیدایش تشویش ها و اضطراب ها بسان امواج خروشان دریا در میان توده ها ، به

اهتزاز درآمدن پرچمهای مشتبه و حیرت و سردرگمی مردمان سخن گفتند ، مفضّل بن عمر به شدت گریست و از محضر آن حضرت کسب تکلیف نمود.

امام صادق علیه السلام به سوی اشعّه آفتابی که از روزنه به داخل اطاق تابیده بود اشاره کردند و فرمودند :

این آفتاب را می بینی ؟

مفضّل گفت : آری .

فرمود :

وَاللّه ِ إِنَّ أَمْرَنا لَاَءَبْیَنُ مِنْ هذِهِ الشَّمسِ ؛

به خدا سوگند امر ما از این خورشید آشکارتر است .(۱)

انگیزه تألیف کتاب

تاکنون هزاران کتاب توسّط علمای شیعه و سنّی پیرامون حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه و صدها کتاب مستقلّ پیرامون علایم ظهور آن حضرت تألیف شده و در دسترس همگان هست(۲) ولی اخیراً حوادثی رخ داده که ضرورت تألیف این اثر را ایجاب نمود ، که به برخی از آنها در اینجا اشاره می کنیم :

۱ . در میان تهاجم فرهنگی گسترده علیه جهان تشیّع ، بخش وسیعی از سایت ها آموزه های مهدویّت را نشانه رفته و علایم ظهور را

۱- ۱ . کلینی ، اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۳۳۶ .

۲- ۲ . کتابشناسی توصیفی بیش از ۲۰۰۰ جلد در حوزه مهدویّت و بیش از ۲۰۰ جلد را در زمینه علایم ظهور ، در کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام آورده ایم [چاپ انتشارات الهادی ـ قم] .

بالخصوص مورد نقد و نقض قرار داده اند !

۲ . برخی از نویسندگان غیرمتعهّد نیز در حوزه مهدویّت تشکیکهایی ابراز نموده و با گستاخی تمام گفته اند که هیچکدام از علایم حتمی سند معتبری ندارد ! ! .

۳ . برخی از شیّادان در زمان ما ادّعای سید حسنی ، خراسانی و یمانی بودن را مطرح کرده ، تبلیغات وسیعی در این رابطه انجام داده و برخی از افراد ناآگاه و ضعیف الایمان را به سوی خود جذب کرده اند .

۴ . برخی از مراجع بزرگ تقلید به وجوب فراگیری نشانه های ظهور ، از باب دفع ضرر محتمل و جلوگیری از سقوط در وادی هلاکت فتوا داده اند .(۱)

از این رهگذر پس از مقدّمه کوتاهی پیرامون واژگان مربوطه به شرح علایم حتمی پرداخته ، احادیث هر فصلی را بررسی سندی نموده ، پس از اثبات صحیح بودن آن ، از کتب پایه و مرجع متن حدیث و ترجمه آن را به علاقمندان فرهنگ مهدوی تقدیم نمودیم ، به این امید که تبسّمی بر لبان نازکتر از گل یوسف زهرا علیهماالسلام نقش بندد ، پژوهشگران را به کار آید و موجب تقویت باورداشت طبقات مختلف گردد .

۱۳۸۸ / ۸ / ۸

میلاد مسعود امام رضا علیه آلاف التّحیه والثّناء

حوزه علمیه قم

علی اکبر مهدی پور

ص: ۱۴

۱- ۱ . آیه اللّه صافی گلپایگانی ، منتخب الأثر ، ج ۳ ، ص ۳۰۳ .

نشانه های ظهور

راهیان نور و منتظران ظهور ، از نخستین روزی که به خیل منتظران پیوسته ، به سوی کانون نور در حرکت هستند ، به تابلوهایی نیاز دارند که آنها را از پیچ و خم راه آگاه ساخته ، از دزدان عقیده و راهزنان سرِگردنه با خبر نموده ، شیوه گزینش راه درست را آموزش داده ، راه عبور از فتنه ها و گردنه ها را ارایه نموده ، ابزار و ادوات لازم را برای مقابله با خطرات احتمالی در جاده های لغزنده و پرپیچ و خم ، در اختیار راهیان نور و سالکان کوی محبوب قرار دهند .

همانگونه که در جاده های بین شهری و فرامرزی تابلوهایی نصب شده که ره پویان را از سرعت مجاز ، پیچ و خمِ راه ، نزدیک شدن به پل و تونل ، فاصله پارک ها ، رستوران ها پمپ بنزین ها ، ورودی شهرها ، کمربندی ها و دیگر اطلاعات لازم آگاه نمایند ؛ در مسیر راهیان نور و سالکان کوی محبوب نیز تابلوهایی نصب شده که آنها را از خطرات راه آگاه نموده ، شیوه گزینش راه درست را آموزش داده ، از فتنه ها و گردنه ها برحذر داشته ، برای عبور از پرتگاه ها و لغزشگاه ها ، آنها را با ابزار لازم مجهز نماید .

طولانی بودن راه و سخت بودن عبور از موانع ، ممکن است سالکان راه و شیفتگان وصال را با خطر یأس و نومیدی مواجه کند ، آنها را از رسیدن به کعبه آمال و آرزوها بازداشته ، در ادامه مسیر دچار شک و تردید نماید .

در این هنگام یکی از نشانه های ظهور پدیدار گشته ، آنها را در ادامه راهی که برگزیده اند محکم و استوار نموده ، با امید و اطمینان به آینده ، از تردید و دودلی نجات می دهد .

پدیدار شدن هر نشانه ای از نشانه های ظهور همانند مشاهده یکی از تابلوهای راهنمایی ، سالکان راه را در مسیرهای دور و دراز امیدوار ساخته ، از درستی راهی که برگزیده اند ، آگاه و مطمئن می سازد .

ملاحم و فتن

نشانه های ظهور که در اصطلاح ملاحم و فتن نامیده می شوند ، همانند دیگر احادیث غیبی رسول اکرم و ائمه هدی علیهم السلام از سرچشمه زلال قرآن و عترت نشأت گرفته ، در مجامع حدیثی ثبت شده ، چون دانه های تسبیح با نظم و ترتیب خاصی ، در بستر زمان تحقق یافته ، صحّت و استواری سخنان پیشوایان را برای همگان روشن و مبرهن می سازد .

احادیث مربوط به ملاحم و فتن بسیار گسترده است ، با شهادت پیامبر ، ماجرای فدک ، گزینش خلیفه و تهاجم به خانه وحی آغاز شده ، از روی کار آمدن معاویه ها ، حجاج ها ، مغول ها ... سخن گفته ، از شهادت سالار شهیدان و دیگر شهدای راه فضیلت ، چون : عمارياسر ،

حُجر بن عدی ، میثم تمار ، سعد معاذ ، عمرو بن حمق و ... به روشنی خبر داده است .

احادیث ملاحم و فتن ، خروج قرامطه ، سقوط بنی عباس ، فتح استانبول ، اشغال عراق و افغانستان را توسط سرکرده کفار در برگرفته ، رخدادهای جهان را تا هنگامه ظهور و انفجار نور به نمایش گذاشته است .

در کتب پایه و مرجع ، فصل هایی چون : فتن ، ملاحم و علائم ظهور به نقل این احادیث اختصاص یافته است .

در منابع اهل سنت نیز ابواب : فتن ، ملاحم و اشراط السّاعه به این احادیث اختصاص دارد .

در این رابطه کتاب های مستقل فراوانی تألیف شده(۱) که نشانه های ظهور را بالخصوص مورد بحث و بررسی قرار داده اند ، که به شماری از آنها در اینجا اشاره می کنیم :

۱ . الفتن از ابوعبداللّه نعیم حمّاد مروزی ، م . ۲۲۹ ه .(۲)

۲ . الفتن از ابوعلی ، حنبل بن اسحاق بن حنبل شیبانی ، م . ۲۷۳ ه .(۳)

۱- ۱ . نگارنده در کتاب : کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب مستقل در این رابطه شناسانده است .

۲- ۲ . مکرر به چاپ رسیده ، از جمله :۱) با تحقیقات سمیر بن امین زهری ، مکتبه التوحید ، قاهره ، ۱۴۱۲ ه . ۷۸۴ صفحه وزیری ، در دو مجلد .

۳- ۳) با تحقیقات ابوعبداللّه / ایمن محمد محمد عرفه ، المکتبه الحیدریه ، ۱۴۲۴ ه . ۵۲۷ صفحه وزیری .۳ . چاپ دارالبشائر الاسلامیه ، بیروت ، ۱۴۱۹ ه . ۲۹۳ صفحه وزیری .

۳ . الملاحم از حافظ احمد بن جعفر بن محمد ، مشهور به ابن المنادی م . ۳۳۶ ه .(۱)

۴ . التّشریف بالمنن فی التّعریف بالفتن از ابوالقاسم رضی الدین ، علی بن موسی ، مشهور به : سید ابن طاووس م . ۶۶۴ ه .(۲)

۵ . نهایه البدایه و النهایه فی الملاحم و الفتن از حافظ ابوالفداء ، اسماعیل بن کثیر دمشقی ، م . ۷۷۴ ه .(۳)

۶ . الإشاعه لأشراط السّاعه از محمد بن عبدالرّسول حسینی شهر زوری ، مشهور به : « برزنجی » م . ۱۱۰۳ ه .(۴)

۷ . بشاره الاسلام فی علامات المهدی علیه السلام از سید مصطفی آل سیدحیدر کاظمی ، م . ۱۳۳۶ ه .(۵)

۸ . نوائب الدّهور فی علائم الظّهور از سیدحسن میرجهانی ، م . ۱۴۱۳ ه .(۶)

۱- ۱ . چاپ دار السّیره ، قم ، ۱۴۱۸ ه . ۴۱۷ صفحه وزیری ، تحقیق عبدالکریم عقیلی .

۲- ۲ . چاپ مؤسسه صاحب الأمر علیه السلام ، قم ، ۱۴۱۶ ه . ۵۴۱ صفحه وزیری . این کتاب ده ها بار در ایران و لبنان به نام : الملاحم و الفتن به چاپ رسیده و چندین بار به فارسی برگردان شده ، از جمله : ۱) فتنه ها و آشوب های آخرالزمان ، از محمدجواد نجفی

۳- ۳ . چاپ مکتبه النّصر الحدیثیه ، ریاض ، ۱۹۶۸ م . ۷۸۹ صفحه وزیری ، در دو مجلد ، تحقیق شیخ محمّد فهیم ابوعبیه .

۴- ۴ . چاپ دارالهجره ، دمشق ، ۱۴۱۴ ه . ۲۹۳ صفحه وزیری ، تحقیق موفق فوزی الجبر .

۵- ۵ . چاپ مکتبه الأمین ، قم ، ۱۴۲۵ ه . ۴۰۸ صفحه وزیری ، تحقیق نزارنعمه الحسن .

۶- ۶ . چاپ انتشارات صدر ، تهران ، ۱۳۶۹ ش . ۱۶۷۵ صفحه وزیری ، در چهار مجلد .

۹ . اشراط السّاعه از یوسف بن عبداللّه بن یوسف الوابل (معاصر) .(۱)

۱۰ . معجم الملاحم و الفتن از سیدمحمود دهسرخی (معاصر) .(۲)

بسیاری از کتب پایه و مرجع به نشانه های ظهور و دیگر مسائل مهدویت در کشاکش روزگار از بین رفته و قسمت اعظم آنها به هنگام تهاجم مخالفان به کتابخانه های شیعیان طعمه حریق شده است .

کهن ترین اثر بر جای مانده از اوایل قرن سوم ، کتاب ارزشمند : الفتن تألیف : نُعَیم بن حمّاد مروزی ، م . ۲۲۹ ه . می باشد .

اهمیت ویژه این کتاب در این است که مؤلّفِ آن ۲۶ سال پیش از تولد حضرت ولی عصر علیه السلام دیده از جهان فروبسته است و خود از محدثان مشهور زمان خود بود ، که بخاری در صحیح خود از او روایت کرده است و بسیاری از علمای رجال بر صداقت و وثاقت او تأکید کرده اند ،(۳) و تعدادی از نسخه های خطی آن تا زمان ما محفوظ مانده است .(۴)

از دیگر ویژگی های این کتاب جامعیّت آن است که بیش از ۲۰۰۰ حدیث پیرامون فتن ، ملاحم و نشانه های ظهور در بردارد ، در حالی که مثلا در فتنِ ابوعلی ۱۳۶ حدیث و در ملاحم ابن منادی ۳۱۲ حدیث آمده است .

۱- ۱ . چاپ دار ابن الجوزی ، ریاض ، ۱۴۲۱ ه . ۴۸۳ صفحه وزیری .
۲- ۲ . چاپ قم ، ناشر مؤلف ، ۱۴۲۰ ه . ۱۷۱۲ صفحه وزیری ، در چهار مجلد .
۳- ۳ . ابن حجر وثاقت و صداقت او را از احمد حنبل ، معین ، عجلی و ابوحاتم نقل کرده و خود بر طبق نظر آنها اظهار نظر کرده است . بنگرید به : مقدمه فتح الباری ، ج ۱ ، ص ۴۴۷ .
۴- ۴ . از جمله نسخه کتابخانه « عاطف افندی » در استانبول به تاریخ ۶۸۷ ه . و نسخه بیریتیش میوزیم لندن به تاریخ ۷۰۶ه .

سید ابن طاووس ۳۰۸ حدیث از فتن مروزی را برگزیده ، به پیوست ۱۱۵ حدیث از فتن سلیلی و ۹۳ حدیث از فتن زکریا بن یحیی بزاز ، در کتابی گرد آورده و آن را التّشریف بالمنن نام نهاده است .(۱)

در میان کتاب هایی که در این زمینه توسط معاصران به رشته تحریر درآمده ، کتاب های زیر گسترده ترین آنها می باشد :

۱ . نوائب الدّهور ، از مرحوم میرجهانی ، شامل ۵۵۵ حدیث .

۲ . علامات المهدی المنتظر ، از شیخ مهدی فتلاوی، شامل ۵۲۵ حدیث.

۳ . یأتی علی النّاس زمان ، از سیدمحمود دهسرخی، شامل ۹۲۰ مدخل.

۴ . معجم الملاحم و الفتن ، از وی ، شامل ۱۸۰۰ سرفصل .

روی این بیان جای تردید نیست که شمار نشانه های ظهور از مرز ۲۰۰۰ می گذرد ، که بیشترین آنها تحقّق یافته و تعداد اندکی از آنها باقی مانده است .

همه این نشانه ها چون دانه های تسبیح با نظم خاصی در گذر زمان روی می دهند ، تا موجب تقویت ایمان و تحکیم اعتقاد باورداران شده ، هرگز دچار شک و تردید نشوند و در راهی که برگزیده اند ثابت و استوار بمانند .

ولی این نشانه ها هرگز نزدیک شدن هنگامه ظهور را به صورت روشن و شفاف بیان نمی کنند .

۱- ۱ . اهمیت این کتاب در این است که دو کتاب فتن سلیلی و بزّاز از بین رفته و تنها گزیده های سید بن طاووس از آنها برای ما باقی مانده است .

شمارش معکوس

در میان تابلوهای راهنمایی که در کنار جاده ها نصب شده و اطلاعات لازم را در اختیار مسافران قرار می دهد ، تنها یک تابلو هست که نزدیک شدن سالک را به سرمنزل مقصود نشان می دهد و آن تابلو شمارشگر معکوس است .

در میان بیش از ۲۰۰۰ تابلویی که فرا راه راهیان نور و منتظران ظهور نصب شده ، تنها پنج تابلو وجود دارد که تاریخ قطعی ظهور و فاصله مشخص سالکان کوی محبوب را تا سرمنزل مقصود نشان می دهد .

این تابلوهای پنجگانه علائم حتمی نام دارند .

حکمت بالغه حق تعالی ایجاب کرده که این تابلوها فقط در آستانه ظهور نصب شود ، تا سالکان دیار یار ، که همه اصول ایمنی را رعایت کرده ، شب های تیره و تاریک دوران غیبت را پشت سرنهاده ، چشم امید به افق دوخته ، فرارسیدن لحظه وصال را شماره می کنند ، با مشاهده نخستین تابلو ، تاریخ دقیق وقت ظهور را پیش بینی نموده ، با آرامش خاطر گام در کوی محبوب بگذارند .

ص: ۲۱

علایم حتمی

در روایات فراوان در مورد پنـج نشانه از نشانه های ظهور ، به حتمی بودن آنها تأکیـد و تصـریح شده است که به یک نمونه از آنها اشاره می کنیم :

شیخ صدوق با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود :

قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عَلاَمَات مَحْتُومات : اليَمَانِي ، وَالسُّفيانِي ، وَ الصيحَهُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّهِ وَ الْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ ؛(۱)

پیش از قیام قائم علیه السـلام پنج نشانه حتمی هست که عبارتند از : یمانی ، سفیانی ، بانگ آسمانی ، قتل نفس زکیه و خسف سرزمین بیدا .

شیـخ صدوق این حدیث را با پنج واسـطه از امام صادق علیه السـلام روایت کرده که همه آنها مورد اعتماد و اسـتناد هسـتند و اینک اشاره ای کوتاه به اسامی و میزان وثاقت آنها :

ص: ۲۳

۱- ۱ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۰ ، ب ۵۷ ، ح ۷ .

۱ . محمد بن حسن بن احمد بن ولید

پیشتاز رجالیون مرحوم نجاشی بر وثاقت او تأکید کرده است .(۱)

۲ . حسین بن حسن بن ابان

ابن داود حلی بر وثاقت او تصریح کرده است .(۲)

۳ . حسین بن سعید بن حماد بن سعید مهران اهوازی

شیخ طوسی بر وثاقت او تصریح کرده است .(۳)

۴ . محمد بن ابی عمیر

وی علاوه بر اینکه در میان خاصه و عامه از موثق ترین انسان ها بوده ،(۴) از اصحاب اجماع نیز می باشد ، یعنی : هر حدیثی که سندش تا او صحیح باشد ، بررسی اسناد بعدی لازم نیست ، زیرا او ملتزم بود که هرگز از افراد غیرموثق روایت نکند .(۵)

۵ . عمر بن حنظله

در وثاقت او همین بس که امام صادق علیه السلام بر صداقت او در نقل حدیث تصریح نموده ،(۶) و محمد بن ابی عمیر از او روایت کرده است .

۱- ۱ . نجاشی ، الرجال ، ص ۳۸۳ ، رقم ۱۰۴۲ .

۲- ۲ . ابن داود ، الرجال ، ص ۲۷۰ ، رقم ۴۳۱ .

۳- ۳ . شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۱۱۲ ، رقم ۲۳۰ .

۴- ۴ . همان ، ص ۲۱۸ ، رقم ۶۱۷ .

۵- ۵ . شیخ طوسی ، اختیار معرفه الرجال ، ص ۵۵۶ ، ح ۱۰۵۰ .

۶- ۶ . به محضر امام صادق علیه السلام عرض شد : عمر بن حنظله حدیثی در مورد وقت نماز برای ما از شما روایت کرده ، امام علیه السلام فرمود : « او بر ما دروغ نمی بندد » و چون متن حدیث را نقل کردند ، فرمود : « راست گفته است » . بنگرید به : کلینی ، الکافی ، ج ۳ ، ص ۲۷۵ .

در مورد علایم حتمی احادیث فراوانی نقل شده ، ما به همین یک حدیث بسنده کردیم که سند معتبر و متن گویایی داشت .

و اینک بررسی فشرده ای پیرامون نخستین نشانه از نشانه های حتمی :

خروج سفیانی

از نظر تسلسل زمانی اولین نشانه از نشانه های حتمی که پیش از دیگر نشانه ها رخ می دهد و فرارسیدن انفجار نور و سپری شدن شب دیجور غیبت را نوید می دهد خروج سفیانی است .

خوشبختانه خروج سفیانی در روایات اسلامی بسیار دقیق ، روشن و شفاف بیان شده و هرگز قابل انطباق با هیچ فرد دیگری نمی باشد .

جالب تر اینکه علاوه بر روایات کلی علایم پنجگانه ، در مورد خروج سفیانی به طور مستقل بر حتمی بودن آن تصریح و تأکید شده است . ما در اینجا به چند حدیث مورد اعتماد و استناد اشاره می کنیم :

۱ . عبداللّه بن جعفر حمیری ، از احمد بن محمد بن عیسی ، از ابن اسباط ، از حضرت ابوالحسن امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود :

إنَّ اَمْرَ الْقَائِمِ حَتْمٌ مِنَ اللّه ِ ، وَ اَمْرَ السُّفیانِی حَتْمٌ مِنَ اللّه ِ ، وَلاَیَکُونُ قَائِمٌ اِلاَّ بِسُفیانِی ؛(۱)

۱- ۱ . حمیری ، قرب الاسناد ، ص ۳۷۴ ، ح ۱۳۲۹ .

قیام قائم علیه السلام از سوی خداوند حتمی است ، خروج سفیانی نیز از سوی خداوند حتمی است ، هرگز بدون سفیانی قائمی نخواهد بود .

این حدیث را عبداللّه بن جعفر حمیری با دو واسطه از امام رضا علیه السلام روایت کرده ، و در کتاب گرانسنگ قرب الاسناد آن را ثبت کرده است .

ابوالعباس ، عبداللّه بن جعفر حمیری ، در عهد غیبت صغری می زیست ، شخصیت بر جسته قم و شیخ قمی ها بود ، آثار فراوان از خود به یادگار نهاده ، از جمله : قرب الاسناد الی الرّضا علیه السلام .(۱)

شیخ طوسی بر وثاقت او تصریح کرده است .(۲)

اما دو واسطه :

۱ . احمد بن محمد بن عیسی اشعری

او را نیز شیخ طوسی توثیق نموده است .(۳)

۲ . علی بن اسباط

او را پیشتاز علمای رجال مرحوم نجاشی توثیق نموده است .(۴)

در این حدیث که با سند صحیح به ما رسیده علاوه بر اینکه خروج سفیانی از نشانه های حتمی معرفی شده ، تصریح گردیده که هرگز بدون سفیانی قائمی در کار نیست .

۱- ۱ . نجاشی ، الرجال ، ص ۲۱۹ ، رقم ۵۷۳ .
۲- ۲ . شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۱۶۷ ، رقم ۴۳۹ .
۳- ۳ . شیخ طوسی ، الرجال ، ص ۳۶۶ .
۴- ۴ . نجاشی ، الرجال ، ص ۲۵۲ ، رقم ۶۶۳ .

۲ . شیخ صدوق با سلسله اسنادش از ابوحمزه ثمالی روایت می کند که گفت : به محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم که پدر بزرگوارتان امام باقر علیه السلام می فرمود :

إنَّ خُرُوجَ السُّفیانِی مِنَ الاٰمْرِ الْمَحْتُوم ؛

خروج سفیانی از نشانه های حتمی است .

امام صادق علیه السلام فرمود : « آری » .(۱)

شیخ صدوق این حدیث را با ۵ واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده و علمای رجال بر وثاقت همه آنها تصریح کرده اند :

۱ . محمد بن موسی بن متوکل

علامه حلی و ابن داود حلی بر وثاقتش تصریح کرده(۲) و سید ابن طاووس بر وثاقت او ادعای اجماع نموده است .(۳)

۲ . عبداللّه بن جعفری حمیری

شیخ طوسی بر وثاقتش تصریح کرده است .(۴)

۳ . احمد بن محمّد بن عیسی

گفتیم که بر وثاقت او نیز شیخ طوسی تصریح نموده است .(۵)

۱- ۱ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۲ ، ب ۵۷ ، ح ۱۴ .
۲- ۲ . علامه ، الرجال ، ص ۱۴۹ ، رقم ۵۸ ؛ ابن داود ، الرجال ، ص ۱۸۵ ، رقم ۱۵۱۳ .
۳- ۳ . سید بن طاووس ، فلاح السائل ، ص ۱۵۸ ، فصل ۱۹ .
۴- ۴ . شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۱۶۷ ، رقم ۴۳۹ .
۵- ۵ . همو ، الرجال ، ص ۳۶۶ .

۴ . حسن بن محبوب

او را نیز شیخ طوسی توثیق نموده است .(۱)

۵ . ابوحمزه ثمالی

که مرحوم نجاشی بر وثاقت او تأکید کرده است .(۲)

در این حدیث حتمی بودن خروج سفیانی از دو امام معصوم روایت شده است .

۳ . نعمانی با سلسله اسنادش از امام صادق ۷ روایت می کند که فرمود :

السُّفیانِی مِنَ الْمَحْتُومِ وَ خُرُوجُهُ فی رَجَب ؛(۳)

سفیانی از امور حتمی است و خروجش در ماه رجب است .

ابو زینب محمد بن ابراهیم نعمانی از شخصیت های برجسته قرن چهارم است که پیشتاز رجالیون او را به عنوان : عظیم القدر ، شریف المنزله ، صحیح العقیده و کثیرالحدیث ستوده است .(۴)

نعمانی این حدیث را با پنج واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده ، که همه آنها از نظر علمای رجال مورد اعماد و استناد هستند :

۱ . احمد بن محمد بن سعید ، مشهور به ابن عقده

نجاشی بر صداقت، وثاقت، امانت و جایگاه رفیعش تأکید کرده است .(۵)

۱- ۱ . همو ، الفهرست ، ص ۹۶ ، رقم ۱۶۲ .
۲- ۲ . نجاشی ، الرجال ، ص ۱۱۵ ، رقم ۲۹۶ .
۳- ۳ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۳۰۰ ، باب ۱۸ ، ح ۱ .
۴- ۴ . نجاشی ، الرجال ، ص ۳۸۳ ، رقم ۱۰۴۳ .
۵- ۵ . نجاشی ، الرجال ، ص ۹۴ ، رقم ۲۳۳ .

۲ . محمد بن فضل بن ابراهیم بن قیس بن رمانه

بر وثاقت او نیز نجاشی تصریح کرده است .(۱)

۳ . حسن بن علی بن فضال

شیخ طوسی بر تقوا ، زهد و وثاقتش تأکید کرده است .(۲)

۴ . ابواسحاق ، ثعلبه بن میمون

بر فقاهت ، وثاقت ، فضیلت و جلالت قدرش شیخ طوسی تأکید نموده است .(۳)

۵ . عیسی بن اعین

شیخ نجاشی بر وثاقتش تصریح کرده است .(۴)

در این حدیث بر حتمی بودن سفیانی تأکید شده و خروجش در ماه رجب بیان شده است .

در حدیث دیگری در همین رابطه آمده است :

وَ مِنَ الْمَحْتُومِ خُرُوجُ السُّفیانِی فی رَجَب ؛(۵)

خروج سفیانی در ماه رجب از نشانه های حتمی می باشد .

از این بحث مقدماتی به نتایج زیر رسیدیم :

۱ . نشانه های ظهور حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه بسیار فراوان

۱- ۱ . همو ، ص ۳۴۰ ، رقم ۹۱۱ .
۲- ۲ . شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۹۷ ، رقم ۱۶۴ .
۳- ۳ . همو ، اختیار معرفه الرجال ، ص ۴۱۲ ، رقم ۷۷۶ .
۴- ۴ . نجاشی ، الرجال ، ص ۲۹۶ ، رقم ۸۰۳ .
۵- ۵ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۳۰۰ ، ب ۱۸ ، ح ۲ .

است و از مرز دو هزار می گذرد .

۲ . پنج نشانه از آنها از علایم حتمی است .

۳ . یکی از علایم حتمی خروج سفیانی است .

و اینک وقت آن رسیده که ویژگی های سفیانی را در پرتو احادیث وارده از پیشوایان معصوم برشماریم :

ویژگی های سفیانی

۱ . نام سفیانی

مشهور آن است که نام سفیانی عثمان و نام پدرش عنبسه می باشد .(۱)

در برخی از منابع نام پدرش « عُیینَه » آمده(۲) که با توجه به اتحاد طریق به نظر می رسد که آن تصحیف شده « عنبسه » باشد .

اسامی دیگری برای سفیانی نقل شده که از آن جلمه است :

۱ . حرب بن عنبسه بن مره بن کلب بن سلمه بن یزید بن عثمان بن خالد بن یزید بن معاویه بن ابی سفیان .(۳)

۲ . عنبسه بن مره بن کلیب بن سلمه بن عبداللّه بن عبد المقتدر بن

۱- ۱ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۱ ، ب ۵۷ ، ح ۹ ؛ راوندی ، الخرائج و الجرائح ، ج ۳ ، ص۱۱۵۰ ؛ نیلی ، منتخب الأنوار المضیئه ، ص ۲۸ ؛ مجلسی ، بحارالأنوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۰۵ ، ح ۳۶ .

۲- ۲ . طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۸۲ ؛ شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۷۲۱ ، ب ۳۴ ، ح ۲۶ .

۳- ۳ . سلمی ، عقد الدرر ، ص ۹۱ .

عثمان بن معاويه بن ابى سفيان .(۱)

۳ . عبداللّه بن یزید ، از قبیله بنی کلب .(۲)

۴ . عنبسه بن هند .(۳)

۵ . ابوعتبه ، عروه بن محمد .(۴)

۶ . معاویه بن عتبه .(۵)

هیچیک از اسامی یاد شده سند قابل اعتماد و استنادی ندارند و مشهور همان : عثمان بن عنبسه می باشد .

۲ . القاب او

مشهورترین لقب او سفیانی است ، او را از آن جهت سفیانی می نامند که از تبار ابوسفیان است .

از دیگر القابش : صخری منسوب به صخر پدر ابوسفیان می باشد .(۶)

امیرمؤمنان از او به عنوان ضِلّیل یاد می کند(۷)یعنی بسیار گمراه .(۸)

۱- ۱ . سید بن طاووس ، التشریف بالمنن ، ص ۲۹۶ ، ب ۷۹ ، ح ۴۱۷ .
۲- ۲ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۲۱ ، ب ۲۹ ، ح ۸۱۴ .
۳- ۳ . ابن المنادی ، الملاحم ، ص ۷۷ .
۴- ۴ . مقدسی ، فرائد فوائد الفکر ، ص ۳۰۵ .
۵- ۵ . سفارینی ، لوائح الأنوار البهیّه ، ج ۲ ، ص ۷۵ .
۶- ۶ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۷۶ ، ب ۴۵ ، ح ۱۰۲۸ ؛ سیوطی ، الحاوی للفتاوی ، ج ۲ ، ص ۷۰ .
۷- ۷ . سیدرضی ، نهج البلاغه ، خطبه ۱۰۱ .
۸- ۸ . ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۸ ، ص ۸۱ .

برخی از شارحان نهج البلاغه آن را اشاره به سفیانی دانسته(۱) برخی به عبدالملک بن مروان تفسیر کرده(۲) و برخی دیگر آن را اعمّ دانسته اند .(۳)

۳ . نسب او

قرآن کریم از « بنی امیه » به عنوان : « الشَّجَرَهُ الْمَلْعُونَهُ » تعبیر کرده(۴) و در احادیث فراوان تصریح شده که منظور از شجره ملعونه بنی امیه می باشد .(۵)

در روایات آمده است که سفیانی از سوی پدر به بنی امیه و از سوی مادر به تیره کلب می رسد ؛ چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید :

هُوَ مِنْ بنی اُمیه ، وَ اَخْوَالُهُ کَلْبٌ ؛(۶)

او از تبار بنی امیه و دایی هایش از قبیله کلب می باشند .

بی گمان از بطن هند جگرخواره است ، چنانکه در احادیث فراوان از او به عنوان : ابن آکلهِ الأکباد یاد شده است .(۷)

۱- ۱ . بحرانی ، شرح نهج البلاغه ، ج ۳ ، ص ۱۱ .

۲- ۲ . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۷ ، ص ۹۹ .

۳- ۳ . مغنیّه ، فی ظلال نهج البلاغه ، ج ۲ ، ص ۹۴ .

۴- ۴ . سوره اسراء (۱۷) ، آیه ۶۰ .

۵- ۵ . قرطبی ، الجامع لأحکام القران ، ج ۱۰ ، ص ۲۸۳ ؛ بحرانی ، البرهان ، ج ۶ ، ص ۱۰۴ _ ۱۰۷ .

۶- ۶ . سید بن طاووس ، التّشریف بالمنن ، ص ۲۹۶ ، ب ۷۹ .

۷- ۷ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۳۰۶ ، ب ۱۹ ، ح ۱۶ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۶۱ ، ح ۴۷۶ ؛ راوندی ، الخرائج و الجرائح ، ج ۳ ، ص ۱۱۵۱ ؛ شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۷۳۰ ، ح ۶۹ ؛ مجلسی ، بحارالأنوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۱۶ ، ح ۷۳ ؛ سلمی ، عقد الدرر ، ص ۵۴ ؛ مقدسی ، فرائد فوائد الفکر ، ص۲۹۹ .

در احادیث فراوان تأکید شده که از تبار ابی سفیان است .(۱)

امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید :

ما و آل ابی سفیان برای خدا با یکدیگر دشمنی ورزیدیم ، ما گفتیم : خداوند راست فرموده ، آنها گفتند : خداوند دروغ گفته است . از این رو ابوسفیان با پیامبر ، معاویه با علی بن ابیطالب و یزید با حسین بن علی پیکار کرد و سفیانی با قائم پیکار خواهد کرد .(۲)

اما در مورد اینکه از نسل کدامین فرزند ابوسفیان است ، به اختلاف روایت شده است :

۱ . از نسل خالد بن یزید بن ابی سفیان .(۳)

۲ . از نسل عتبه بن ابی سفیان .(۴)

۱- ۱ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۱ ، ب ۵۷ ، ح ۹ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۸۲ ؛ راوندی ، الخرائج و الجرائح ، ج ۳ ، ص ۱۱۵۰ ؛ شیخ حرّ ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۷۲۱ ؛ ب ۳۴ ، ح ۲۶ .

۲- ۲ . شیخ صدوق ، معانی الأخبار ، ص ۳۴۶ .

۳- ۳ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۲۲ ، ب ۲۹ ، ح ۸۱۸ ؛ متّقی هندی ، البرهان ، ص ۱۱۳ ، ح ۸ ؛ همو ، کنزالعمّال ، ج ۱۱ ، ص ۲۸۴ ، ح ۳۱۵۳۵ ؛ سلمی ، عقد الدرر ، ص ۷۲ ؛ مقدسی ، فرائد فوائد الفکر ، ص۳۰۵ ؛ سفارینی ، لوائح الانوار البهیّه ، ج ۲ ، ص ۷۵ .

۴- ۴ . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۴۴ ، ح ۴۳۷ ؛ شیخ حر ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۷۲۷ ، ح ۵۲ ؛ مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۱۳ ، ح ۶۵ .

۳ . از نسل یزید بن معاویه بن ابی سفیان .(۱)

۴ . از طرف پدر از نسل ابی سفیان و از سوی مادر از نسل یزید بن معاویه .(۲)

۴ . اوصاف جسمی

در روایات فراوان از اوصاف ظاهری سفیانی گفتگو شده و جای هرگونه شک و تردید را از بین برده است .

شیخ صدوق با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود :

اِنَّکَ لَوْ رَأَیْتَ السُّفیانِی لَرَأَیْتَ أَخْبَثَ النَّاسِ ، أَشْقَرَ ، أَحْمَرَ ، أَزْرَقَ ؛(۳)

تو اگر سفیانی را ببینی ، پلیدترین انسان ها را دیده ای ، او بور ، سرخ روی و زاغ چشم است .

شیخ صدوق این حدیث را با شش واسطه روایت کرده که علمای رجال بر وثاقت همه آنها تصریح کرده اند :

۱ . احمد بن زیاد بن جعفر همدانی

وی از مشایخ شیخ صدوق است و شیخ صدوق بر وثاقت او تأکید کرده ، می فرماید : او ثقه ، متدین و با فضیلت بود .(۴)

۱- ۱ . مقدسی ، البدء و التاریخ ، ج ۲ ، ص ۱۷۷ .
۲- ۲ . عبدالامیر ، الأسرار فیما کنی و عرف به الأشرار ، ج ۴ ، ص ۲۸۸ .
۳- ۳ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۱ ، ب ۵۷ ، ح ۱۰ .
۴- ۴ . همان ، ص ۳۶۹ ، ب ۳۴ ، ذیل ح ۶ .

۲ . علی بن ابراهیم بن هاشم

نجاشی بر وثاقت او تصریح کرده می فرماید : او ثقه ، مورد اعتماد ، استناد و صحیح الاعتقاد بود .(۱)

۳ . ابراهیم بن هاشم

سید بن طاووس بر وثاقت او ادعای اجماع کرده است .(۲)

۴ . محمد بن ابی عمیر

شیخ طوسی او را از پارساترین ، موثق ترین و عابدترین مردمان در میان خاص و عام معرفی کرده(۳) و خود از اصحاب اجماع می باشد .(۴)

۵ . حماد بن عیسی

او نیز از اصحاب اجماع است(۵) و شیخ طوسی بر وثاقت و جلالت قدرش تصریح نموده است .(۶)

۶ . عمر بن یزید

شیخ طوسی بر وثاقت او نیز تصریح کرده است .(۷)

در این حدیث شریف که با سند صحیح به دست ما رسیده ، مشخصات ظاهری سفیانی ، از قبیل : سرخ روی ، بور و زاغ چشم بودن وی برای ما بیان شده است .

۱- ۱ . نجاشی ، الرجال ، ص ۲۶۰ ، رقم ۶۸۰ .

۲- ۲ . سید بن طاووس ، فلاح السائل ، ص ۱۵۸ ، فصل ۱۹ .

۳- ۳ . شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۲۱۸ ، رقم ۶۱۷ .

۴- ۴ و ۵ . همو ، اختیار معرفه الرجال ، ص ۳۷۵ ، رقم ۷۰۵ .

۵- ۵ . همو ، الفهرست ، ص ۱۱۵ ، رقم ۲۴۰ .

۶- ۶ . همان ، ص ۱۸۴ ، رقم ۵۰۲ .

در حدیث دیگری امام باقر علیه السلام در همین رابطه می فرماید :

السُّفیانِی اَحْمَرُ ، اَشْقَرُ ، اَزْرَقُ ؛(۱)

سفیانی سرخ روی ، بور و زاغ چشم است .

در احادیث دیگر به دیگر ویژگی های جسمی و اوصاف ظاهری سفیانی اشاره شده که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم :

پیشوای پرواپیشگان امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید :

یَخْرُجُ ابن آکِلَهِ الاْکْبادِ مِنَ الْوادی الیابِسِ ، وَ هُوَ رَجُلٌ رَبْعَهٌ ، وَحْشُ الْوَجْهِ ، ضَخْمُ الْهَامَهِ ، بِوَجْهِهِ اَثَرُ الْجُدْری ، اِذَا رَأَیْتَهُ حَسِبْتَهُ اَعْوَرَ ؛(۲)

پسر هند جگرخواره از وادی یابس خروج می کند ، او مردی میان بالا ، با چهرهای وحشتناک ، سر ستبر و آبله روی می باشد . هنگامی که او را ببینی او را یک چشم تصور می کنی .

از طریق عامه نیز از مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود :

اَلسُّفیانِی مِنْ وُلْدِ خَالِدِ بْنِ یَزیدَ بْنِ اَبی سُفیانَ ، رَجُلٌ ضَخْمُ الْهَامَهِ ، بِوَجْهِهِ آثَارُ جُدْری ، وَ بِعَیْنِهِ نُکْتَهُ بیاض ؛(۳)

ص: ۳۸

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۳۰۶ ، ب ۱۹ ، ح ۱۸ .
۲- ۲ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۱ ، ب ۵۷ ، ح ۹ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۸۲ ، ب۴ ، ف ۱ ؛ راوندی ، الخرائج و الجرائح ، ج ۳ ، ص ۱۱۵۰ ؛ نیلی ، منتخب الأنوار المضیئه ، ص ۲۸ ؛ مجلسی ، بحارالأنوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۰۵ ، ح ۳۶ .
۳- ۳ . نعیم بن حمّاد ، الفتن ، ص ۲۲۲ ، ب ۲۹ ، ح ۸۱۸ ؛ سلمی ، عقد الدرر ، ص ۷۳ ؛ متقی هندی ، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان ، ص ۱۱۳ ؛ همو ، کنز العمّال ، ج ۱۱ ، ص ۲۸۴ ، ح ۳۱۵۳۵ ؛ سفارینی ، لوائح الأنوار البهیه ، ج ۲ ، ص ۷۵ ؛ مقدسی ، فرائد فوائد الفکر ، ص ۳۰۶ .

سفیانی از تبار خالد بن یزید بن ابی سـفیان است ، او مردی سـر ستبر است ، که چهره اش آثار آبله و در چشمش نقطه سفیدی است .

حافظ ابوعبداللّه ، نعیم بن حماد مروزی ، م . ۲۲۹ ه . با سلسله اسنادش از حارث بن عبداللّه روایت کرده که گفت :

یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ اَبی سُـفیانَ ، فی الْوَادی الیابِسِ ، فی رَایَات حُمْر ، دَقِیقِ السَّاعِدینِ وَ السَّاقَیْنِ ، طَویلُ الْعُنُقِ ، شَدیدُ الصُّفْرَهِ ، بِهِ اَثَرُ الْعِبَادَهِ ؛(۱)

مردی از تبار ابی سفیان از وادی یابس با پرچم های سرخ خروج می کند که بازوانش نازک ، ساق های پایش لاغر ، گردنش دراز ، چهره اش به شدت زرد و در سیمایش آثار عبادت است .

در فصل های بعـدی یادآور می شویم که او هرگز خـدای را نپرستیده است، اما نشان عبادتی که در این حدیث آمده ، احتمالاً نشانی مزوّرانه باشد .

مروزی همچنین با سلسله اسنادش از « ضمره » روایت کرده که گفت :

اَلسُّفیانِی رَجُلٌ اَبیضُ ، جَعْدُ الشَّعْرَهِ ؛(۲)

سفیانی مردی سفید پوست با موهای مجعّد می باشد .

۱- ۱ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۲۳ ، ح ۸۲۱ .
۲- ۲ . همان ، ح ۸۲۰ .

وی همچنین در ضمن حدیث مفصلی از کعب الأحبار روایت کرده که گفت :

اَلسُّفیانِی حَدیثُ السِّنِّ ، جَعْدُ الشَّعْرِ ، اَبیضُ ، مَدیدُ الْجِسْمِ ؛(۱)

سفیانی جوانی نورس ، با موهای مجعّد ، سفید چهره و لاغر اندام است .

و در حدیث دیگری آمده است :

وَ هُوَ رَبْعَةٌ مِنَ الرِّجَالِ ، دَقِیقُ الْوَجْهِ ، جَهُوری الصَّوْتِ ، طَویلُ الاْنْفِ ، یَحْسَبُهُ مَنْ یَراَهُ اَنَّهُ اَعْوَرُ ؛(۲)

او مردی میان بالا ، صورت باریک ، بلند آواز و بینی دراز است ، هر کس او را ببیند گمان کند که او یک چشم دارد .

در مورد ویژگی های جسمی و نشانه های ظاهری سفیانی ، تنها حدیث مورد اعتماد و استناد ، حدیث شیخ صدوق بود که آن را با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است ، احادیث بعدی را به عنوان مؤیّد آوردیم ، به ویژه احادیث مروزی را که سندهایش به معصوم نمی رسد .(۳)

۱- ۱ . همان ، ص ۲۳۵ ، ب ۳۳ ، ح ۸۷۲ .

۲- ۲ . مقدسی ، فرائد فوائد الفکر ، ص ۳۰۷ .

۳- ۳ . استناد به احادیث اصحاب در مورد فتن و ملاحم از این جهت است که آنها هیچ اطلاعی و هیچ ادعایی از حوادث آخرالزمان نداشتند ، و آنچه نقل می کردند به استناد شنیده های خود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود ، اگر چه در مواردی به آن تصریح نمی کردند .

تعبیر سفید چهره که در حدیث ضمره و کعب آمده ، با تعبیر اشقر قابل جمع است ، زیرا اشقر به کسی گفته می شود که گونه هایش سرخ و سفید باشد .(۱)

۵ . دیگر اوصاف سفیانی

در احادیث وارده از پیشوایان معصوم علیهم السلام به ذکر اوصاف ظاهری و ویژگی های جسمی سفیانی بسنده نشده ، بلکه به اوصاف روحی و روانی او نیز اشاره شده است .

در حدیث شیخ صدوق که سند آن را در بخش پیشین بررسی کردیم و صحّت آن را اثبات نمودیم ، امام صادق علیه السلام می فرماید :

إنَّکَ لَوْ رَأَیْتَ السُّفیانی لَرَأَیْتَ أَخْبَثَ النَّاسِ ، أَشْقَرَ ، أَحمَرَ ، أَزْرَقَ ، یَقُولُ : یارَبِّ ثَاری ، ثَاری ، ثُمَّ النَّارَ . وَ قَدْ بَلَغَ مِنْ خُبْثِهِ اَنَّهُ یَدْفُنُ اُمَّ وَلَد لَهُ وَ هی حیَّهٌ ، مَخَافَهَ اَنْ تَدُلَّ عَلیهِ ؛(۲)

اگر سفیانی را ببینی ، پلیدترین انسان ها را دیده ای ، او مردی بور ، سرخ روی و زاغ چشم است . او همواره می گوید : خدایا انتقام ، انتقام ، سپس دوزخ . او به قدری خبیث است که مادرِ بچه اش را زنده به گور می کند ، از ترس اینکه مخفیگاهش را نشان دهد .

۱- ۱ . ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۷ ، ص ۱۶۱ .

۲- ۲ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۱ ، ب ۵۷ ، ح ۱۰ .

امام باقر علیه السلام در همین رابطه می فرماید :

اَلسُّفیـانِی اَحْمَرُ ، اَشْـقَرُ ، اَزْرَقُ ، لَمْ یَعْبُـِدِ اللّه ـَقـطُّ ، وَ لَمْ یَرَ مَکَّهَ وَ الْمَـدینَهَ قَـطُّ ، یَقُولُ یَا رَبِّ ثَاری وَ النَّارَ ، یَا رَبِّ ثَاری وَ النَّارَ (۱)؛

سفیانی سـرخ رو ، بور و زاغ چشم است ، او هرگز خدا را نپرستیده است و هرگز وارد مکه و مدینه نشده است . او می گوید : خدایا انتقام وانگهی دوزخ ، بار خدایا انتقام ، سپس دوزخ .

و از طریق عامه آمده است :

اَلسُّفیانِی مِنْ وُلْدِ خَالِدِ بْنِ یَزیدَ بْنَ اَبی سُفیانَ ، مَلْعُونٌ فی السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ ، وَ هُوَ اَکْثَرُ خَلْقِ اللّه ِ ظُلْما ؛(۲)

سفیانی از تبار خالد بن یزید بن ابی سفیان است ، در آسمان و زمین لعنت شده است ، او ستمکارترینِ مخلوقات خداست .

حافظ ابوصالح سلیلی در ضمن یک حدیث بسیار طولانی از امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده که فرمود :

اَشَدُّ خَلْقِ اللّه ِ شَرّا ، وَ اَلْعَنُ خَلْقِ اللّه ِ حَدّا ، وَ اَکْثَرُ خَلْقِ اللّه ِ ظُلْمـا ؛(۳)

او در میان مخلوقات خدا از همه شرورتر ، از همه ملعون تر و از همه ستمکارتر می باشد .

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۳۰۶ ، ب ۱۹ ، ح ۱۸ .
۲- ۲ . سفارینی ، لوائح الأنوار البهیّه ، ج ۲ ، ص ۷۵ ؛ مقدسی ، فرائد فوائد الفکر ، ص ۳۰۵ .
۳- ۳ . سید بن طاووس ، التّشریف بالمنن ، ص ۲۹۶ ، ب ۷۹ ، ح ۴۱۷ .

از مجموع احادیث یاد شده ، شرارت ، ملعنت ، کینه توزی ، و انتقامجویی او استفاده می شود .

در حدیث شیخ صدوق که صحیح ترین و معتبرترین حدیث این بخش بود ، بر سه ویژگی اخلاقی او تأکید شده است :

۱ . سفیانی پلیدترین انسان روی زمین است .

۲ . پرکینه ترین انسان است و همواره فریاد می زند : انتقام ، انتقام .

۳ . سنگدل ترین انسان است ، بر احدی رحم نمی کند ، حتی همسرش را زنده به گور می کند .

پیش تر سند این حدیث را بررسی کردیم و صحّت و اعتبارش را اثبات کردیم .

۶ . کارنامه سیاه سفیانی

در پایان این مقال ، شماری از عملکردهای وحشیانه و بی رحمانه سفیانی را بررسی می کنیم :

۱ . رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

یَخْرُجُ رَجُلٌ یُقَالُ لَهُ : « السُّفیانِی » فی عُمْقِ دِمَشْقَ ، وَ عَامَّهُ مَنْ یَتْبَعُهُ مِنْ کَلْب ، فیقْتُلُ حَتَّی یَبْقُرَ بُطُونَ النِّسَاءِ وَ یَقْتُلُ الصِّبیانَ ؛(۱)

---

۱ - ۱ . سلمی ، عقد الدرر ، ص ۷۳ ؛ متقی هندی ، کنز العمّال ، ج ۱۴ ، ص ۲۷۲ ، ح ۳۸۶۹۸ ؛ همو ، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان ، ص ۱۱۳ ؛ سیوطی ، الدّرالمنثور ، ج ۵ ، ص ۲۴۱ ؛ همو ، الحاوی للفتاوی ، ج ۲ ، ص ۶۱ ؛ قنوجی ، الاذاعه لما کان و ما یکون بین یدی الساعه ، ص ۱۲۵ .

مردی از دل دمشق خروج می کند که به او سفیانی می گویند ، همه پیروانش از تیره کلب می باشد ، آنقدر کشتار کند که حتی شکم زن ها را می شکافد و کودکان را از دمِ تیغ می گذراند .

حاکم نیشابوری پس از نقل حدیث تأکید کرده که این حدیث بر اساس معیارهای بخاری و مسلم صحیح است .(۱)

۲ . در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علیه السلام آمده است :

فیقْتُلُ حَتَّی یَبْقُرَ بُطُونَ النِّسَاءِ وَ یَقْتُلُ الصِّبیانَ ؛(۲)

آنقدر کشتار نماید که حتی شکم زن ها را می شکافد و کودکان را به قتل می رساند .

۳ . و در حدیث دیگری در این رابطه می فرماید :

ثُمَّ یَبْعَثُ فیجْمَعُ الاَطْفَالَ وَ یَغْلِی الزَّیتَ لَهُمْ ، فیقُولُونَ : اِنْ کَانَ آبَاؤُنَا عَصَوْکَ فَنَحْنُ مَاذَنْبُنَا ؟ ؛(۳)

مأمورها را می فرستد ، کودکان را گرد می آورند و دیگ های زیتون را برای آنها می جوشاند ، آنها گویند : اگر پدران ما با تو مخالفت کرده اند ، تقصیر ما چیست ؟

۴ . در ادامه همین حدیث آمده است :

وَ یَخْرُجُ السُّفیانِی وَ بیدِهِ حَرْبَهٌ ، فیأْخُذُ امْرَأَهً حَامِلًا ،

۱- ۱ . حاکم ، المستدرک للصّحیحین ، ج ۴ ، ص ۵۲۰ .
۲- ۲ . مقدسی ، فرائد فوائد الفکر ، ص ۳۰۶ .
۳- ۳ . سلمی ، عقد الدّرر ، ص ۹۳ .

فیدْفَعُهَا اِلی بَعْضِ اَصْحَابِهِ وَ یَقُولُ : افْجُرْبِهَا فی وَسَطِ الطَّریقِ . فیفْعَلُ ذَالِکَ وَ یَبْقُرُ بَطْنَهَا ، فیسْقُطُ الْجَنِینُ مِنْ بَطْنِ اُمِّهِ ، فَلاَ یَقْدِرُ اَحَدٌ اَنْ یُغیِّرَ ذَلِکَ ؛(۱)

سفیانی اسلحه به دست خروج می کند ، زن حامله ای را دستگیر کرده به یکی از افرادش می گوید : در میان راه دامنش را آلوده کن ، آنگاه شکمش را می شکافد و جنین اش را بیرون می آورد و کسی را توان اعتراض نمی باشد .

۵ . امیر تقواپیشگان در همین رابطه می فرماید :

وَ یَخْرُجُ قَوْمٌ مِنْ آلِ رَسُولِ اللّه ِ صلی الله علیه و آله اِلی بِلاَدِ الرُّومِ ، فیبْعَثُ السُّفیانِی اِلی مَلِکِ الرُّوم : رُدَّ اِلیَّ عَبیدی ، فیرُدُّهُمْ اِلیهِ ، فیضْرِبُ اَعْنَاقَهُمْ بِدِمَشْقَ ؛(۲)

گروهی از اولاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله به بلاد روم پناهنده می شوند ، سفیانی کسی را به نزد پادشاه روم می فرستد که بنده هایم را به سوی من برگردان . او نیز بر می گرداند ، پس آنها را در دمشق گردن می زند .

۶ . امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن شمارش کارنامه سیاه سپاهیان سفیانی می فرماید :

فیقْتُلُونَ بِالزَّوْرَاءِ سَبْعِینَ اَلْفا ویبْقُرُونَ بُطُونَ

۱- ۱ . همان ، ص ۹۴ .

۲- ۲ . مقدسی ، فرائد فوائد الفکر ، ص ۳۲۰ .

ثَلاثِمِاَئهِ اِمْـرَأَه ؛(۱)

۷۰۰۰۰ نفر را در بغداد می کشند و شکم ۳۰۰ زن را می شکافند .

۷ . در برخی از تفاسیر عامه ، در ذیل آیه ۵۱ از سوره سبأ آمده است :

سفیانی لشکری را به بغداد می فرستد ، بیش از ۳۰۰۰ نفر را می کشند و شکم بیش از ۱۰۰ زن را می شکافند .(۲)

۸ . در برخی دیگر از احادیث عامه ، از کشته شدن ۷۰۰۰۰ نفر در عین التّمر(۳) و از تعدی به حریم ۳۰۰۰۰ تن در کوفه سخن رفته است .(۴)

۹ . از أرطاه نقل شده که گفت :

سفیـانی همه کسانی را که با او مخالفت کننـد از دم شمشـیر می گذرانـد ، آنها را با اره می برد و در دیگها می جوشانـد . این کار تا شش ماه ادامه می یابد .(۵)

۱۰ . و در ضمن یک حدیث طولانی از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود :

با ۷۰۰۰۰ نفر به سوی عراق حرکت می کند ، در کوفه ، بصره و دیگر شهرها می گردد ، ارکان اسلام را منهدم می کند ،

۱- ۱ . سلمی ، عقد الدرر ، ص ۹۲ .

۲- ۲ . طبری ، جامع البیان ، ج ۲۲ ، ص ۷۲ ؛ قرطبی ، الجامع لأحکام القرآن ، ج ۱۴ ، ص ۳۱۵ .

۳- ۳ . نام شهری است در نزدیکی انبار در غرب کوفه ، بنگرید به : یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۳ ، ص ۷۵۹ .

۴- ۴ . مقدسی ، فرائد فوائد الفکر ، ص ۳۱۰ ؛ سلمی ، عقد الدرر ، ص ۷۷ .

۵- ۵ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۳۵ ، ب ۳۳ ، ح ۸۷۳ .

دانشـمندان را می کشد ، قرآن ها را می سوزاند ، مساجد را ویران می کند ، محرمات را مباح نماید ، به نوازندگی فرمان دهد ، کارهای ناشایست را تجویز کنـد ، از فرایض الهی جلوگیری نمایـد ، از جور و سـتم پروا نکند ، هر کس که نامش : محمد ، علی ، جعفر ، حمزه ، حسن ، حسـین ، فاطمه ، زینب ، ام کلثوم ، خدیجه و عاتکه باشد ، به سـبب دشـمنی با خاندان رسالت از دم شمشیر می گذراند .(۱)

آنچه به طور فشـرده از نظر خواننـدگان گرامی گذشت ، قطرهای از دریا ، مشتی از خروار و اندکی از بسـیار جنایاتی است که در احادیث فریقین پیرامون کارنامه سیاه سفیانی آمده است .

به طوری که قبلاً نیز اشاره کردیم همه اینها از نظر سـندی قوی نیسـتند ، ولی اینها مؤیّد حدیث بسـیار قوی و معتبری هستند که در آغاز این بخش از امام صادق علیه السلام نقل کردیم که فرمود :

اگر سـفیانی را ببینی ، خبیث ترین انسـان هـا را دیـده ای ، او سـرخ رو ، زاغ چشم و بور است ، فریاد می زنـد : انتقام ، انتقام ، وانگهی دوزخ .

او به قدری پلید است که مادرِ بچه اش را زنده به گور می کند ، از ترس اینکه مخفیگاهش را نشان دهد .(۲)

و توضیح دادیم که سندش بسیار قوی و مورد اعماد و استناد است .

۱- ۱ . مقدسی ، فرائد فوائد الفکر ، ص ۳۲۰ .

۲- ۲ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۱ ، ب ۵۷ ، ح ۱۰ .

خروج یمانی

دوّمین نشانه از نشانه های حتمی که بی گمان پیش از ظهور حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه رخ می دهد ، خروج یمانی از صنعا ، پایتخت یمن می باشد .

احادیث فراوان به حتمی بودن خروج یمانی دلالت می کند ، از جمله :

۱ . روایت عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام که فرمود :

پیش از قیام قائم علیه السلام پنج نشانه حتمی هست که عبارتند از : یمانی ، سفیانی ، بانگ آسمانی ، قتل نفس زکیه و خسف سرزمین بیدا .(۱)

در این بخش متن کامل حدیث را آوردیم ، سند آن را بررسی کردیم و صحت آن را اثبات نمودیم .

۲ . ثقه الاسلام کلینی با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود :

خَمْسُ عَلاَمَات قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِم : اَلصَّیحَهُ وَ السُّفیانِی

۱- ۱ . همان ، ص ۶۵۰ ، ح ۷ .

وَ الْخَسْفُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّهِ وَ اليَمَانی ؛

پیش از قیام قائم علیه السلام پنج نشانه هست : بانگ آسمانی ، سفیانی ، خسف ، قتل نفس زکیه و یمانی .

راوی حدیث عمر بن حنظله می گوید : جانم به فدایت ، اگر پیش از آنکه این نشانه ها رخ دهد ، یکی از اهل بیت شما خروج کند ، آیا ما نیز همراه او خروج کنیم ؟ فرمود : « نه » .(۱)

علامه مجلسی پس از نقل این حدیث شریف سند آن را بررسی کرده و فرموده :

سند این حدیث « نیکو » در حدّ « صحیح » است و شهید ثانی آن را « صحیح » دانسته است .(۲)

و اینک توضیح آن :

مرحوم کلینی این حدیث را با ۵ واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که عبارتند از :

۱ . محمد بن یحیی العطّار

نجاشی بر وثاقت و وجاهت او تصریح کرده است .(۳)

۲ . احمد بن محمد بن عیسی

شیخ طوسی او را توثیق نموده است .(۴)

۱- ۱ . کلینی ، الکافی ، ج ۸ ، ص ۲۵۸ ، ح ۴۸۳ .
۲- ۲ . علامه مجلسی ، مرآه العقول ، ج ۲۶ ، ص ۴۰۶ .
۳- ۳ . نجاشی ، الرجال ، ص ۳۵۳ ، رقم ۹۴۶ .
۴- ۴ . شیخ طوسی ، الرجال ، ص ۳۶۶ .

۳ . علی بن الحکم

شیخ طوسی او را به وثاقت و جلالت قدر توصیف کرده است .(۱)

۴ . ابوایوب خزاز (ابراهیم بن عیسی)

نجاشی او را با وثاقت و جایگاه بلند ستوده و فرموده : از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهماالسلام بود .(۲)

۵ . عمر بن حنظله

در وثاقت او همین بس که امام صادق علیه السلام به راستگویی او تصریح نموده(۳) و محمد بن ابی عمیر که از اصحاب اجماع است ، از او روایت کرده است .

در این حدیث اگر چه به حتمی بودن نشانه های یاد شده تصریح نشده ، ولی پاسخ امام علیه السلام به پرسش راوی به آن دلالت می کند .

۳ . امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری در همین رابطه فرمود :

پنج نشانه پیش از قیام قائم علیه السلام هست که عبارتند از : یمانی ، سفیانی ، منادی آسمانی که از آسمان بانگ بر می آورد ، خسف سرزمین بیدا و قتل نفس زکیه .(۴)

۱- ۱ . همو ، الفهرست ، ص ۱۵۱ ، رقم ۳۷۶ .

۲- ۲ . نجاشی ، الرجال ، ص ۲۰ ، رقم ۲۵ .

۳- ۳ . کلینی ، الکافی ، ج ۳ ، ص ۲۷۵ .

۴- ۴ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۴۹ ، ب ۵۷ ، ح ۱ ؛ همو ، الخصال ، ج ۱ ، ص ۳۰۳ ، ح ۸۲ ؛ طبرسی ، إعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۷۹ ؛ نیلی ، منتخب الانوار المضیئه ، ص ۱۷۷ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۰۳ ؛ با اندک تغییری در تعبیر : سلمی ، عقد الدرر ، ص ۱۱۱ .

این حدیث با دو حدیث پیشین مؤیَّد است ، از این رهگذر نیازی به بررسی سندی ندارد .

۴ . و در حدیث دیگری فرمود :

اَلنِّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُومِ ، وَ السُّفیـانِی مِنَ الْمَحْتُومِ ، وَ الیمَانِی مِنَ الْمَحْتُومِ ، وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّکِیَهِ مِنَ الْمَحْتُومِ ، وَ کَفٌّ یَطْلَعُ مِنَ السَّمَاءِ مِنَ الْمَحْتُومِ ؛(۱)

بانـگ آسـمانی حتمی اسـت ، سـفیانی حتمی اسـت ، یمـانی حتمی است ، قتـل نفس زکیه حتمی است ، دسـتی که از آسـمان پدیدار خواهد شد حتمی است .

در این حـدیث شـریف به حتمی بودن یمانی بالخصوص تصـریح شـده و مضـمون آن با احادیث پیشـین تأییـد شده و نیازی به بررسی سندی ندارد ، جز در مورد نشانه پنجم .(۲)

۵ . عبید بن زراره گوید : در محضر امام صادق علیه السلام از سفیانی گفتگو شد ، امام علیه السلام فرمود :

اَنیّ یَخْرُجُ ذَلکَ ؟ وَ لَمَّا یَخْرُجْ کَاسِرُ عَیْنیهِ بِصَنْعَاءَ ؛(۳)

چگونه ممکن است او خروج کرده باشد در حالیکه در هم کوبنده دیدگانش از صنعا خروج نکرده است ؟

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۲ ، ب ۱۴ ، ح ۱۱ .

۲- ۲ . در این حـدیث به جای « خسف بیـدا » ، دستی که از آسـمان پدیـدار گردد ، یاد شده ، و این نشانه در احادیث دیگری نیز در شمار نشانه های حتمی آمده است .

۳- ۳ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۷۷ ، ب ۱۴ ، ح ۶۰ .

اگر از ضعف سند آن(۱) چشم پوشی شود ، بر حتمی بودن خروج یمانی به روشنی دلالت می کند ، زیرا تصریح می کند که خروج سفیانی بدون یمانی هرگز نخواهد بود .

پس از ثبوت حتمی بودن خروج یمانی به شماری از ویژگی های او اشاره می کنیم :

ویژگی های یمانی

اشاره

در احادیث مربوط به خروج یمانی بسیاری از ویژگی های او بیان شده که به شماری از آنها به طور فشرده اشاره می کنیم :

۱. محل خروج

در بسیاری از احادیث تصریح شده که یمانی از یمن خروج می کند ، از جمله :

فضل بن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی روایت کرده که فرمود :

وَ خُرُوجُ السُّفیانِی مِنَ الشَّامِ ، وَ الیمَانِی مِنَ الیمَنِ ، وَ خَسْفٌ بالْبَیداءِ ، وَ قَتْلُ غُلَام مِنْ آلِ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله بینَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ ، اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّد وَ لَقَبُهُ النَّفْسُ الزَّکِیَّهُ ، وَ جَاءَتْ صیحَهٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلی وَ شیعَتِهِ ،

۱- ۱ . محمد بن علی کوفی در سند آن قرار گرفته و او مورد اعتماد نیست .

فَعِنْدَ ذَلِکَ خُرُوجُ قَائِمِنَا ؛(۱)

خروج سفیانی از شام ، یمانی از یمن ، خسف سرزمین بیدا ، کشته شدن نوجوانی از آل پیغمبر در میان رکن و مقام ، که نامش محمد بن محمد و لقبش : نفس زکیه است و بانگی از آسمان که ندا می کند : حق با علی و شیعیان اوست . در این هنگام خروج قائم ما انجام می پذیرد .

این حدیث را شیخ صدوق با سلسله اسنادش از امام باقر علیه السلام روایت کرده ، جز اینکه در آن نام نفس زکیه : محمد بن الحسن آمده است .(۲)

فضل بن شاذان این حدیث را فقط با دو واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده ، و آنها عبارتند از :

۱ . صفوان بن یحیی

که پیشتاز رجالیون مرحوم نجاشی بر وثاقت او تأکید کرده ، فرموده : « ثقه ، ثقه ، عین ؛ او موثقِ موثق و چشم و چراغِ شیعه است . »(۳)

۲ . محمد بن حمران

که بر وثاقت او نیز نجاشی تصریح کرده است .(۴)

۱- ۱ . فضل بن شاذان ، اثبات الرجعه ، مخطوط ؛ « مختصر اثبات الرجعه » ، تراثنا ، ش ۱۵ ، ص ۲۱۶ ، ح۱۸ ؛ میرلوحی ، کفایه المهتدی ، ص ۲۸۰ ، ح ۳۹ ؛ خاتون آبادی ، کشف الحق ، ص ۱۸۲ ، ح ۳۰ .
۲- ۲ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۳۳۱ ، ب ۳۲ ، ح ۱۶ ؛ کاظمی ، بشاره الاسلام ، ص ۱۴۰ .
۳- ۳ . نجاشی ، الرجال ، ص ۱۹۷ ، رقم ۵۲۴ .
۴- ۴ . همان ، ص ۳۵۹ ، رقم ۹۶۵ .

در این حدیث که سند آن در حدّ اعلای صحّت می باشد ، تصریح شده که یمانی از یمن خروج می کند و در حدیث قبلی تصریح شده بود که از صنعاء پایتخت یمن خروج خواهد کرد .

ابن حماد با سلسله اسناد خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود :

... ثُمَّ یَسیرُ اِلیهِمْ مَنْصُورُ الیمَانِی مِنْ صَنْعَاءَ بِجُنُودِهِ ، وَلَهُ فَوْرَةٌ شَدیدَةٌ ... ؛(۱)

سپس یمانی پیروز از صنعاء با لشکریانش به سوی آنها عزیمت می کند و برای او جوش و خروش بسیار تندی هست.

جالب توجه است که محقق کتاب سند حدیث را صحیح دانسته ، ولی در مورد جابر بن یزید جعفی توقف نموده است ،(۲) در حالی که بزرگان عامه بر وثاقت و صداقت او اعتراف کرده اند ، ولی چون او قائل به رجعت بود ، احادیث او را روایت نمی کنند .(۳)

۲. زمان خروج یمانی

بی گمان خروج یمانی در آستانه ظهور می باشد و یکی از نشانه های حتمی ظهور است ، به طوری که برای ظهور حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه هرگز کسی نمی تواند وقتی تعیین کند ، برای خروج سفیانی و یمانی نیز

۱- ۱ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۳۱ ، ح ۸۵۵ .

۲- ۲ . ابوعبداللّه ، ایمن محمد محمد عرفه ، الفتن ، پاورقی حدیث ۶۲۳ و ۸۵۵ .

۳- ۳ . مسلم نیشابوری ، صحیح مسلم ، ج ۱ ، ص ۲۰ .

هر گز وقتی تعیین نمی شود . آنچه مسلّم است این است که خروج یمانی مقارن با خروج سفیانی می باشد ، چنانکه در احادیث فراوان به آن تصریح شده است ، از جمله :

۱ . هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود :

اَلیمَانِی وَ السُّفیانِی کَفَرَسی رِهَان ؛(۱)

یمانی و سفیانی همانند دو اسب مسابقه پشت سرِ یکدیگر فرا می رسند .

۲ . فضل بن شاذان با سلسله اسنادش در ضمن یک حدیث طولانی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود :

... قَدْ یَکُونُ خُرُوجُهُ وَ خُرُوجُ الیمَانِی مِنَ الیمَنِ مَعَ الرَّایَاتِ الْبِیضِ فی یَوْم وَاحد وَشَهْر وَاحِد وَسَنَه وَاحِدَه ؛(۲)

خروج سفیانی و یمانی از یمن با پرچمهای سفید در یک روز ، یک ماه و یک سال رخ می دهد .

فضل بن شاذان این حدیث را با سه واسطه روایت کرده که هر سه در بالاترین حدّ وثاقت هستند :

۱ . محمد بن ابی عمیر

وی به تعبیر شیخ طوسی ، در میان خاصه و عامه ، از موثق ترین

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۳۰۵ ، ب ۱۸ ، ح ۱۵ ؛ شیخ طوسی ، الأمالی ، ص ۶۶۱ ، م ۳۵ ، ح ۲۰ ؛ مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۵۳ و ۲۷۵ .

۲- ۲ . فضل بن شاذان ، تراثنا ، ش ۱۵ ، ص ۲۱۵ ؛ کفایه المهتدی ، ص ۲۶۲ ؛ کشف الحق ، ص ۱۶۹ .

انسان ها بوده(۱) و خود از اصحاب اجماع می باشد .(۲)

۲ . جمیل بن دراج

نجاشی از او به عنوان استاد ، ثقه و چهره برجسته طائفه امامیه نام برده است .(۳)

۳ . زراره بن اعین

نجاشی او را به عنوان شیخ اصحاب ، مقدم اصحاب ، فقیه ، متکلم ، قاری ، ادیب شاعر ، جامع فضایل و تقوا و صداقت در نقل روایت ستوده است .(۴)

در این حدیث شریف که در بالاترین حدّ صحّت می باشد ، از خروج وی از یمن و تقارن آن با خروج سفیانی به صراحت سخن رفته است .

۳ . شیخ طوسی از طریق فضل بن شاذان از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت :

یَخْرُجُ قَبْلَ السُّفیانِی مِصْری وَ یَمَانِی ؛(۵)

پیش از سفیانی مصری و یمانی خروج می کنند .

در این حدیث اگر چه به نام امام معصوم علیه السلام تصریح نشده ، ولی

ص: ۵۷

۱- ۱ . شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۲۱۸ ، رقم ۶۱۷ .
۲- ۲ . همو ، اختیار معرفه الرجال ، ص ۵۵۶ ، ح ۱۰۵۰ .
۳- ۳ . نجاشی ، الرجال ، ص ۱۲۶ ، رقم ۳۲۸ .
۴- ۴ . همان ، ص ۱۷۵ ، رقم ۴۶۳ .
۵- ۵ . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۴۷ ، ح ۴۴۴ ؛ شیخ حرّ عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۷۲۸ ، ح ۵۸ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۱۰ ، ح ۵۳ .

محمّد بن مسلم هرگز آن را از غیر معصوم نقل نمی کند و ما آن را از این جهت آوردیم که در آن به تقدّم خروج یمانی بر سفیانی تصریح شده است .

۴ . مرحوم نعمانی با سلسله اسنادش از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود :

قبْلَ هَذَا الاْمْرِ السُّفیانِی ، وَ الیمَانِی ، وَ الْمَرْوَانِی ، وَ شُعَیْبُ بْنُ صَالِح ، وَ کَفٌّ یَقُولُ هَذَا وَ هَذَا ؛(۱)

پیش از این امر خروج سفیانی ، یمانی ، مروانی ، شعیب بن صالح و دستی که می گوید چنین و چنین .

در این حدیث از تقارن خروج یمانی با شورشی هایی چون : سفیانی ، مروانی و شعیب بن صالح سخن رفته است .

۵ . علامه مجلسی در ضمن یک حدیث بسیار طولانی از امیرمؤمنان علیه السلام روایت می کند که پس از تشریح نبردهای خونین در کوفه و پیرامون آن فرمود :

اِذْ اَقْبَلَتْ خَیْلُ الیمَانِی وَ الْخُرَاسَانِی یَسْتَبِقَانِ کَأَنَّهُم فَرَسَیْ رِهَانٍ ؛(۲)

ناگهان سپاه یمانی و خراسانی همانند دو اسب مسابقه به دنبال یکدیگر پدیدار شوند .

ص: ۵۸

---

۱ - ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۳ ، ب ۱۴ ، ح ۱۲ ؛ شیخ حرّ ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۷۳۵ ، ح ۹۷ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۳۳ ، ح ۹۹ .

۲ - ۲ . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۷۴ ، ح ۱۶۷ ؛ موسوعه احادیث امیرالمؤمنین ، ج ۱ ، ص۳۱۸ .

در این حدیث از تقارن خروج یمانی و خراسانی گفتگو شده است و در روایات بعدی نیز به آن تصریح شده است .

۳ . پرچم یمانی

در روایت صحیحی که از فضل بن شاذان نقل کردیم آمده بود که یمانی با پرچم های سفید از یمن خروج می کند(۱) و در روایات صحیح دیگر تصریح شده که پرچم یمانی از همه پرچم هایی که مقارن با آن به اهتزاز در می آیند هدایت یافته تر است و اینک متن احادیث :

۱ . فضل بن شاذان با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود :

خُرُوجُ الثَّلَاثَهِ : الْخُرَاسَانِی ، وَ السُّفیانِی ، وَ الیمَانِی ، فی سَنَه وَاحِدَه ، فی شَهْر وَاحِد ، فی یَوْم وَاحِد ، فَلیسَ فیهَا رَایَهٌ بِاَهْدی مِنْ رَایَهِ الیمَانِی ، تَهْدی اِلی الْحَقِّ ؛(۲)

خروج سه تن : خراسانی ، سفیانی و یمانی در یک سال ، یک ماه و یک روز می باشد . در این میان پرچمی هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست که به سوی حق هدایت می کند .

این حدیث را فضل بن شاذان به سه واسطه از امام صادق علیه السلام روایت

---

۱ - ۱ . فضل بن شاذان ، اثبات الرجعه ، مخطوط ، « مختصر اثبات الرجعه » ، تراثنا ، ش ۱۵ ، ص ۲۱۵ ، ح ۱۶ ؛ میرلوحی ، کفایه المهتدی ، ص ۲۶۲ ؛ خاتون آبادی ، کشف الحق ، ص ۱۶۹ .

۲ - ۲ . فضل بن شاذان ، همان ، ص ۲۱۶ ، ح ۱۷ ؛ خاتون آبادی ، کشف الحق ، ص ۱۷۳ ، ح ۲۹ .

کرده که هر سه در حدّ والای وثاقت هستند :

۱ . محمد بن ابی عمیر

شیخ طوسی در مورد وی می فرماید : او از راستگوترین و موثق ترین انسان های روی زمین در میان خاصه و عامه می باشد (۱).

۲ . سیف بن عمیره

همه علمای رجال بر وثاقت او تأکید کرده اند ،(۲) حتی برخی رجالیون عامه نیز بر وثاقت و صداقت او تصریح کرده اند .(۳)

۳ . بکر بن محمد ازدی

همه علمای رجال بر وثاقت ، صداقت ، تقوا و جلالت قدرش متّفق القول هستند .(۴)

بسیاری از محدثان ، چون : شیخ مفید ، شیخ طوسی ، امین الاسلام طبرسی و قطب راوندی این حدیث را با همین تعبیر با سلسله اسناد خود روایت کرده اند .(۵)

۱- ۱ . شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۲۱۸ ، رقم ۶۱۷ .

۲- ۲ . نجاشی ، الرجال ، ص ۱۸۹ ، رقم ۵۰۴ ؛ شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۱۴۰ ، رقم ۳۳۳ ؛ ابن شهرآشوب ، معالم العلماء ، ص ۵۶ ، رقم ۳۷۷ .

۳- ۳ . ابن حجر عسقلانی ، تهذیب التهذیب ، ج ۲ ، ص ۴۷۰ ، رقم ۳۱۸۲ .

۴- ۴ . نجاشی ، الرجال ، ص ۱۰۸ ، رقم ۲۷۳ ؛ شیخ طوسی ، اختیار معرفه الرجال ، ص ۵۹۲ ، رقم ۱۱۰۷ ؛ علامه حلی ، خلاصه الاقوال ، ص ۲۵ .

۵- ۵ . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۳۷۵ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۴۶ ، ح ۴۴۳ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۸۴ ؛ قطب راوندی ، الخرائج و الجرائح ، ج ۳ ، ص ۱۱۶۳ ؛ اربلی ، کشف الغمّه ، ج ۳ ، ص ۲۵۰ ؛ شیخ حرّ عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۷۲۸ ، ح ۵۷ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۱۰ ، ح ۵۲ .

۲ . امام باقر علیه السلام در همین رابطه فرمود :

خرُوجُ السُّفیانِی وَالْیمانی وَ الْخُراسَانِی فی سَنَه وَاحِده ، فی شَهْر وَاحِد ، فی یَوْم وَاحِد ، نَظَامٌ کَنِظَام الْخَرْزِ ، یَتْبَعُ بَعْضُهُ بَعْضا ، فیکُونُ الْبأْسُ مِنْ کُلِّ وَجْه ؛ ویلٌ لِمَنْ نَاوَاهُمْ . وَ لیسَ فی الرَّایَاتِ رَایَهٌ اَهْدی مِنْ رَایَهِ الیمَانِی ، هی رَایَهُ هُدیً ، لاِءَنَّهُ یَدْعُو اِلی صَاحِبِکُمْ ؛(۱)

سفیانی ، یمانی و خراسانی در یک سال ، یک ماه و یک روز خروج می کنند ، همانند دانه های تسبیح به دنبال یکدیگر قرار می گیرند ، ترس و هراس از هر طرف فرا می گیرد ، وای به حال کسی که با آنها درگیر شود . در میان پرچم ها پرچمی هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست ، آن پرچمِ هدایت است ، زیرا او به سوی صاحب شما فرا می خواند .

۴ . آیین یمانی

از روایات فراوانی که پرچم یمانی را هدایت یافته ترین پرچم ها معرفی می کنند به روشنی استفاده می شود که یمانی پیرو مذهب اهل بیت و تابع آیین حق می باشد و در برخی از احادیث به این معنی تصریح شده است :

هنگامی که فتنه ابومسلم خراسانی رخ داد و به صورت ظاهر آنها حق اهل بیت را مطالبه می کردند ، در میان مردم او را طالب الحق نام نهادند .

برخی از شیعیان روایات یمانی را با او تطبیق کردند و به محضر امام

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۵ ، ب ۱۴ ، ح ۱۳ .

صادق علیه السلام عرضه داشتند : امیدواریم که او همان یمانی باشد . امام علیه السلام فرمود :

لاَ ، اَلیمَانِی یُوَالی عَلیا علیه السلام وَ هَذَا یَبْرَأُ (مِنْهُ) ؛(۱)

نه ، زیرا یمانی از علی علیه السلام پیروی می کند ، در حالی که او بیزاری می جوید .

۵ . نسب یمانی

یکی از اصحاب در محضر امام صادق علیه السلام حضور داشت ، مشاهده نمود که آن حضرت در ضمن تعقیبات نماز ظهر عرضه می دارد :

بار خدایا برای ولیت و فرزند پیامبرت ، که با اذن تو به سویت فرا می خواند ، وعده ات را محقق فرما .

عرضه داشت : آیا این دعا در حق شما بود ؟ فرمود :

دَعَوْتُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّد وَ سَائِقِهِمْ وَ الْمُنْتَقِمِ بِاَمْرِ اللّه ِ مِنْ اَعْدَائِهِم ؛

من برای نورِ آل محمد ، سکّاندار آنان و منتقم از دشمنان آنها به فرمان خدا ، دعا کردم .

عرض کرد : جانم به فدایت ، او کی ظاهر می شود ؟ فرمود :

اِذَا شَاءَ مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَ الْاءَمْر ؛

هنگامی که صاحب فرمان و آفریدگار جهان اراده کند .

---

۱ - ۱ . شیخ طوسی ، الأمالی ، ص ۶۶۱ ، م ۳۵ ، ح ۱۹ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۴۷ ، ص ۲۹۷ ؛ همو ، ج ۵۲ ، ص ۲۷۵ ، ح ۱۷۰ .

پرسید : آیا ظهور او نشانه ای دارد ؟ فرمود : بلی ، عرض کردم : مثلًا ؟ فرمود :

خُرُوجُ رَایَه مِنَ الْمَشْرِقِ ، وَ رَایَه مِنَ الْمَغْرِبِ ، وَ فِتْنَهٌ تُظِلُّ اَهْلَ الزَّوْرَاءِ ، وَ خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمّی زیدٍ بِالیَمَنِ ، وَ انْتِهَابُ سِتَارَهِ الْبیتِ ؛(۱)

خروج پرچمی از مشرق و پرچمی از غرب ، و فتنه ای که اهل بغداد را فراگیرد ، و خروج مردی از تبار عمویم زید در یمن و به یغما رفتن پرده کعبه .

اگر در این حدیث شریف منظور از خروج مردی از یمن ، خروج یمانی موعود باشد ، حدیث صریح است در این که وی از تبار حضرت زید شهید است .

۶ . اسم و لقب یمانی

در احادیث معصومین علیهم السلام در مورد نام و نشان یمانی چیزی به دست ما نرسیده است ، ولی در میان اخبار ملاحم سر نخ هایی وجود دارد :

۱ . سطیح کاهن در ضمن پیشگویی های بسیار طولانی که برای ذی یزن پادشاه یمن مطرح ساخته ، نشانه های ظهور حضرت مهدی از تبار حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله را برشمرده ، در ادامه می گوید :

ثُمَّ یَخْرُجُ مَلِکٌ مِنَ الیَمَنِ ، مِنْ صَنْعَاءَ وَ عَدَن ، اَبیضُ

ص: ۶۳

۱- ۱ . سید بن طاووس ، فلاح السائل ، ص ۱۷۱ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۸۶ ، ص ۶۲ .

كَالشَّطَنِ ، اِسْمُهُ حُسينٌ اَوْ حَسَنٌ ، فيذْهَبُ بِخُرُوجِهِ غَمْرُ الْفِتَنِ ؛ فَهُنَاكَ يَظْهَرُ مُبَارَكا زَكِيا هَاديا مَهْديا وَ سيدا عَلَويا ، فيفْرَحُ النَّاسُ اِذَا اَتَاهُمْ بِمَنِّ اللّه الَّذِى هَدَاهُمْ ، فيكْشِفُ بِنُورِهِ الظَّلْمَاءَ وَ يَظْهَرُ بِهِ اَلْحَقُّ بَعْدَ الْخِفَاءِ ، وَ تُفَرِّقُ الاْءَمْوَالَ بينَ النَّاسِ بِالسَّوَاءِ ، وَ يَغْمُدُ السيفَ فَلَا يَسْفِكُ الدِّمَاءَ ، وَ يَعِيشُ النَّاسُ فى الْبُشْرِ وَ الْهَنَاءِ ، وَيَغْسِلُ بِمَاءِ عَدْلِهِ عَيْنَ الدَّهْرِ مِنَ الْقَذَى ، وَ يَرُدُّ الْحَقَّ عَلى اَهْلِ الْقُرى ، وَ يَكْثُرُ فى النَّاسِ الضيافَهُ وَ الْقِرى ، وَ يَرْفَعُ بِعَدْلِهِ الْغَوَايَهَ وَ الْعَمى ، كَاَنَّهُ كَانَ غُبَارا فَانْجَلى ، فَيَمْلَاءُ الاْرْضَ قِسْطا وَعَدْلا وَالاْيَّامَ حُبّا ، وَهُوَ عَلَمُ السَّاعَهِ بِلَا امْتِرَاء ؛(۱)

سپس پادشاهی از یمن ، از صنعا و عدن پدیدار شود که چون پنبه سفید باشد ، نامش حسن و یا حسین می باشد . با خروج او امواج فتنه ها درهم می شکند . آنگاه حضرت مهدی ، آن فرخنده مبارك ، آن هادی هدایت گر ، آن سید علوی ظاهر می شود ، همگان از این عنایت الهی خشنود شوند ، با نور او تاریکی رخت بر می بندد ، حق پس از اختفا آشکار گردد ، او ثروت را به طور مساوی تقسیم کند ، شمشیر را غلاف کند ، دیگر خونی ریخته نشود ، مردمان در شادی و زندگی گوارا فرو روند ، با عدالت او خس و خاشاك از چشم روزگار زدوده شود ، حق به اهالی روستاها بازگردد ، مهمانداری

۱- ۱ . حافظ برسی ، مشارق انوار الیقین ، ص ۲۴۷ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۱ ، ص ۱۶۳ ؛ کاظمی ، بشاره الاسلام ، ص ۲۵۴ .

و مهمان نوازی فراوان شود ، با عـدالت او کوری و گمراهی از بین برود ، هماننـد گرد و خاکی که با صاف شـدن هوا ناپـدید می گردد ، روی زمیـن را پر از عــدل و داد نمایــد ، و مهر و محبـت را بـه جهانیــان ارزانی دارد . او بی گمـان از نشـانه هـای رستاخیز است .

بخش آغـازین ایـن پیشـگویی را مرحـوم راونـدی از ابن عبـاس روایت کرده(۱) و قسـمت اعظم آن را ابن المنـادی بـا سلسـله اسنادش از ابن عباس نقل کرده است .(۲)

حافظ ابونعیم اصـفهانی نیز برخی از پیشـگویی هـای او را پیرامون تولّد پیـامبر رحمت ، با سلسـله اسـنادش آورده و آنها را از دلایل نبوت پیامبر رحمت برشمرده ، ابن هشام نیز برخی از پیشگویی های او را در همین رابطه آورده است .(۳)

پیشـگویی هـای سـطیح علیرغم این همه توجّه محـدثان و سـیره نویسـان حجّت شـرعی نیست ، ولی تنهـا منبعی است که از نام یمانی و سیمای نورانی او سخن گفته است .

۲ . در شماری از احادیث ملاحم و فتن از یمانی به عنوان : اَمیرُ العُصَبِ تعبیر شده :

۱- ۱ . قطب راوندی ، الخرائج و الجرائح ، ج ۱ ، ص ۱۲۷ ، ح ۲۱۲ .
۲- ۲ . ابن المنادی ، الملاحم ، ص ۴۹ _ ۵۳ ، ح ۱۰ .
۳- ۳ . ابونعیم ، دلائـل النّبوه ، ج ۱ ، ص ۱۲۲ ، ۱۲۵ و ۱۴۰ ، ح ۶۹ ، ۷۰ و ۸۲ . ابن هشام ، السّـیره النبویّه ، ج ۱ ، ص ۱۲۴ _ ۱۲۸ ، ۱۵۸ ، ۱۹۰ _ ۱۹۴ .

نعیم بن حماد از ارطاه نقل کرده که گفت :

اَمیرُ الْعُصَبِ یَمَانِ ؛

فرمانده سپاهان یمانی است .

آنگاه از ولید نقل کرده که گفت : در دانش کعب چنین است که :

یَمَانی قُرَشی ، وَ هُوَ اَمیر الْعُصَبِ ؛(۱)

او یمانی و قرشی است و او فرمانده سپاهیان است .

در حدیث دیگری تصریح شده که منظور از « عُصَب » یمنی ها می باشد .(۲)

۳ . و در برخی احادیث از او منصور تعبیر شده ، از جمله :

عبداللّه بن عمرو ، خطاب به اهالی یمن گفت :

یَا مَعْشَرَ الیَمَنِ تَقُولُونَ اِنَّ الْمَنْصُورِ مِنْكُمْ ، وَ الّذِی نَفْسی بیدِهِ اِنَّهُ لَقُرَشی اَبُوهُ ، وَلَوْ أَشَاءُ اَنْ اُسَمِّیهُ اِلی اَقْصی جَدٍّ هُوَ لَهُ لَفَعَلْتُ ؛(۳)

ای جماعت یمن شما می گویید که « منصور » از شماست ، سوگند به خدایی که جانم در اختیار اوست ، او از سوی پدر از قریش است ، اگر بخواهم نسب او را تا آخرین نیایش بر می شمارم .

۱- ۱ . نعیم بن حماد ، الفتن ، چ قاهره ، ج ۱ ، ص ۴۰۱ ، ح ۱۲۰۸ .
۲- ۲ . همان ، ص ۱۲۰ ، ح ۲۸۳ ؛ سید بن طاووس ، التشریف بالمنن ، ص ۷۷ ، ب ۲۰ ، ح ۲۲ .
۳- ۳ . ابن حماد ، الفتن ، ص ۳۰۰ ، ح ۱۱۵۳ .

۷ . سپاه یمانی

در احادیث فراوان از سپاه یمانی ستایش شده ، از جمله :

یُطیعُهُ اَهْلُ الیمَنِ وَ تُقْبِلُ الْجُیُوشُ أَمَامَهُ مِنَ الیمَنِ فُرْسَانُ هَمْدَانَ وَ خَوْلَانَ ؛(۱)

اهالی یمن از او اطاعت می کنند ، سپاهیان از یمن پیشاپیش او حرکت می کنند ، تک سواران همدان و خولان .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری فرمود :

وَ اَهْلُ الیمَنِ حَتَّی یَأْتُونَهُ فَیُبَایِعُونَهُ بَینَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ ؛(۲)

اهالی یمن به سوی آن حضرت می شتابند و در میان رکن و مقام با وی بیعت می کنند .

۸ . تقارن یمانی با جنبش حسنی

در احادیث فراوان از تقارن خروج یمانی با حرکت سید حسنی گفتگو شده ، از جمله :

کلینی از یعقوب سراج روایت کرده که به محضر امام صادق علیه السلام عرضه داشت : فرج شیعیان شما کی می باشد ؟ فرمود :

اِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهی سُلْطَانُهُمْ وَ طَمَعَ فیهِمْ مَنْ

۱- ۱ . سید بن طاووس ، التشریف بالمنن ، ص ۲۹۵ ، ب ۷۹ ، ح ۴۱۷ .

۲- ۲ . همان ، ص ۲۸۱ ، ب ۷۰ ، ح ۴۰۷ .

لَمْ يَكُنْ يَطْمَعُ فيهِمْ وَ خَلَعَتِ الْعَرَبُ اَعِنَّتَهَا ، رَفَعَ كُلَّ ذِی صیصیه صیصیَتَهُ وَ ظَهَرَ الشَّامی وَ اَقْبَلَ الیمَانِی وَ تَحَرَّکَ الْحَسَنِی وَ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الاْمْرِ مِنَ الْمَدینَهِ اِلی مَکَّهَ بِتُرَاثِ رَسُولِ اللّه ِصلی الله علیه و آله ؛(1)

هنگامی که اولاد عباس دچار اختلاف شوند و قدرتشان ضعیف شود و طمع کند در آنها افرادی که طمع نمی کردند ، هر صاحب قدرتی اسحله اش را بردارد ، شامی (سفیانی) پدیدار گشته ، یمانی روی آورده ، حسنی به حرکت درآمده ، صاحب این امر با مواریث رسول اکرم صلی الله علیه و آله از مدینه به سوی مکه عزیمت کند .

در این حدیث شریف از تقارن خروج یمانی با جنبش سید حسنی و ظهور حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه گفتگو شده ، و همانند ده ها حدیث دیگر از تقارن آنها با زوال دولت عباسی سخن رفته است .

این حدیث از نظر سندی محکم و استوار است ، مرحوم کلینی آن را با چهار واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده ، که هر چهار نفر مورد وثوق هستند :

۱ . محمد بن یحیی العطار

مرحوم نجاشی او را با عناوینی چون : شیخ زمان خود ، ثقه ، عین و کثیرالحدیث ستوده است .(2)

۱- ۱ . کلینی ، الکافی ، ج ۸، ص ۱۸۹ ، ح ۲۸۵ .

۲- ۲ . نجاشی ، الرجال ، ص ۳۵۳ ، رقم ۹۴۶ .

۲ . احمد بن محمد بن عیسی

شیخ طوسی بر وثاقت او تصریح کرده است .(۱)

۳ . حسن بن محبوب

او را نیز شیخ طوسی توثیق نموده است .(۲)

۴ . یعقوب سراج

نجاشی بر وثاقت او تصریح کرده است .(۳)

علامه مجلسی پس از نقل حدیث یاد شده بر صحت آن تأکید کرده است .(۴)

از این حدیث که سندش بسیار محکم و استوار است ، استفاده می شود که دولت عباسی تا آستانه قیام یمانی پابرجا می باشد ، در حالی که دولت بنی عباس با خروج هولاکوخان به سال ۶۵۶ ه . منقرض گردید .

با توجه به تأکید فراوان در احادیث معصومین علیهم السلام بر امتداد دولت عباسیان تا هنگامه ظهور ، بسیاری از تحلیل گران معتقداند که پیش از هنگامه ظهور دولتی پدید می آید که بنیانگذاران آن از تبار عباسیان و یا بر شیوه آنان می باشد .

حسن بن جهم می گوید : به محضر امام رضا علیه السلام عرض کردم : اینها می گویند : سفیانی هنگامی خروج می کند که دولت بنی عباس منقرض

۱- ۱ . شیخ طوسی ، الرجال ، ص ۳۶۶ .
۲- ۲ . همو ، الفهرست ، ص ۹۶ ، رقم ۱۶۲ .
۳- ۳ . نجاشی ، الرجال ، ص ۴۵۱ ، رقم ۱۲۱۷ .
۴- ۴ . علامه مجلسی ، مرآت العقول ، ج ۲۶ ، ص ۱۵۵ ، ح ۲۸۵ .

شده باشد . فرمود :

كَذَبُوا ، اِنَّهُ يَقُومُ وَ اِنَّ سُلْطَانُهُمْ لَقَائِمٌ ؛(۱)

دروغ گفته اند ، سفیانی در حالی خروج می کند که دولت آنها پابرجا می باشد .

حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام در این رابطه فرمود :

مُلْكُ بَنِي الْعَبَّاسِ مَكْرٌ وَ خَدْعٌ ، يَذْهَبُ حَتَّى يُقَالَ : لَمْ يَبْقَ مِنْهُ شى ءٌ ، ثُمَّ يَتَجَدَّدُ حَتَّى يُقَالَ : مَامَرَّ بِهِ شى ءٌ ؛(۲)

دولت بنی عباس سر تا سر مکر و حیله است ، از بین می رود به طوری که گفته می شود هیچ اثری از آن نمانده است ، سپس از نو تجدید می شود ، به طوری که گفته می شود : هیچ حادثه ای بر آن پیش نیامده بود .

بر این اساس روایات فراوان دلالت روشن دارند بر اینکه دولت بنی عباس تا آستانه ظهور ادامه دارد و هلاکت آنها به وسیله سفیانی و یمانی خواهد بود . و در حدیثی آمده که هلاکت آنها به وسیله خراسانی و یمانی می باشد .(۳)

۹ . کارکرد یمانی

در احادیث فراوان از پیکار سخت و نبرد طاقت فرسای یمانی با سپاه

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۳۰۳ ، ب ۱۸ ، ح ۱۱ .
۲- ۲ . همان ، ص ۳۰۲ ، ح ۹ .
۳- ۳ . همان ، ص ۲۵۹ ، ح ۱۸ .

سفیانی گفتگو شده که به جهت محدود بودن صفحات کتاب از آنها چشم پوشی می کنیم و اشاره می کنیم که علاوه بر لشکرکشی ها و درگیری های یمانی با سپاه سفیانی در نقاط مختلف عراق ، در بیت المقدس نیز با سپاه قریش درگیر می شود و آنها را تار و مار می کند ،(۱) درعکا نیز حادثه شگفتی پدید می آورد ،(۲) همانند دو اسب مسابقه سپاه سفیانی را دنبال می کند(۳) و همه آنها را تار و مار می کند ، حتی گزارشگری از آنها باقی نمی گذارد.(۴)

۱۰ . لزوم همیاری با سپاه یمانی

در احادیث فراوان از یمانی ستایش شده و تصریح شده که در میان پرچم هایی که در آن روز در اهتزاز خواهد بود ، پرچمی هدایت یافته تر از پرچم یمانی وجود ندارد و در برخی از آنها بر ضرورت یاری کردن او تأکید شده و اینک متن حدیث :

امام باقر علیه السلام در ضمن یک حدیث بسیار طولانی می فرماید :

فَاِذَا خَرَجَ الیمَانِی حَرُمَ بیعُ السِّلاَحِ عَلی النَّاسِ وَ کُلِّ مُسْلِم ، وَ اِذَا خَرَجَ الیمَانِی فَانْهَضْ اِلیهِ ، فَاِنَّ رَایَتَهُ رَایَهُ هُدیً ، وَلاَ یَحِلُّ لِمُسْلِم اَنْ یَلْتَوِیَ عَلیهِ ، فَمَنْ فَعَلَ

ص: ۷۱

۱- ۱ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۳۰۰ ، ح ۱۱۵۱ .

۲- ۲ . همان ، ح ۱۱۵۰ .

۳- ۳ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۳۰۵ ، ب ۱۸ ، ح ۱۵ .

۴- ۴ . طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۸ ، ص ۶۲۲ ، ذیل آیه ۵۱ از سوره سبأ .

ذَلِکَ فَهُوَ مِنْ اَهْلِ النَّارِ ، لِاَنَّهُ یَدْعُو اِلی الْحَقِّ وَ اِلی طَریقٍ مُسْتَقِیم ؛(۱)

هنگامی که یمانی خروج کند فروختن اسلحه بر مردمان ، حتی دیگر مسلمانان جایز نیست ، چون یمانی خروج کند به سویش بشتاب ، زیرا پرچم او پرچم هدایت است ، بر هیچ مسلمانی جایز نیست که بر او بتازد ، زیرا او به سوی حق و به راه راست فرا می خواند .

یمانی در احادیث ملاحم و فتن جایگاه بسیار رفیعی دارد ، ما به همین مقدار بسنده می کنیم و دامن از شرح و بسط بیشتر فرا می چینیم ، فقط اشاره می کنیم که بر اساس روایتی که فضل بن شاذان با سند صحیح از امام رضا علیه السلام روایت کرده ، سفیانی و پسر سفیانی به دست یمانی کشته می شوند(۲) و این منافات ندارد با احادیثی که ذبح آنها را توسط حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه بیان کرده اند ، زیرا حضرت فرمان صادر می کند و یمانی اجرا می کند و در نتیجه به هر دو نسبت داده می شود .

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۶ ، ب ۱۴ ، ح ۱۳ .

۲- ۲ . فضل بن شاذان ، اثبات الرجعه ، مخطوط ، « مختصر اثبات الرجعه » ، تراثنا ، ش ۱۵ ، ص ۲۱۵ ، ح ۱۶ ؛ میرلوحی ، کفایه المهتدی ، ص ۲۶۲ ؛ خاتون آبادی ، کشف الحق ، ص ۱۶۹ .

بانگ آسمانی

اشاره

سومین نشانه از نشانه های حتمی که مقارن ظهور حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه رخ می دهد ، بانگ آسمانی است .

در احادیث معتبر و قابل استنادی که در قسمت آغازین این بخش نقل کردیم و سند آنها را بررسی کرده ، صحّت آنها را اثبات نمودیم ، بانگ آسمانی نیز در شمار نشانه های حتمی آمده بود که دیگر تکرار نمی کنیم .

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام به صراحت می فرماید :

اَلنِّداءُ مِنَ الْمَحْتُومِ ؛(۱)

بانگ آسمانی از نشانه های حتمی است .

و در حدیث دیگری فرمود :

اَخْتِلَافُ بَنی العَبَّاسِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَ النِّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُومِ ؛(۲)

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۲ ، ب ۱۴ ، ح ۱۱ .
۲- ۲ . کلینی ، الکافی ، ج ۸ ، ص ۲۵۸ ، ح ۴۸۴ .

اختلاف بنی عباس از نشانه های حتمی است و ندای آسمانی از نشانه های حتمی است .

در توقیع شریفی که از ناحیه مقدسه به افتخار آخرین سفیر از سفرای چهارگانه صادر شده ، از پایان یافتن سفارت و فرارسیدن غیبت کبری سخن رفته است ، آمده است :

اَلَا فَمَنِ ادَّعَی الْمُشَاهَدَهَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفیانِی وَ الصَّیحَهِ فَهُوَ کَاذِبٌ مَفْتَر ؛(۱)

آگاه باش که هر کس پیش از خروج سفیانی و ندای آسمانی ادعای مشاهده کند او دروغگوی افتراپرداز است .

این توقیع شریف نیز به حتمی بودن ندای آسمانی اشعار می دارد .

این احادیث سه گانه نیازی به بررسی سندی ندارند ، زیرا مضمون آنها با احادیث صحیح قبلی تأیید می شود .

ویژگی های بانگ آسمانی

اشاره

بانگ آسمانی که در لسان احادیث از آن به « ندا » ، « صوت » و « صیحه » تعبیر شده، ویژگی های فراوانی دارد که به برخی از آنها در اینجا اشاره می کنیم:

۱ . قرآن و بانگ آسمانی

۱- ۱ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۵۱۶ ، ب ۴۵ ، ح ۴۴ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۳۹۵ ، ح ۳۶۵ ؛ اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۶۰ .

مفسّران برخی از آیات قرآن کریم را به بانگ آسمانی به هنگام ظهور آن مصلح الهی تفسیر کرده اند که از آن جمله است :

۱ . « وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِي الْمُنَادِي مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ، يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصيحَةَ بِالْحَقِّ ، ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ » ؛(۱)

گوش فرا ده ، هنگامی که منادی از جایگاه نزدیکی نـدا سـر می دهـد . روزی که صـیحه را به حق می شـنوند ، آن روز ، روز خروج است .

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه شریفه فرموده :

يُنْادِي الْمُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ اَبِيه ؛

منادی با نام قائم و نام پدرش علیهماالسلام ندا سر می دهد .

سپس فرموده : و منظور از صیحه :

صيحَةُ الْقَائِمِ مِنَ السَّمَاءِ ؛(۲)

بانگ آسمانی مربوط به قائم علیه السلام می باشد .

قندوزی در تفسیر این آیه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود :

يُنْادِي الْمُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ اَبِيهِ علیهماالسلام وَ الصَّيحَةُ فِي هَـذِهِ الآيَه صيحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ، وَ ذَلِكَ يَوْمُ خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام ؛(۳)

ص: ۷۵

۱- ۱ . سوره ق (۵۰) ، آیه ۴۱ و ۴۲ .
۲- ۲ . علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، ج ۲ ، ص ۳۲۷ ؛ فیض کاشانی ، الصافی ، ج ۶ ، ص ۵۴۳ ؛ بحرانی ، البرهان ، ج ۹ ، ص ۲۰۴ ؛ همو ، المحجه فیما نزل فی القائم الحجه ، ص ۲۰۹ .
۳- ۳ . قندوزی ، ینابیع الموده ، ج ۳ ، ص ۲۵۱ ، ب ۷۱ ، ح ۵۰ .

منادی به نام قائم و نام پدرش علیهماالسلام ندا سر می دهد ، و منظور از صیحه در این آیه صیحه آسمانی است ، که آن روز ، روز خروج قائم علیه السلام است .

آنگاه از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود : منظور از خروج در این آیه شریفه :

اَی خُرُوجُ وَلَدی الْقَائِمِ الْمَهْدی علیه السلام ؛(۱)

خروج فرزندم حضرت مهدی قائم علیه السلام می باشد .

مرحوم فیض در تفسیر جمله « مِنْ مَکَان قَرِیب » فرموده :

صدای منادی آسمانی به همگان به یک طرز مساوی می رسد .(۲)

۲ . « اِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلیهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آیَهً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِینَ » ؛(۳)

اگر بخواهیم از آسمان برای آنها نشانه ای نازل می کنیم که گردن هایشان در برابر آن منقاد گردد .

در احادیث فراوان از پیشوایان معصوم علیهم السلام این آیه شریفه به بانگ آسمانی تفسیر شده که به شماری از آنها فقط اشاره می کنیم :

۱- ۱ . همان ، ص ۲۹۷ ، ب ۷۸ ، ح ۸ .
۲- ۲ . فیض کاشانی ، الصّافی ، ج ۶ ، ص ۵۴۳ .
۳- ۳ . سوره شعراء (۲۶) ، آیه ۴ .

۱ . مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمود :

هی آیَهٌ تُخْرِجُ الْفَتَاهَ مِنْ خِدْرِهَا ، وَ تُوقِظُ النَّائِمَ ، وَ تُفْزِعُ الیقْظَانَ ؛(۱)

آن نشانه ایست که دوشیزگان را از سراپرده ها بیرون می کند ، خفتگان را بیدار می کند و بیداران را به وحشت می اندازد .

۲ . امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمود :

اَلنِّدَاءُ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ رَجُل وَ أَبیهِ ؛(۲)

منظور ندایی از آسمان به نام مردی و نام پدرش می باشد .

۳ . و در حدیث دیگری فرمود :

نَزَلَتْ فی قَائِمِ آلِ مُحَمَّد صلوات اللّه علیهم ، یُنَادی بِاسْمِهِ مِنَ السَّمَاءِ ؛(۳)

درباره قائم آل محمد ، صلوات اللّه علیهم ، نازل شده که به نام او از آسمان ندا می شود .

۴ . و در ضمن یک حدیث طولانی فرمود :

وَاللّه ِاِنَّ ذَلِکَ فی کِتَابِ اللّه ِعَزَّوَجَلَّ لَبَیِّنٌ، حیثُ یَقُولُ : « اِنْ نَشَأْ ... » فَلاَ یَبْقَی فی الاْرْضِ یَوْمَئِذٍ اَحَدٌ اِلاّ خَضَعَ وَ ذَلَّتْ

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۱ ، ب ۱۴ ، ح ۸ .

۲- ۲ . حلّی ، مختصر بصائر الدرجات ، ص ۴۵۹ ، ح ۵۳۶ ؛ استرآبادی ، الرجعه ، ص ۱۶۱ ، ح ۸۹ ؛ بحرانی ، البرهان ، ج ۷ ، ص ۲۱۵ ، ح ۱۱ ؛ همو ، المحجه ، ص ۱۶۰ .

۳- ۳ . سید شرف الدین ، تأویل الآیات الباهره ، ج ۱ ، ص ۳۸۶ ؛ شیخ حرّ ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۶۳ ، ب ۳۲ ، ح ۶۴۲ ؛ بحرانی ، البرهان ، ج ۷ ، ص ۲۱۳ ، ح ۸ ؛ حلیه الأبرار ، ج ۵ ، ص ۲۹۳ ، ب ۳۰ ، ح ۸ .

رَقَبَتُهُ لَهَا ؛(۱)

به خدا سوگند این در کتاب خدای عزّوجّل آشکار است ، آنجا که می فرماید : « اگر بخواهیم ... » در آن روز احدی در روی زمین نمی ماند جز اینکه سر فرود آورد و گردنش در برابر آن بانگ آسمانی منقاد شود .

۵ . رئیس مذهب حقّه ، امام جعفر صادق علیه السلام در این رابطه فرمود :

اَمَا اِنَّ النِّدَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ فی كِتَابِ اللّه ِ لَبَیِّنٌ ؛

به خدا سوگند بانگ آسمانی به نام قائم علیه السلام در کتاب خدا آشکار است .

راوی پرسید : در کجای آن ؟ فرمود : در : « طسٓمٓ تِلْكَ آیَاتُ الْكِتَابِ الْمُبینِ » آیه شریفه : « اِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ ... » سپس فرمود :

اِذَا سَمِعُوا الصَّوتَ اَصْبَحُوا وَ كَأَنَّمَا عَلی رُؤُسِهِمُ الطَّیرُ ؛(۲)

هنگامی که آن بانگ را می شنوند به حالی در می آیند که گویی بر سرشان پرنده است .

۶ . و در حدیث دیگری فرمود :

إنَّ الْقَائِمَ لاَیَقُومُ حَتَّی یُنَادی مُنَاد مِنَ السَّمَاءِ تَسْمَعُ الْفَتَاهُ فی خِدْرِهَا وَ یَسْمَعُ اَهْلُ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِب ؛

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۶۰ ، ب ۱۴ ، ح ۱۹ ؛ بحرانی ، البرهان ، ج ۷ ، ص ۲۱۲ ، ح ۴ ؛ همو ، حلیه الابرار ، ج ۵ ، ص ۲۹۱ ، ب ۳۰ ، ح ۴ .

۲- ۲ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۶۳ ، ب ۱۴ ، ح ۲۳ ؛ بحرانی ، المحجه ، ص ۱۵۷ ؛ همو ، حلیه الابرار ، ج ۵ ، ص۲۹۵ ، ب ۳۰ ، ح ۱۱ .

قائم علیه السلام قیام نمی کند جز هنگامی که منادی از آسمان بانگ برآورد ، که آن را در سراپرده ها به گوش دوشیزگان و در شرق و غرب به گوش جهانیان برساند .

سپس فرمود : و در همین رابطه نازل شده آیه شریفه : « اِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ ... » .(۱)

۷ . عمر بن حنظله نشانه های حتمی را از امام صادق علیه السلام استماع کرده ، عرضه می دارد : اگر پیش از تحقّق این نشانه ها یکی از اهل بیت شما خروج کند ، آیا ما نیز با او همراهی کنیم ؟ امام علیه السلام می فرماید : « نه » .

روز بعد به محضر امام رسیده آیه شریفه را تلاوت می کند و عرضه می دارد : آیا این همان بانگ آسمانی است ؟ امام علیه السلام می فرماید :

اَمَا لَوْ كَانَتْ خَضَعَتْ اَعْنَاقُ أَعْدَاءِ اللّه ِ عَزَّوَجَلَّ ؛(۲)

هنگامی که این نشانه رخ دهد ، گردنِ دشمنان خدای تبارک و تعالی در برابر آن خاضع می شود .

قبلًا این حدیث را بررسی کردیم و صحت سند آن را اثبات نمودیم .

۸ . و در حدیث دیگری در همین رابطه فرمود :

تَخْضَعُ رِقابُهُمْ يَعْنِى بنى اُميَهَ وَ هِىَ الصَّيحَهُ مِنَ السَّمَاءِ

۱- ۱ . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۱۷۷ ، ح ۱۳۴ ؛ شیخ حر ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۰۲ ، ح ۲۹۰ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۸۵ ، ح ۱۵ .

۲- ۲ . کلینی ، الکافی ، ح ۸ ، ص ۲۵۸ ، ح ۴۸۳ ؛ بحرانی ، حلیه الأبرار ، ج ۵ ، ص ۲۸۹ ، ب ۳۰ ، ح ۱ .

بِاسْمِ صَاحِبِ هَذَا الْاَمْرِ ؛(۱)

گردنهایشان یعنی : گردن های بنی امیه در برابر آن ، یعنی صیحه آسمانی که به نام صاحب این امر ندا می شود ، خاضع می شوند .

۹ . عماره همدانی به امام صادق علیه السلام عرض کرد : برخی ما را نکوهش می کنند و می گویند شما تصور می کنید که بانگی از آسمان شنیده خواهد شد ، امام علیه السلام فرمود :

لَاتَرْوِ عَنِّی ، وَارْوِهِ عَنْ اَبی ، کَانَ اَبی یَقُولُ : هُوَ فی کِتَابِ اللّه ِ : « اِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ ... » ؛(۲)

شما از من روایت نکنید ، از پدرم روایت کنید ، پدرم می فرمود که آن (بانگ آسمانی) در قرآن کریم است : « اگر بخواهیم ... » .

۱۰ . حضرت علی بن موسی الرضا علیهماالسلام در ضمن یک حدیث طولانی فرمود :

وَ هُوَ الَّذِی یُنَادی مُنَاد مِنَ السَّمَاءِ ، یَسْمَعُهُ جَمیعُ اَهْلِ الْاَرْضَ بِالدُّعَاءِ اِلیه ؛

او همان امامی است که منادی آسمانی از آسمان بانگ بر آورده به سوی او فرا می خواند ، این ندا را همه اهالی زمین می شنوند .

۱- ۱ . علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، ج ۲ ، ص ۱۱۸ ؛ شیخ حر ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۵۲ ، ب ۳۲ ، ح۵۷۵ ؛ فیض کاشانی ، الصافی ، ج ۵ ، ص ۳۱۶ .

۲- ۲ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۶۱ ، ب ۱۴ ، ح ۲۰ ؛ بحرانی ، البرهان ، ج ۷ ، ص ۲۱۲ ، ح ۵ ؛ همو ، حلیه الابرار ، ج ۵ ، ص ۲۹۱ ، ب ۳۰ ، ح ۴ .

و در پایان فرمود :

این همان سخن خدای عزّوجل است که فرمود : « اِنْ نَشَأْ ... » .(1)

حموینی متن کامل این حدیث شریف را با سلسله اسنادش از امام رضا علیه السلام روایت کرده است .(2)

۲ . محتوای بانگ آسمانی

در احادیث فراوان مضمون و محتوای بانگ آسمانی بیان شده که ما در اینجا فهرست وار آنها را بر می شماریم :

۱ . امام رضا علیه السلام فرمود : بدنی با قرص خورشید پدیدار شده بانگ می زند:

اَلَا اِنَّ اللّه َقَدْ بَعَثَ فُلَانا عَلی هَلَاكِ الظَّالِمینَ ؛ فَعِنْدَ ذَلِکَ یَأْتِی الْمُؤْمِنِینَ الْفَرَجُ وَ یَشْفِی اللّه ُصُدُورَهُمْ وَ یَذْهَبُ غیظَ قُلُوبِهِمْ (3)؛

آگاه باشید که خداوند فلانی را برای هلاک کردن ستمگران برانگیخت . در آن هنگام فرج مؤمنان فرا می رسد ، خداوند سینه های آنان را شفا می دهد و خشم دل هایشان را می زداید .

۱- ۱ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۷۲ ، ب ۳۵ ، ح ۵ ؛ خزّاز ، کفایه الاثر ، ص ۲۷۱ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۴۱ ؛ فیض کاشانی ، الصافی ، ج ۵ ، ص ۳۱۶ .

۲- ۲ . حموینی ، فرائد السّمطین ، ج ۲ ، ص ۳۳۷ ، ح ۵۹۰ ؛ قندوزی ، ینابیع المودّه ، ج ۳ ، ص ۲۹۷ ، ب ۷۸ ، ح ۸ .

۳- ۳ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۱۸۱ ، ب ۱۰ ، ح ۲۸ ؛ حلّی ، مختصر بصائر الدرجات ، ص ۴۷۸ .

۲ . امام صادق علیه السلام فرمود : منادی آسمانی به نام صاحب این امر بانگ زده می گوید :

اَلَا اِنَّ الْاَمْرَ لِفُلانِ بْنِ فُلَان ، فَفیمَ الْقِتَالُ ؛(۱)

آگاه باشید که فرمان از آنِ فلان پسر فلان است ، دیگر پیکار برای چیست ؟ !

۳ . ابن حمّاد با اسناد خود از سعید بن مسیب روایت کرده که فتنه ها پایان نپذیرد جز با ندای منادی آسمانی که بانگ برآورد :

اَلَا اِنَّ الْاَمیرَ فُلَان ؛

آگاه باشید که امیر فلانی است .

وی دست هایش را درهم پیچید و سه بار گفت :

ذَلِکُمُ الْاَمیرُ حَقّا ؛(۲)

او به حقْ امیر است .

۴ . سعید بن مسیب در نقلی دیگر گفت : اختلاف و پراکندگی پیش می آید ، تا هنگامی که دستی از آسمان پدیدار گردد و منادی آسمان بانگ برآورد که :

اَلَا اِنَّ اَمیرَکُمْ فُلَانٌ ؛(۳)

آگاه باشید که امیر شما فلانی است .

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۶۶ ، ب ۱۴ ، ح ۳۳ .

۲- ۲ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۶۴ ، ح ۹۸۱ ؛ متقی هندی ، البرهان ، ص ۷۴ ، ب ۱ ، ح ۵ ؛ ابن المنادی ، الملاحم ، ص ۱۹۶ ، ح ۱۴۴ .

۳- ۳ . نعیم ، الفتن ، ص ۲۶۶ ، ح ۹۹۰ .

از ارطاه نیز همین تعبیر نقل شده است .(۱)

۵ . نعیم بن حمّاد از زُهْری روایت کرده که گفت : هنگامی که حضرت مهدی آماده رو در رویی با سفیانی شود ، بانگی از آسمان شنیده شود که می گوید :

اَلَا اِنَّ اَوْلیاءَ اللّه ِ اَصْحَابُ فُلَان (المهدی) ؛(۲)

آگاه باشید که اولیای خدا یاران فلان ، یعنی مهدی علیه السلام می باشند .

۶ . امام رضا علیه السلام در شمار نشانه های حضرت مهدی علیه السلام از بانگ آسمانی و فراگیر بودن آن سخن گفته ، در پایان می فرماید : منادی آسمانی به سوی او فرا می خواند و می گوید :

اَلَا اِنَّ حُجَّةَ اللّه ِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَیتِ اللّه ِ فَاتَّبِعُوهُ ، فَاِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فیهِ ؛(۳)

آگاه باشید که حجّت خدا در کنار خانه خدا ظهور کرده ، از او پیروی کنید که حق با او و در اوست .

حموینی عین همین تعبیر را با سلسله اسناد خود از امام رضا علیه السلام روایت کرده است .(۴)

ص: ۸۳

۱- ۱ . همان ، ص ۲۶۷ ، ح ۹۹۳ .
۲- ۲ . همان ، ص ۲۶۶ ، ح ۹۹۲ ؛ متقی هندی ، البرهان ، ص ۷۵ ، ح ۱۲ .
۳- ۳ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۷۲ ، ب ۳۵ ، ح ۵ ؛ خزاز ، کفایه الأثر ، ص ۲۷۱ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۴۱ .
۴- ۴ . حموینی ، فرائد السّمطین ، ج ۲ ، ص ۳۳۷ ، ح ۵۹۰ ؛ قندوزی ، ینابیع المودّه ، ج۳ ، ص ۲۹۷ ، ب ۷۸ ، ح ۸ .

۷ . ابن حمّاد از امام باقر علیه السلام روایت کرده که منادی از آسمان بانگ برآورده می گوید :

اَلا اِنَّ الْحَقَّ فی آلِ مُحَمَّد ؛(۱)

آگاه باشید که حق در آل محمّد علیهم السلام است .

۸ . امام صادق علیه السلام فرمود : هنگامی که مردم اوّلین بانگ آسمانی را بشنوند که می گوید :

اَلا اِنَّ الْحَقَّ فی عَلیِّ بْنِ اَبی طَالِب وَ شیعَتِهِ ؛

آگاه باشید که حق در علی بن ابیطالب و شیعیان آنحضرت است .

همگی ایمان می آورند .(۲)

۹ . ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام پرسید : بانگ آسمانی چگونه خواهد بود ؟ فرمود : منادی آسمانی در اوّلِ روز بانگ بر می آورد :

اَلا اِنَّ الْحَقَّ فی عَلیٍّ وَ شیعَتِهِ ؛(۳)

آگاه باشید که حق در علی و شیعیان اوست .

۱۰ . نعیم بن حمّاد با سلسله اسنادش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود : در محرّمِ سال ظهور منادی از آسمان ندا می کند که :

اَلا اِنَّ صَفْوَهَ اللّه ِ مِنْ خَلْقِهِ فُلَانٌ ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ اَطیعُوا ؛(۴)

۱- ۱ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۶۴ ، ح ۹۸۲ .
۲- ۲ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۶۰ ، ب ۱۴ ، ح ۱۹ .
۳- ۳ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۲ ، ب ۵۷ ، ح ۱۴ .
۴- ۴ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۶۶ ، ح ۹۸۸ ؛ متقی هندی ، البرهان ، ص ۷۵ .

برگزیده خدا از میان مردمان فلانی است ، به فرمانش گوش فرا دهید و از او اطاعت کنید .

۱۱ . در نقل حمیری از امام رضا علیه السلام آمده است که بدنی در قرص خورشید مشاهده می شود که می گوید :

اِنَّ اللّه َ بَعَثَ فُلَانا فَاسْمَعُوا لَهُ وَ اَطیعُوا ؛(۱)

خداوند فلانی را برانگیخته ، به او گوش فرا دهید و از او اطاعت کنید .

۱۲ . رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : فتنه ای رخ می دهد که اگر یک طرفش آرام شود ، طرف دیگرش شعله ور گردد ، تا هنگامی که منادی از آسمان بانگ برآورد که :

اِنَّ اَمیرَکُمْ فُلَانٌ ؛(۲)

امیر شما فلانی است .

۱۳ . سلمی از امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده که فرمود : هنگامی که منادی از آسمان ندا کند :

اِنَّ الْحَقَّ فِی آلِ مُحَمَّدٍ ؛

۱- ۱ . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۴۰ ، ح ۴۳۱ ؛ حلی ، مختصر بصائر الدرجات ، ص ۱۰۹ ، ح ۱۰۹ ؛ مسعودی ، اثبات الوصیه ، ص ۲۲۷ .

۲- ۲ . متقی هندی ، البرهان ، ص ۷۱ ، ب ۱ ، ح ۱ .

حق در آل محمّد علیهم السلام است .

در آن هنگام مهدی علیه السلام ظاهر شود .(۱)

۱۴ . ابن منادی از آن حضرت روایت کرده که فرمود : هنگامی که منادی از آسمان بانگ برآورد :

اِنَّ الْحَقَّ فی آلِ مُحَمَّد ؛

حق در آل محمّد علیهم السلام است .

نام مهدی علیه السلام بر سرِ زبان ها می افتد ، مهر او با دل ها عجین شود ، نام دیگری بر زبان مردم نباشد .(۲)

۱۵ . امام صادق علیه السلام فرمود : منادی از آسمان ندا می کند :

اِنَّ فُلَانا هُوَ الاٰمیر ؛

فلانی امیر است .

منادی دیگر بانگ برآورد :

اِنَّ عَلیّا وَ شیعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ ؛(۳)

به راستی علی و شیعیانش رستگارانند .

۱۶ . امام باقر علیه السلام فرمود : امر ما از آفتاب آشکارتر است . سپس فرمود : منادی از آسمان ندا سر می دهد :

۱- ۱ . ۱۹۷ . مقدسی سلمی ، عقد الدرر ، ص ۱۰۶ ، ب ۴ .

۲- ۲ . ابن المنادی ، الملاحم ، ص ۱۹۶ ، ح ۱۴۳ ؛ متقی هندی ، البرهان ، ص ۷۳ .

۳- ۳ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۶۴ ، ح ۲۸ .

فُلَانُ بْنُ فُلَان هُوَ الْإِمَامُ (بِاسْمِهِ) ؛

فلان پسر فلانی امام است .

از او نام می برد .(۱)

۱۷ . و در حدیث دیگر فرمود : منادی ندا می کند :

اِنَّ الْمَهْدِیَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فُلَانُ بْنُ فُلَان _ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ اَبِیهِ _ ؛

مهدی آل محمّد علیهم السلام ، فلان پسر فلانی است .

با نام خود و نام پدرش .(۲)

۱۸ . رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : هنگامی که مهدی علیه السلام خروج کند ، فرشته ای از بالای سرش بانگ بر می آورد :

اِنَّ هَذَا مَهْدِیٌّ فَاتَّبِعُوهُ ؛(۳)

به راستی این مهدی است ، پسْ از او پیروی کنید .

۱۹ . حذیفه گوید : از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود : چون هنگامه ظهور قائم علیه السلام فرا رسد ، منادی از آسمان بانگ برآورد :

اَیُّهَا النَّاسُ قُطِعَ عَنْكُمْ مُدَّهُ الْجَبَّارِینَ وَ وَلِیَ الْاَمْرَ خَیْرُ اَمَّهِ مُحَمَّدٍ ، فَالْحَقُوا بِمَكَّهَ ؛(۴)

هان ای مردمان روزگار جبّاران سپری شد و بهترین فرد امّت پیامبر صلی الله علیه و آله زمام امور را به دست گرفت ، پس خود را به

۱- ۱ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۰ ، ب ۵۷ ، ح ۴ .

۲- ۲ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۶۴ ، ح ۲۷ .

۳- ۳ . متقی هندی ، البرهان ، ص ۷۲ ، ب ۱ ، ح ۲ .

۴- ۴ . شیخ مفید ، الاختصاص ، ص ۲۰۸ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۰۴ ، ح ۷۳ .

مکه برسانید .

۲۰ . از امام صادق علیه السلام پرسیدند : بانگ آسمانی چه بانگی می زند ؟ فـرمـود :

یُنَادی بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ اَبیهِ ؛(۱)

منادی ندا سر می دهد به نام قائم علیه السلام و نام پدرش .

۲۱ . امام باقر علیه السلام فرمود : چون بانگ آسمانی را در ماه رمضان شنیدید هیچ تردیدی به خود راه ندهید که آن صدای جبرئیل است و نشانه اش این است که :

یُنَادی بِاسْمِ الْمَهْدی وَ اسْمِ اَبیهِ ؛(۲)

با نام مهدی و نام پدرش علیهماالسلام ندا سر می دهد .

امـام صـادق علیه السـلام فرمود : این امر در حـالی رخ می دهـد که مردم بیش از هر زمان دیگری در نومیـدی و در دریای غم غوطه ور باشند ، در آن هنگام است که :

یُنَادی مُنَاد مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ اَبیهِ ؛(۳)

منادی از اسمان با نام قائم و نام پدرش ندا سر می دهد .

۲۳ . سـیف بـن عمیر گویـد : در نزد منصـور دوانیقی بـودم ، ابتـداءا به من گفت : ای سـیف بن عمیر ! به نـاگزیر یـک منـادی خواهد بود که :

یُنَادی مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ رَجُل مِنْ وُلْدِ عَلی بْنِ اَبی طَالِب ؛

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۷ ، ب ۱۴ ، ح ۱۵ .

۲- ۲ . متقی هندی ، البرهان ، ص ۷۴ ، ب ۱ ، ح ۷ .

۳- ۳ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۱۸۱ ، ب ۱۰ ، ح ۲۹ .

از آسمان به نام مردی از فرزندان علی بن ابیطالب علیه السلام ندا سر می دهد .

در ادامه گفت : ای سیف به خدا این حق است ، چون این ندا سر داده شود ما پیش از همگان به آن پاسخ می دهیم ، زیرا این ندا در مورد یکی از عموزادگان ما می باشد .

سیف پرسید : آیا از تبار حضرت فاطمه است ؟ گفت : آری .

آنگاه منصور گفت : ای سیف ، اگر نبود که من آن را از ابوجعفر امام محمدباقر علیه السلام شنیده ام ، اگر همه اهل زمین می گفت ، من آن را نمی پذیرفتم ، ولی چه کنم که او امام محمدباقر است .(۱)

۲۴ . امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود :

یُنَادی بِاسْمِ الْقَائِمِ یَا فُلَانُ بْنُ فُلَان قُمْ ؛(۲)

با نام قائم ندا بر آید که ای فلان پسر فلان برخیز .

۲۵ . امیرمؤمنان علیه السلام فرمود : امر مردم سامان نگیرد و برگرد محوری گرد نیایند ، تا هنگامی که منادی از آسمان بانگ برآورد که :

عَلیکُمْ بِفُلَان ، وَ تَطْلُعُ کَفٌّ تُشیرُ ؛(۳)

به سوی فلانی بشتابید . آنگاه کف دستی در آسمان ظاهر شود و به سوی او اشاره کند .

۱- ۱ . مقدسی سلمی ، عقد الدرر ، ص ۱۱۰ ، ب ۴ ، ف ۳ .
۲- ۲ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۷۹ ، ب ۱۴ ، ح ۶۴ .
۳- ۳ . کامل سلیمان ، روزگار رهایی ، ج ۲ ، ص ۸۶۷ ، ح ۱۳۳۱ .

در منابع عامه این حدیث از سعید بن مسیب نقل شده است .(۱)

برخی از این فرازهای یاد شده از شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و برخی از دیگر معصومین علیهم السلام و برخی دیگر از اصحاب نقل شده ، اگر چه آنها تصریح نکرده اند که آن را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیده اند ، ولی مضمون آنها در احادیث دیگر از پیشوایان معصوم روایت شده است .

از جمع بندی روایات یاد شده به این نتیجه می رسیم که مقارن با ظهور موفور السّرور حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه ، منادی آسمانی حضرت مهدی علیه السلام را با نام خود و نام پدر بزرگوارش معرفی می کند و به جهانیان اعلام می کند که هان ای اهل عالم :

۱ . حجت خدا ظاهر شد .

۲ . حق با اوست .

۳ . حق با آل محمّد علیهم السلام است .

۴ . حق با حضرت علی علیه السلام و شیعیان اوست .

۵ . خداوند او را برای نابودی ستمگران برانگیخته است .

۶ . دیگر دوران ستمگران سپری گردید .

۷ . او امیر شماست و فرمان به دست اوست .

۸ . از او اطاعت کنید .

۹ . به سوی او در مکه معظمه بشتابید .

۱۰ . یاران او اولیای پروردگارند .

۱- ۱ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۶۵ ، ح ۹۸۵ ؛ متقی هندی ، البرهان ، ص ۷۵ .

۳ . زبانِ پیام آسمانی

در همایش های بین المللی سخنرانان به یکی از زبان های رایج سخنرانی می کنند ، مترجم های زبردست همزمان آن را به دیگر زبان های مورد نیاز ترجمه می کنند و شرکت کنندگان از گوشی های از پیش تنظیم شده ، با زبانی که با آن آشنایی دارند استماع می کنند .

بانگ آسمانی بدون نیاز به این ابزارها ، به قدرت آفریدگار ، برای هر فردی با زبان مادری خود القاء می شود و هر کسی آن را با زبان خود می شنود ، و اینک متن احادیث :

۱ . امام صادق علیه السلام فرمود :

یُنَادی مُنَاد بِاسْمِ الْقَائِمِ علیه السلام ؛

منادی به نام قائم علیه السلام ندا سر می دهد .

زراره پرسید : آیا این ندا همگانی است یا خصوصی است ؟ فرمود :

عَامٌ ، یَسْمَعُ کُلُّ قَوْم بِلِسَانِهِمْ ؛(۱)

همگانی است ، هر قومی آن را با زبان خودشان می شنوند .

۲ . هنگامی که امام صادق علیه السلام نشانه های حتمی را بر شمرد ، ابوحمزه ثمالی پرسید : بانگ آسمانی چگونه خواهد بود ؟ فرمود :

یُنَادی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ اَوَّلَ النَّهَارِ ، یَسْمَعُهُ کُلُّ قَوْمٍ

۱- ۱ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۰ ، ب ۵۷ ، ح ۸ .

بِأَلْسِنَتِهِمْ ، اَلاَ اِنَّ الْحَقَّ فی عَلیٍّ وَ شیعَتِهِ ؛(1)

منادی از آسمان ندا سر می دهد در اول روز ، که هر قومی آن را با زبان خودشان می شنوند ، که حق با علی و شیعیان اوست .

۳ . متقی هندی از مقدسی سلمی نقل کرده که او گفته است :

این ندا همه اهل زمین را فرا می گیرد و اهل هر زبانی آن را با زبان خود می شنود .(2)

۴ . زمان پیام آسمانی

از مجموع احادیث وارده پیرامون بانگ آسمانی استفاده می شود که در آستانه ظهور چندین بار ندای آسمانی شنیده می شود ، ولی آن نـدایی که از نشانه های حتمی است ، در ماه رمضان ، در شب جمعه ، در شب بیست و سوم خواهد بود و اینک متن احادیث :

۱ . امام باقر علیه السلام می فرماید :

اَلصَّیحَهُ لاَ تَکُونُ اِلاَّ فی شَهْرِ رَمَضانَ ، لاِءَنَّ شَهْرَ رَمَضانَ شَهْرُ اللّه ِ ، وَ الصَّیحَهُ فیهِ هی صیحَهُ جَبْرَئِیل ؛

بانگ آسمانی جز در ماه رمضان نخواهد بود ، زیرا ماهِ رمضان ماهِ خداست و بانگ آسمانی بانگِ جبرئیل است .

۱- ۱ . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۳۵ ، ح ۴۲۵ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۷۹ .

۲- ۲ . متقی هندی ، البرهان ، ص ۷۵ ، ب ۱ ، ح ۱۰ .

سپس فرمود :

یَکُوْن الصَّوْتُ فی شَهْرِ رَمَضَانَ، فی لیلَهِ جُمُعَه، لیلَهَ ثَلَاث وَعِشْرینَ ، فَلَا تَشُکُّوا فی ذَلِکَ ، وَ اسْمَعُوا وَ اَطیعُوا ؛(1)

بانگ آسمانی در ماه رمضان ، در شب جمعه و در شب بیست و سوم خواهد بود ، هرگز در آن تردید نکنید ، به آن گوش فرا دهید و از آن پیروی کنید .

۲ . امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود :

اَلصَّیحَهُ الَّتِی فی شَهْرِ رَمَضَانَ ، تَکُونُ لیلَهَ الْجُمُعَهِ ، لِثَلَاث وَ عِشْرینَ مَضینَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ؛(2)

آن صیحه ای که در ماه رمضان خواهد بود ، در شب جمعه ، ۲۳ شب گذشته از آن رخ خواهد داد .

۳ . فضل بن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده

که فرمود :

یُنَادی بِاسْمِ الْقَائِمِ علیه السلام فی لیلَهِ ثَلَاث وَ عَشْرینَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ یَقُومُ فی یَوْمِ عَاشُورَاءَ ؛(3)

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۴ ، ب ۱۴ ، ح ۱۳ ؛ شیخ حر ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۷۳۵ .

۲- ۲ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ص ۶۵۰ ، ۶۵۲ ، ح ۶ و ۱۶ .

۳- ۳ . فضل بن شاذان ، اثبات الرجعه ، مخطوط ؛ « مختصر اثبات الرجعه » ، تراثنا ، ش ۱۵ ، ص ۲۱۸ ، ح ۲۰ ؛ میرلوحی ، کفایه المهتدی ، ص ۲۸۶ ؛ خاتون آبادی ، کشف الحق ، ص ۱۸۷ ، ح ۳۲ ؛ شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۷۰ ، ب ۳۲ ، ح ۶۸۷ ؛ محدّث نوری ، کشف الاستار ، ص ۲۲۲ .

در شب بیست و سوم ماه رمضان به نام قائم علیه السلام ندا می شود و در روز عاشورا قیام می کند .

در روایات فراوان تصریح شده که ظهور حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در ۲۳ رمضان و قیام جهانی آن حضرت در روز عاشورا می باشد ، از جمله :

۴ . فضل بن شاذان در حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود :

اِنَّ الْقَائِمَ یُنَادی بِاسْمِهِ لیلَهَ ثَلَاث وَ عِشْرینَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ یَقُومُ یَوْمَ عَاشُورَاءَ ؛(۱)

قائم علیه السلام در شب ۲۳ رمضان به نامش بانگ زده می شود و در روز عاشورا قیام می کند .

۵ . در برخی از روایات عامه به شب جمعه و ماه رمضان تصریح شده ، به شب بیست و سوم اشاره نشده ، مانند :

اِذَا کَانَ الصَّوْتُ فی شَهْرِ رَمَضَانَ فی لیلَهِ جُمُعَهٍ ، فَاسْمَعُوا وَ اَطیعُ_وا ؛(۲)

چون بانگ در ماه رمضان و شب جمعه رخ دهد ، به آن گوش بسپارید و از آن اطاعت کنید .

۱- ۱ . فضل بن شاذان ، همان ؛ میرلوحی ، کفایه المهتدی ، ص ۲۷۷ ؛ خاتون آبادی ، کشف الحق ، ص ۱۸۸ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۵۲ ، ح ۴۵۸ ؛ شیخ حر عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۱۴ ، ب۳۲ ، ح ۳۵۲ .
۲- ۲ . متقی هندی ، البرهان ، ص ۷۴ ، ب ۱ ، ح ۷ ؛ سلمی ، عقد الدرر ، ص ۱۰۵ ؛ مقدسی ، فرائد فوائد الفکر ، ص ۲۵۸ .

۶ . در برخی دیگر از روایات عامه به سند خود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که در مقام تشریح صیحه رمضان فرمود :

هَـذِهِ فِی النِّصْفِ مِنْ رَمَضانَ ، لَیلَهَ جُمُعَهٍ ، فَتَکُونُ هَـدَّهٌ تُوقِظُ النَّائِمَ وَ تُقْعِـدُ الْقَائِمَ وَ تُخْرِجُ الْعَوَاتِقَ مَنْ خُـدُورِهِنَّ ؛ فی لیلَهِ جُمُعَهٍ فی سَنَهٍ کَثیرَهِ الزَّلَازِلِ ؛(۱)

صیحه ماه رمضان در نیمه آن در شب جمعه می باشد ، پس صدای شکستنی خواهد بود که خفتگان را بیدار کند ، ایستاده ها را از پای در آورد ، بانوان را از سراپرده ها بیرون کند ، و آن در شب جمعه ، در یک سال پر زلزله خواهد بود .

۷ . و در نقلی دیگر فرمود :

اِذَا کَانَتْ لیلَهُ النِّصْفِ ، لیلَهَ الْجُمُعَهِ ، یَکُونُ صَوْتٌ مِنَ السَّمَاءِ ، یَصْعَقُ لَهُ سَبْعُونَ اَلْفا وَ یَصُمُّ سَبْعُونَ اَلْفا ؛(۲)

چون شب نیمه و شب جمعه باشد ، بانگی از آسمانی شنیده می شود که ۷۰۰۰۰ نفر در اثر آن هلاک شوند و ۷۰۰۰۰ نفر ناشنوا گردند .

در میان روایات یاد شده تنها روایات ۲۳ رمضان معتبر و قابل استناد می باشد ، اما روایاتی که از شب نیمه رمضان سخن گفته اند به هیچ وجه قابل اعتماد و استناد نیستند ، زیرا :

ص: ۹۵

۱- ۱ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۱۸۵ ، ح ۶۴۱ .

۲- ۲ . هیثمی ، مجمع الزوائد ، ج ۷ ، ص ۳۱۰ .

۱ . همه آنها از طریق عامه رسیده اند و از طریق اهل بیت نرسیده اند .

۲ . آنها مربوط به ندا نمی باشند ، بلکه مربوط به یک صدای دلخراش هستند که موجب هلاک شدن ، کر و کور شدن می باشند ، چنانکه در متن آنها تصریح شده است .

۳ . در برخی از آنها به تعبیر « هَدَّةٌ » آمده ، مثل روایت هیثمی و حاکم نیشابوری ، و « هدّه » به معنای صدای فرو ریختن دیوار ، کوه و امثال آنها می باشد .(۱)

۴ . و در برخی از آنها تعبیر « هَزَّةٌ » آمده ، مثل روایت دیلمی ،(۲) و آن به معنای حرکت ، لرزه و زلزله می باشد .(۳)

۵ . پس اگر در برخی از آنها « صوت » تعبیر شده ، مانند روایت ثعلبی ،(۴) صوت به معنای صدا می باشد و قابل جمع با صدای فرو ریختن دیوار ، کوه ، زلزله ، رانش زمین و امثال آن می باشد .

از این بررسی کوتاه به این نتیجه می رسیم که بانگ آسمانی که از نشانه های حتمی می باشد ، در ماه رمضان ، در شب جمعه و در شب بیست و سوّم آن ، مقارن با ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود ، و اینک بررسی سندی آن :

سومین روایتی که در این بخش نقل کردیم ، فضل بن شاذان آن را با

۱- ۱ . ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۱۵ ، ص ۴۹ .
۲- ۲ . دیلمی ، الفردوس بمأثور الخطاب ، ج ۵ ، ص ۴۵۵ ، ح ۸۷۲۹ .
۳- ۳ . ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۱۵ ، ص ۸۶ .
۴- ۴ . ثعلبی ، الکشف و البیان ، ج ۷ ، ص ۱۵۷ ؛ قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن ، ج ۱۳ ، ص ۸۹ .

سه واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده :

۱ . احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی

نجاشی ازدیدار وی با امام رضا و امام جواد علیهماالسلام و جلالت قدر او در نزد آن دو امام همام خبر داده(۱) و شیخ طوسی بر وثاقت او تأکید کرده است .(۲) و خود از اصحاب اجماع می باشد .(۳)

۲ . عاصم بن حُمید

نجاشی پیشوای رجالیون او را به صداقت ، وثاقت و چشم و چراغ شیعه بودن ستوده است .(۴)

۳ . محمد بن مسلم

نجاشی او را به تقوا ، فقاهت و وجاهت ستوده ، سپس فرموده : از موثق ترین مردمان بود .(۵)

روی این بیان روایت شب ۲۳ رمضان در اوج صحّت می باشد ، در مقابل روایات شب نیمه با چشمپوشی از عامی بودن ، حتی از نظر خود عامه مورد اعتماد نمی باشند ، زیرا :

۱ . محقّقِ فتنِ نُعَیم بن حمّاد ، سند آن را ضعیف دانسته و سه تن از راویانش را به عنوان ضعیف بر شمرده است .(۶)

۱- ۱ . نجاشی ، الرجال ، ص ۷۵ ، رقم ۱۸۰ .

۲- ۲ . شیخ طوسی ، الفهرست ، ص ۶۱ ، رقم ۶۳ ؛ همو ، الرجال ، ص ۳۶۶ .

۳- ۳ . همو ، اختیار معرفه الرجال ، ص ۵۵۶ ، رقم ۱۰۵۰ .

۴- ۴ . نجاشی ، الرجال ، ص ۳۰۱ ، رقم ۸۲۱ .

۵- ۵ . همان ، ص ۳۲۳ ، رقم ۸۸۲ .

۶- ۶ . ابوعبداللّه ایمن محمد محمد عرفه ، الفتن ، ص ۱۸۵ ، ذیل ح ۶۴۱ .

۲ . حاکم نیز پس از نقل روایت ، متن آن را غریب و سند آن را غیر قابل اعتماد دانسته است .(۱)

۳ . ذهبی در ذیل مستدرک آن را مجعول ، متروک و ساقط از اعتبار دانسته است .(۲)

۴ . هیثمی نیز سند آن را متروک معرفی کرده است .(۳)

روی این بیان سومین نشان از نشانه های حتمی بانگ آسـمانی است و زمان آن شب جمعه ، شب بیست و سوم ماه رمضان می باشد .

۵ . گستره پیام آسمانی

در روایات فراوان تأکید شده که بانگ آسمانی را همه خلایق می شنوند و اینک برخی از روایات :

۱ . امام رضا علیه السلام پس از ستایش فراوان از یوسف زهرا می فرماید :

کَأَنِّی بِهِمْ آیَسَ مَا کَانُوا ، قَدْ نُودُوا نِدَاءا یَسْمَعُهُ مَنْ بِالْبُعْدِ کَمَا یَسْمَعُهُ مَنْ بِالْقُرْب ؛

گویی آنهـا را بـا چشم خود می بینیم در هنگامی که بیش از هر وقت دیگر کابوس نومیـدی آنها را فراگرفته ، نـدایی می شود که همه کسانی که دور یا نزدیک هستند آن را می شنوند .

۱- ۱ . حاکم ، مستدرک الصحیحین ، ج ۴ ، ص ۵۱۸ .

۲- ۲ . همان .

۳- ۳ . هیثمی ، مجمع الزوائد ، ج ۷ ، ص ۳۱۰ .

آنگاه به تفصیل مضمون ندا را بیان فرمود .(۱)

۲ . امام باقر علیه السلام در این رابطه فرمود :

یُنَادی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِم علیه السلام ، فَیَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ ، لاَ یَبْقی رَاقِدٌ اِلاَّ اسْتَیْقَظَ ، وَ لاَ قَائِمٌ اِلاَّ قَعَدَ ، وَ لاَ قَاعِدٌ اِلاَّ قَامَ عَلی رِجْلیهِ ، فَزَعا مِنْ ذَلِکَ الصَّوْتِ ؛(۲)

با نام قائم علیه السلام منادی از آسمان ندا می زند ، هر کسی که در شرق یا در غرب باشد ، آن را می شنود ، هیچ خفته ای نباشد جز اینکه بیدار شود ، هیچ ایستاده ای نباشد جز اینکه بنشیند ، هیچ نشسته ای نباشد جز اینکه برخیزد ، از ترس و هراسی که از آن صدا به آنها می رسد .

۳ . و در همین رابطه فرمود :

یُنَادی بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ اَبیهِ ، حَتَّی تَسْمَعَهُ الْعَذْرَاءُ فی خِدْرِهَا ، فَتُحَرِّضُ اَبَاهَا و اَخَاهَا عَلی الْخُرُوجِ ؛(۳)

با نام قائم و نام پدرش علیهماالسلام ندا سر داده می شود ، این بانگ را دوشیزگان در سراپرده ها می شنوند ، پدران و برادرانشان را به جنبش و خیزش تشویق می کنند .

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۱۸۱ ، ب ۱۰ ، ح ۲۸ ؛ خزاز ، کفایه الاثر ، ص ۱۵۹ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۳۹ ، ح ۴۳۱ ؛ حلی ، مختصر بصائر الدرجات ، ص ۴۷۸ ؛ قطب راوندی ، الخرائج و الحرائح ، ج ۳ ، ص۱۱۶۸ ، ح ۶۵ ؛ شیخ حر ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۷۲۶ ، ح ۵۰ .

۲- ۲ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۴ ، ب ۱۴ ، ح ۱۳ ؛ متقی هندی ، البرهان ، ص ۱۰۹ .

۳- ۳ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۴ ، ب ۱۴ ، ح ۱۳ ؛ متقی هندی ، البرهان ، ص ۱۰۹ .

۴ . و در نقلی دیگر فرمود :

یُنَادی مُنَاد مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْمَهْدی، فَیَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ ، حَتَّی لاَیَبْقَی رَاقِدُ اِلَّا اسْتَیْقَظَ ؛(۱)

منادی از آسمان به نام مهدی علیه السلام ندا سر می دهد ، هر کس که در شرق یا غرب باشد آن را می شنود ، هیچ خفته ای نمی ماند جز اینکه بیدار می شود .

۵ . امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی از بانگ آسمانی در شب بیست و سوم رمضان سخن گفته ، در پایان می فرماید :

فَلاَ یَبْقَی شَی ءٌ مِمَّا خَلَقَ اللّه ُفیهِ الرُّوحَ اِلَّا سَمِعَ الصَّیحَهَ ؛ فَتُوقِظُ النَّائِمَ وَ یَخْرُجُ اِلی صَحْنِ دَارِهِ ، وَ تُخْرِجُ الْعَذْرَاءَ مِنْ خِدْرِهَا ، وَ یَخْرُجُ الْقَائِمُ مِمَّا یَسْمَعُ ، وَ هی صَیحَهُ جَبْ_رَئی_لَ ؛

از آنچه خداونـد روح در آن آفریـده ، چیزی باقی نمی مانـد ، جز اینکه آن بانگ را می شـنود ، پس ختفگان بیدار شوند و به صحن خانه در آیند ، دوشیزگان ازسراپرده بیرون روند و حضرت قائم علیه السلام آن بانگ را بشنود و خروج کند ، که آن بانگِ جبرئیل است .

بر این اساس گستره بانگ آسمانی بسیار گسترده است ، همه موجودات زنده را از شرق عالم تا غرب آن فرا می گیرد .

ص: ۱۰۰

۱- ۱ . سلمی ، عقد الدرر ، ص ۱۳۷ . ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۹۰ ، ب ۱۶ ، ح ۶ .

۶ . جایگاه پیام آسمانی

در همه احادیثی که از بانگ آسمانی سخن به میان رفته ، تعبیر : « مِنَ السَّمَاءِ » دارد ، یعنی : از آسمان و در برخی از آنها تعبیر « مِنْ جَوْفِ السَّمَاءِ » آمده بود ، یعنی : از دل آسمان .(۱)

در اینجا تذکر این نکته لازم به نظر می رسد که در برخی از آنها تعبیر « قَرْنُ الشَّمْسِ » آمده بود ، یعنی : « قرصِ خورشید »(۲) و در برخی دیگر به « اَوَّلُ النَّهار » ، یعنی : « اوّلِ روز » تصریح شده بود(۳) با توجه به اینکه بانگ آسمانی معهود بر اساس روایات صحیحه در شب بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود ، دیگر نداها از نشانه های حتمی نیست و لذا در مورد سند آنها بحث نکردیم .

۷ . بانگ آسمانی و بانگ شیطانی

در روایات مربوط به بانگ آسمانی از بانگ دیگری گفتگو شده که به دنبال بانگ آسمانی بانگ دیگری از سوی شیطان شنیده می شود که برای فتنه انگیزی و اغوای مردم تلاش مذبوحانه خود را انجام و آخرین تیری که در چلّه کمان دارد رها می کند و می گوید که : حق با فلانی است ، و اینک برخی از روایات :

۱- ۱ . همان .

۲- ۲ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۱۸۱ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۴۰ ؛ حلی ، مختصر بصائر الدرجات ، ص ۱۰۹ .

۳- ۳ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۲ ، ب ۵۷ ، ح ۱۴ .

۱ . امام باقر علیه السلام می فرماید : در پایان روز ابلیس ملعون بانگ بر می آورد که :

ألا اِنَّ فُلَانا قُتِلَ مَظْلُوما ، لِيُشَكِّكَ النَّاسَ وَ يَفْتِنَهُمْ ؛(۱)

آگاه باشید که فلانی مظلوم کشته شد ، تا مردم را به شک انداخته ، وارد فتنه سازد .

۲ . و در همین رابطه فرمود : در پایان روز ابلیس بانگ بر آورد که :

اَلَا اِنَّ الْحَقَّ فی السُّفیانِی وَ شیعَتِهِ ، فَیَرْتَابُ عِنْدَ ذلِکَ الْمُبْطِلُونَ ؛(۲)

آگاه باشید که حق با سفیانی و پیروان اوست . پس در آن هنگام طرفدارانِ باطل به شک و تردید می افتند .

۳ . امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود : سپس ابلیس در پایان روز از زمین بانگ بر آورد :

اَلَا اِنَّ الْحَقَّ فی عُثْمَانَ وَ شیعَتِهِ ؛(۳)

آگاه باشید که حق با عثمان و پیروان اوست .

در اینجا منظور از عثمان ، عُثمان بن عَنْبَسه یعنی سفیانی می باشد .(۴)

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۴ ، ب ۱۴ ، ح ۱۳ .

۲- ۲ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۲ .

۳- ۳ . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۳۵ ، ح ۴۲۵ .

۴- ۴ . ولی در برخی از آنها به عثمان بن عفان تصریح شده است و در آنها احتمال این معنی هست که در حدیث مطلق آمده باشد ، راویان به تصور اینکه منظور خلیفه سوم است ، لفظ « بن عفان » را به آن افزوده باشند .

۸ . بازشناسی دو صدا

خداونـد منان از روی حکمت بالغه اش برای آزمون انسان ها در جهان خلقت عقل و نفس را در کنار هم آفریده و انسان را به پیروی عقـل و دوری از نفس فرمـان داده ، در مقابـلِ پیـامبران الهی شـیاطین انس و جن را قرار داده ، راه و چـاه را ارایه داده ، قدرت تشخیص حق و باطل را در دسترس همگان قرار داده است .

در هنگـامه ظهور نیز در مقابـل بانـگ آسـمانی ، بانـگ زمینی شـیطان را خبر داده و به همگـان هشـدار داده ، توسط پیشوایان معصوم به همه اخطار کرده که از بانگ اولی پیروی کرده ، از بانگ دوم بیزاری بجویید .

برای بانگ اول نشانه های روشن تعیین کرده و برای همگان اطلاع رسانی کرده ، از جمله :

۱ . این بانگ از آسمان است و بانگ دوم از روی زمین .

۲ . این بانگ از شش جهت انسان را فرا می گیرد و آنْ از یک سمت است .

۳ . این بانگ همگان را به پیروی آل محمد و فرزندان علی فرامی خواند و آن به پیروی دشمنان دین .

۴ . بانگ آسمانی در شب جمعه ، شب بیست و سوم ماه رمضان است و آن بانگ در پایان روز بعد .

۵ . این بانگ را همگان می شـنوند ، در همه تأثیر می گذارد و هر کسـی به زبان مادری خودش ، ولی آن بانگ چنین ویژ گی هایی ندارد .

در احادیث فراوان تأکید شده که امر ما از خورشید روشن تر است ،(۱)

۱- ۱ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۰ ، ب ۵۷ ، ح ۴ .

و لذا هر کس طالب حق باشد هرگز دچار شک و تردید نخواهد شد ، آنهم با آنهمه اطلاع رسانی که به صورت کاملا شفّاف بیان شده است .

۹ . برهان قاطع

در برخی از روایات بانگ آسمانی به عنوان روشن ترین دلیل و محکم ترین برهان برای ظهور حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه معرفی شده است .

امام باقر علیه السلام در آخرین فراز یک حدیث بسیار طولانی می فرماید :

فَاِنْ اَشْکَلَ ذَلِکَ کُلُّهُ عَلیهِمْ ، فَاِنَّ الصَّوْتَ مِنَ السَّمَاءِ لَا یُشْکِلُ عَلیهِمْ ، اِذَا نُودی بِاسْمِهِ وَ اسْمِ اَبیهِ وَ اُمِّهِ ؛(۱)

اگر همه اینها بر کسی مشتبه شود ، دیگر بانگ آسمانی بر کسی مشتبه نمی شود ، هنگامی او را با نام خود ، نام پدر و نام مادرش صدا کنند .

در احادیث عامّه از اسماء بنت عمیس نقل شده که گفت :

اِنَّ اَمَارَهَ ذَلِکَ الیوْمِ اَنَّ کَفّا مِنَ السَّمَاءِ مُدْلَاهً یَنْظُرُ اِلیهَا النَّاسُ ؛(۲)

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۸۲ ، ب ۱۴ ، ح ۶۷ .

۲- ۲ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۶۶ ، ح ۹۹۲ ؛ سیوطی ، الحاوی للفتاوی ، ج ۲ ، ص ۷۲ .

نشانه روز بانگ آسمانی آن است که کفِ دستی از آسمان آویخته شود و مردمان آن را تماشا کنند .

و در احادیث اهل بیت آمده است که :

اَلْعَامُ الَّذِی فیهِ الصَّیحَهُ ، قَبْلَهُ الْآیَهُ فی رَجَب ؛

سالی که در آن بانگ آسمانی است ، پیش از آن نشانی در ماه رجب هست .

راوی پرسید : آن نشان چیست : امام صادق علیه السلام فرمود :

وَجْهٌ یَطْلَعُ فی الْقَمَرِ وَ یَدٌ بَارِزَهٌ ؛(۱)

سیمایی در ماه می درخشد و دستی ظاهر می شود .

روی این بیان بانگ آسمانی با آنهمه وضوح و شفافی ، باز هم نشانه هایی برای آن تعیین شده ، تا بر احدی پوشیده نماند .

۱۰ . وظیفه ما

در غالب احادیث که محتوای بانگ آسمانی را بیان کرده اند ، جمله « اِسْمَعُوا وَ اَطیعُوا » از منادی آسمانی نقل شده ، یعنی بر همگان فرمان می دهد که از مهدی آل محمد صلوات اللّه علیه اطاعت کنند و فرمانش را با گوش جان بشنوند .

در برخی از احادیث تعبیر : « اَلَنَّفیر اَلَنَّفیر » نیز دارد ، یعنی به سویش بشتابید .

امام باقر علیه السلام در ضمن حدیث مفصّلی می فرماید :

فَاِذَا نَادی فَالنَّفیرَ النَّفیرَ ، فَوَ اللّه ِ لَکَأَنِی اَنْظُرُ اِلیهِ بینَ الرُّکْنِ

۱- ۱ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۲ ، ب ۱۴ ، ح ۱۰ .

وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ ؛(1)

هنگامی که منادی بانگ بر آورد ، پس به سویش بشتابید و عجله کنید ، گویی با چشم خود می بینم که در میان رکن و مقام از مردم بیعت می گیرد .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می فرماید : چون هنگامه ظهور قائم علیه السلام فرا رسد ، منادی آسمانی ندا سر دهد :

اَیُّهَا النَّاسُ قُطِعَ عَنْکُمْ مُدَّهُ الْجَبَّارینَ ، وَ وَلی الاْمْرَ خَیْرُ اُمَّهِ مُحَمَّدٍ ، فَالْحَقُوا بِمَکَّهِ ؛(2)

هان ای مردمان ، دوران ستمگران سپری شد ، بهترین فرد از امّتِ محمّد صلی الله علیه و آله زمام امور را به دست گرفت ، پس به مکه بپیوندید .

پس وظیفه منتظران این است که به مجرد شنیدن بانگ آسمانی مرکبی تیزپا فراهم آورده با شتابی هرچه تمام تر به سوی مکه معظمه بشتابند و به خیل مشتاقان بپیوندند و دست بیعت به حجت پروردگار بسپارند .

۱- ۱ . همان ، ص ۲۶۲ ، ب ۱۴ ، ح ۲۲ .
۲- ۲ . شیخ مفید ، الاختصاص ، ص ۲۰۸ .

خَسفِ بَیْدَاء

اشاره

چهارمین نشانه از نشانه های حتمی از نظر تسلسل زمانی ، خسف سرزمین بیدا است .

« بیدَا » در لغت به معنای دشت هموار ، پهناور ، خالی از سکنه و آب و علف .(۱)

در میان مکه و مدینه دشت پهناور شنزاری است که « بیدا » نام دارد .(۲)

هنگامی که سپاه سفیانی به این سرزمین برسد ، جبرئیل امین به این سرزمین بانگ بر می آورد : ای بیدا ، این گروه ستمگر را نابود کن . پس زمین دهان باز می کند و همه آنها را در کام خود فرو می برد .

از بررسی روایات ملاحم و فتن استفاده می شود که این حادثه در حدود یک ماه بعد از ظهور رخ می دهد .

ص: ۱۰۷

۱- ۱ . ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۱ ، ص ۵۴۸ .

۲- ۲ . یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۱ ، ص ۵۲۳ .

روی این بیـان آن را نمی توان از نشـانه هـای ظهور دانست ، بلکه بایـد آن را از نشانه های قیام حضـرت بقیه اللّه ارواحنا فـداه دانست ، زیرا براساس روایات فراوان بین ظهور و قیام آن حضرت دقیقا سه ماه و ۱۷ روز فاصله هست .

فضل بن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود :

یُنَادی بِاسْمِ الْقَائِمِ علیه السلام فی لیلَهِ ثَلَاث وَ عَشْرینَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ یَقُومُ فی یَوْمِ عَاشُورَاءَ ؛(۱)

در شب ۲۳ رمضان به نام قائم علیه السلام ندا سر داده می شود و در روز عاشورا قیام می کند .

بر این اساس خسف بیدا از نشانه های قیام جهانی آن حضرت است که در فاصله ظهور و قیام رخ می دهد .

ویژگی های خسف بیدا

اشاره

خسف بیدا یکی از نشانه های حتمی است و ویژگی هایی دارد که با هیچ خسف دیگری اشتباه نمی شود ، در اینجا به شماری از ویژگی های آن به طور فشرده اشاره می کنیم :

۱- ۱ . فضـل بن شـاذان ، اثبـات الرجعه ، مخطوط ؛ « مختصـر اثبات الرجعه » ، تراثنا ، ش ۱۵ ، ص ۲۱۸ ، ح ۲۰ ؛ میرلوحی ، کفایه المهتدی ، ص ۲۸۶ ؛ خاتون آبادی ، کشف الحق ، ص ۱۸۷ ، ح ۳۲ ؛ شیخ حرّ عاملی ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۵۷۰ ، ب ۳۲ ، ح ۶۸۷ ؛ محدّث نوری ، کشف الاستار ، ص ۲۲۲ .

۱ . جایگاه خسف بیدا در قرآن

قرآن کریم در دو مورد پیرامون خسف سپاه سفیانی در سرزمین بیدا سخن گفته است :

۱ . « یَا اَیُّهَا الَّذِینَ اُوتُوا الْکِتَابَ اَمِنُوا بِمَا نَزَّلَنَا مُصَدِّقا لِمَا مَعَکُمْ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَطْمِسَ وُجُوها فَنَرُدَّهَا عَلی اَدْبَارِهَا ... » ؛(۱)

ای کسانی که کتاب داده شده اید ، به آنچه فرو فرستادیم و خود تصدیق کننده کتابی است که با شماست ، ایمان بیاورید ، پیش از آنکه بر چهره هایی بزنیم و آنها را به پشت سرشان برگردانیم .

خداوند منان در این آیه شریفه اهل کتاب را از روزی هشدار داده که در آن روز به چهره هایی زده شده ، صورتشان به پشت سرشان برگردانیده می شود .

مبرّد گفته : این تهدید الهی تا کنون انجام نشده ، ولی به حال خود باقی است ، تا پیش از رستاخیز ، با مسخ شدن افرادی و برگشتن صورتشان به عقب سرشان تحقق پیدا کند .(۲)

اما این تهدید الهی کی جامه عمل خواهد پوشید ؟ در احادیث فراوان از پیشوایان معصوم علیهم السلام روایت شده ، که به شماری از آنها اشاره می کنیم :

۱ . امام باقر علیه السلام در یک حدیث طولانی از کارنامه سپاه سفیانی و

۱- ۱ . سوره نساء (۴) ، آیه ۴۷ .

۲- ۲ . ثعلبی ، الکشف و البیان ، ج ۳ ، ص ۳۲۴ .

جنایات وحشیانه او سخن گفته ، در پایان از ورود سپاه سفیانی به سرزمین بیدا گفتگو کرده می فرماید : آنگاه منادی آسمانی ندا سر می دهد :

یَا بیدَاءُ اَبیدی بِالْقَوْم ؛

ای سرزمین بیدا این گروه را نابود کن .

پس زمین دهان می گشاید و آنها را در کام خود فرو می برد ، به جز سه تن ، که از تیره کلب هستند و خداوند صورت آنها را به پشت سرشان بر می گرداند ، و در حق آنها نازل شده ، آیه شریفه « یَا اَیُّهَا الَّذِینَ اُوتُوا الْکِتَابَ ... » .(۱)

۲ . این حدیث به همین تعبیر از طریق عامّه نیز از امام باقر علیه السلام روایت شده است .(۲)

احادیث دیگری در این رابطه وارد شده که در ذیل آیه بعدی تقدیم می شود :

۲ . « وَ لَوْ تَری اِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَ اُخِذُوا مِنْ مَکَانٍ قَرِیبٍ » ؛(۳)

اگر آنان را مشاهده کنی هنگامی که دچار وحشت شده اند و رهایی ندارند و از مکان نزدیک گرفتار می شوند .

در احادیث فراوان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام

۱- ۱ . عیاشی ، التفسیر ، ج ۱ ، ص ۴۰۲ ، ح ۹۹۰ ؛ نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۸۰ ، ب ۱۴ ، ح ۶۷ ؛ شیخ مفید ، الاختصاص ، ص ۲۵۶ ؛ بحرانی ، البرهان ، ج ۳ ، ص ۱۱۵ ، ح ۲۴۱۳ و ۲۴۱۲ .

۲- ۲ . سلمی ، عقد الدرر ، ص ۸۹ .

۳- ۳ . سوره سبأ (۳۴) ، آیه ۵۱ .

در تفسیر این آیه شریفه داستان خسف بیدا به تفصیل بیان شده که به برخی از آنها فقط اشاره می کنیم :

۱ . حذیفه بن الیمان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تفصیل در مورد کارکرد سپاه سفیانی در سرزمین بابل و کوفه روایت نقل کرده ، در مورد سپاه اعزامی او به مدینه و قتل عام آن به مدت سه شبانه روز سخن گفته و در پایان روایت کرده که فرمود :

ثُمَّ یَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهینَ اِلی مَکَّهَ حَتّی اِذَا کَانُوا بِالْبَیدَاءِ ، بَعَثَ اللّه ُجِبْریلَ فیقُولُ : یَا جَبْرَائیلُ اذْهَبْ فَأَبْدِهِمْ ، فَیَضْرِبُهَا بِرِجْلِهِ ضَرْبَهً ، یَخْسِفُ اللّه ُبِهِمْ ، فَذَلِکَ قَوْلُهُ فی سُورَهِ سَبَأ : « وَ لَوْ تَری اِذْ فَزِعُوا فَلاَفَوْتَ ... » وَ لاَ یَنْفَلِتُ مِنْهُمْ اِلاَّ رَجُلاَنِ ، اَحِدُهُمَا بَشیرٌ وَ الْآخِرُ نَذِیرٌ وَ هُمَا مِنْ جُهینَهُ ، فَلِذَالِکَ جَاءَ الْقَوْلُ : وَ عِنْدَ جُهینَهِ الْخَبَرُ الیقِینُ ؛(۱)

آنگاه به قصد مکه بیرون می روند ، چون به سرزمین بیدا می رسند ، خداوند جبرئیل را می فرستد و می فرماید : ای جبرئیل برو و آنان را نابود کن ، پس جبرئیل با پای خود ضربتی می زند ، خداوند به وسیله آن همه آنها را در کام زمین فرو می برد . این است معنای فرمایش خداوند در سوره سبأ : « اگر آنها را مشاهده کنی ... » پسْ از آنها رهایی پیدا نمی کند به جز دو تن ، که یکی بشیر و دیگری نذیر ، و هر دو از

۱- ۱ . طبری ، جامع البیان ، ج ۲۲ ، ص ۷۳ ؛ ثعلبی ، الکشف و البیان ، ج ۸ ، ص ۹۵ ؛ طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۸ ، ص ۶۲۲ .

« جُهینَه » هستند . به همین جهت گفته شده : « خبر قطعی در نزد جُهینَه است » .

« جُهینه » از تیره قضاعه می باشـد و « جُهَنی » به او منسوب است ، نامش : زیـد بن لیث بن سود بن أسـلُم بن حاف بن قضاعه ، مقیم کوفه بود .(۱)

ابن اثیر گوید : بلکه نام او : « جُهینه » پسر زید می باشد .(۲)

ابن سکّیت واصـمعی آن را « جُفینه » ضـبط کرده انـد ، ولی ابن کلبی تأکید کرده که « جُهینه » درست است ، آنگاه داسـتانی نقل کرده و در پایان شعر اخنس را آورده که در آخرین مصراع گفته : « وَ عِنْدَ جُهینَهِ الْخَبَرُ الیقِینُ » .(۳)

روی این بیان آخرین فراز از حدیث یاد شده جزء حدیث نیست ، بلکه مفسّـِران به دنبال حدیث پیامبر اکرم به آن اسـتناد جسته اند .

۲ . مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام در بخش پایانی حدیثی می فرماید :

ثُمَّ یأَتِی الْمَدینَهَ بَجَیْشٍ جَرَّارٍ ، حَتَّی اِذَا اِنْتَهی اِلی بیدَاءِ الْمَدینَهِ خَسَفَ اللّه ُبِه ؛

سپس لشـکر جرّاری به مدینه می آورد ، هنگامی که به سـرزمین بیدای مدینه می رسند ، خداوند آنان را در کام زمین فرو می برد .

سپس فرمود : این است کلام خداوند منان که فرمود : « وَ لَوْ تَری اِذْ فَزِعُوا ... » .(۴)

۱- ۱ . سمعانی ، الأنساب ، ج ۳ ، ص ۳۹۴ .
۲- ۲ . ابن اثیر ، اللّباب فی تهذیب الأنساب ، ج ۱ ، ص ۲۲۳ .
۳- ۳ . ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۲ ، ص ۳۱۲ .
۴- ۴ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۳۰۵ ، ب ۱۸ ، ح ۱۴ .

۳ . امیرمؤمنان در نامه خود به معاویه ، خروج سفیانی را به تفصیل شرح می دهد ، در پایان از کارنامه سیاه سپاه سفیانی خبر می دهد ، سپس می فرماید :

فَاِذَا دَخَلُوا الْبَیدَاءَ وَ اسْتَوَتْ بِهِمُ الاَرْضُ خَسَفَ اللّه ُ بِهِمُ الاَرْضَ ، قَال اللّه ُ عزَّوَجَلَّ : « وَ لَوْ تَری اِذْ فَزِعُوا فَلَافَوْتَ وَ اُخِذُوا مِنْ مَکَان قَریب » .

قَال : مِنْ تَحْتِ اَقْدَامِهِمْ ، فَلَا یَبْقَی مِنْ ذَلِکَ الْجَیْشِ اَحَدٌ ، غیرَ رَجُل وَاحِد ، یُقَلِّبُ اللّه ُ وَجْهَهُ مِنْ قِبَلِ قَفَاهُ ؛(۱)

چون به سرزمین بیدا رسیدند و در آنجا مستقرّ شدند ، خداوند آنها را در کام زمین فرو می برد ، خداوند متعال می فرماید : « وَ لَوْ تَری اِذْ فَزِعُوا ... »

آنها از زیر گامهایشان در زمین فرو می روند و کسی از آنها باقی نمی ماند ، به جز یک نفر که خداوند صورتش را به پشت سرش بر می گرداند .

۴ . در حدیث دیگری بعد از بیان خسف بیدا فرمود :

یکی از افراد سپاه به دنبال شترش می رود ، چون بر می گردد کسی را نمی یابد و سرنخی از آنها پیدا نمی کند ، همو گزارش آنها را برای مردم بازگو می کند .(۲)

۱- ۱ . سلیم بن قیس ، کتاب سلیم ، ص ۱۵۹ .

۲- ۲ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۵۸ ، ح ۹۵۰ .

۵ . ابوحمزه ثمالی گوید : از امام زین العابدین علیه السلام و از حسن بن حسن (حسن مثنی) شنیدم ، که هر دو در تفسیر این آیه فرمودند :

هَوَ جَيْشُ الْبَيدَاءِ ، يُؤْخَذُونَ مِنْ تَحْتِ اَقْدَامِهِمْ ؛(۱)

آنها سپاه بیدا هستند که از زیر پاهایشان گرفتار می شوند .

۶ . امام باقر علیه السلام مسیر حضرت مهدی علیه السلام را از مکه تا « مَرّ »(۲) و از آنجا تا سرزمین بیدا ترسیم می کند ، سپس فرو رفتن سپاه سفیانی را در بیدا بیان کرده به آیه شریفه استناد می کند .(۳)

۷ . و در حدیث دیگری فرمود : منظور از : « فَزِعُوا » وحشت آنها از بانگ آسمانی است ، و منظور از « اُخِذُوا مِنْ مَكَان قَرِيب » یعنی : از زیر پاهایشان در کام زمین فرو می روند .(۴)

۸ . ابن عباس نیز در تفسیر این آیه گفت : آنها لشکر سفیانی هستند که از زیر پاهایشان در زمین فرو می روند .(۵)

۹ . ابن عباس در حدیث دیگری به تفصیل از خسف بیدا سخن گفته ، در پایان از شبانی گفتگو کرده که به گوسفندان خود سر می زند و برمی گردد و می بیند که از سپاه سفیانی خبری نیست ، تعجب می کند که چگونه در

۱- ۱ . ابوحمزه ثمالی ، تفیسر القرآن الکریم ، ص ۲۷۴ ؛ طبرسی ، مجمع البیان ، ج ۸ ، ص ۶۲۱ .

۲- ۲ . « مَرّ » نام گذرگاهی در پنج میلی مکه معظمه است (یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۵ ، ص ۱۰۴) .

۳- ۳ . سید شرف الدین ، تأویل الآیات ، ج ۲ ، ص ۴۷۸ ؛ بحرانی ، البرهان ، ج ۸ ، ص ۱۲۸ ؛ همو ، المحجه ، ص ۱۸۰ .

۴- ۴ . علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، ج ۲ ، ص ۲۰۵ ؛ فیض کاشانی ، الصافی ، ج ۶ ، ص ۱۰۷ .

۵- ۵ . سیوطی ، الدر المنثور ، ج ۵ ، ص ۲۴۰ .

این مـدت کوتاه کوچ کردنـد ، پس قطیفه ای را مشاهده می کند که نیمی از آن در دل زمین فرو رفته ، هر چه تلاش می کند که آن را بیرون آورد ممکن نمی شود ، پس متوجه می شود که سپاهیان در کام زمین فرو رفته اند .(۱)

۱۰ . در منابع عامه از تفسیر ابوبکر نقاش در ضـمن یک حدیث بسیار طولانی ، کارنامه سیاه سفیانی و کارکرد سپاه او را بر شمرده ، در پایان از هلاک شـدن ۷۰۰۰۰ نفر سپاهیانش در سرزمین بیدا و برگشتن صورت گزارشگر به پشت سرش با ضربه جبرئیل و با استناد به آیه شریفه خبر داده اند .(۲)

۲ . خسف در امّتِ اسلامی

در شماری از احادیث از وقوع خسف در امت اسلامی سخن رفته است :

۱ . حاکم با سلسله اسنادش از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود :

فی اُمَّتِی خَسْفٌ وَ مَسْخٌ وَ قَذْفٌ ؛(۳)

در میان امّتِ من خَسف ، مَسخ و سنگباران واقع خواهد شد .

۲ . متقی هندی بیش از ۱۰ روایت در این رابطه نقل کرده است .(۴)

۳ . شیخ صدوق با سلسله اسنادش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان حوادث دهگانه ای که باید پیش از رستاخیز انجام شود ، از سه خَسف در شرق

۱- ۱ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۵۶ ، ح ۹۴۲ ؛ متقی هندی ، البرهان ، ص ۱۳۰ .

۲- ۲ . سلمی ، عقد الدرر ، ص ۷۶ _ ۷۹ .

۳- ۳ . حاکم ، مستدرک الصحیحین ، ج ۴ ، ص ۴۴۵ .

۴- ۴ . متقی هندی ، کنز العمّال ، ج ۱۴ ، ص ۲۷۶ ، ح ۳۸۷۱۰ _ ۳۸۷۲۰ .

و غرب و جزیره العرب نام برده است .(۱)

۳ . شماره سپاه سفیانی

در روایات خسف بیدا از شمار سپاهیان سفیانی به اختلاف سخن رفته است :

۱ . در نقلی هفتاد هزار تن(۲)

۲ . به نقلی سی هزار نفر(۳)

۳ . به نقلی دیگر دوازده هزار نفر(۴)

در اینجا یادآوری این نکته لازم است که اینها شمار سپاهیان اعزامی به مدینه است و ممکن است شمار هلاک شده ها مجموع این ارقام باشد .

۴ . هدف از لشگرکشی

در غالب روایاتِ خسف بیدا تصریح شده که هدف از این لشکرکشی پیکار با حجت خدا می باشد ، ولی هنگامی آنها به مدینه منوره می رسند که حجت خدا به مکه معظمه عزیمت نموده باشد ، از این رهگذر به مدت سه شبانه روز مدینه را قتل و غارت می کنند ، سپس به دنبال حجت خدا عازم مکه می شوند .

۱- ۱ . شیخ صدوق ، الخصال ، ج ۲ ، ص ۴۴۹ ، ح ۵۲ ؛ حلی ، مختصر بصائر الدرجات ، ص ۴۵۰ .

۲- ۲ . سلمی ، عقد الدرر ، ص ۷۹ . ۲ . همان ، ص ۸۱ .

۳- ۳ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۵۸ ، ح ۹۵۱ .

۴- ۴ . حاکم ، مستدرک الصحیحین ، ج ۴ ، ص ۴۲۹ .

و در نقلی آمده است :

هنگامی که سفیانی از کشته شدن « زُهْری » فرمانده سپاه خود آگاه می شود ، ۷۰۰۰۰ نفر به سوی مدینه بسیج می کند ، آنها در بیدا لشکرآرایی می کنند و هدف آنها پیکار با حجت خدا و تخریب خانه خدا می باشد .(۱)

۵ . کارنامه سیاه سپاه سفیانی

در احادیث فراوان از جنایات بی شمار سپاه سفیانی به ویژه از قتل و غارت مدینه منوره گفتگو شده که ما فقط به یک نمونه اشاره می کنیم :

هنگامی که سفیانی به مصر برسد ، لشکری آراسته به دنبال کسی می فرستد که در مکه معظمه است ، آن لشکر مدینه را ویران می کنند ، شدیدتر از داستان « حَرّه » ، هنگامی که به بیدا می رسند در کام زمین فرو می روند .(۲)

داستان حرّه سیاه ترین کارنامه سپاه یزید بن معاویه است که یک سال بعد از داستان کربلا به فرمان او در منطقه حرّه از محلات مدینه منوره انجام گرفت .

حادثه جانگداز حرّه به قدری شرم آور است که هیچ مورّخی به خود اجازه نداده که مشروح آن را بر صفحات کاغذ منعکس نماید .

۱- ۱ . سلمی ، عقد الدرر ، ص ۷۹ .

۲- ۲ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۵۷ ، ح ۹۴۶ ؛ سیوطی ، الحاوی للفتاوی ، ج ۲ ، ص ۶۷ .

۶ . شمار گزارشگرها

در مورد شمار افرادی که در سرزمین بیدا در زمین فرو نمی روند ، ولی صورتشان به پشت سرِشان بر می گردد ، تا گزارشگر حادثه خسف بیدا باشند ، در احادیث به اختلاف سخن رفته است :

۱ . یک نفر(۱)

۲ . دو نفر(۲)

۳ . سه نفر(۳)

۴ . اندک(۴)

۷ . اسامی گزارشگران

در مورد اسامی گزارشگرها نیز به اختلاف گفتگو شده ، از جمله :

۱ . بشیر و نذیر(۵)

۲ . وَتْر و وَتِیر(۶)

۳ . وَبَر و وَبیر(۷)

۱- ۱ . همان ، ص ۲۵۹ ، ح ۹۵۷ ؛ سلیم بن قیس ، کتاب سلیم ، ص ۱۵۹ .

۲- ۲ . سلمی ، عقد الدرر ، ص ۸۲ ؛ عیاشی ، التفسیر ، ج ۲ ، ص ۱۹۵ .

۳- ۳ . نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۸۰ ، ب ۱۴ ، ح ۶۷ .

۴- ۴ . سیوطی ، الدر المنثور ، ج ۵ ، ص ۲۴۱ .

۵- ۵ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۵۹ ، ح ۹۵۵ ؛ سیوطی ، الحاوی للفتاوی ، ج ۲ ، ص ۶۷ .

۶- ۶ . عیاشی ، التفسیر ، ج ۲ ، ص ۱۹۵ ، ح ۴۹ .

۷- ۷ . ابن حماد ، الفتن ، ص ۲۵۹ ، ح ۹۵۴ .

در مورد نسب آنها نیز به اختلاف سخن رفته ، به روایتی از قبیله کَلب ،(۱) به روایتی از تیره مراد(۲) و به نقلی از قبیله قُضاعه و تیره جُهینه می باشد .

از امام باقر علیه السلام رایت شده که فرمانده سپاه سفیانی از قبیله کلب است و او نیز در خسف بیدا به عنوان گزارشگر باقی می ماند . وی به نقلی از تیره مَذْحِج می باشد .(۳)

۸ . جایگاه سرزمین بیدا

سرزمین بیدا بی گمان در میان مکه و مدینه می باشد و در متن احادیث به آن تصریح شده است .(۴) ولی در مورد محل دقیق آن به اختلاف سخن رفته :

۱ . یاقوت آن را به مکه نزدیکتر دانسته.(۵)

۲ . زبیدی آن را در ناحیه ذُوالْحُلیفَه ــ مسجد شجره ــ معرّفی کرده .(۶)

۳ . در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز آمده است : چون به سرزمین بیدا در ذُوالْحُلیفَه رسیدند ، در کام زمین فرو روند .(۷)

۱- ۱ . همان ؛ سیوطی ، الحاوی للفتاوی ، ج ۲ ، ص ۶۷ .

۲- ۲ . عیاشی ، التفسیر ، ج ۲ ، ص ۱۹۵ ، ح ۴۹ .

۳- ۳ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۵۹ ، ۹۵۳ .

۴- ۴ . ابوداود ، صحیح سنن المصطفی ، ج ۲ ، ص ۲۰۸ .

۵- ۵ . یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۱ ، ص ۵۲۳ .

۶- ۶ . زبیدی ، تاج العروس .

۷- ۷ . متقی هندی ، البرهان ، ص ۱۱۶ ، ح ۱۷ .

۴ . سلمی نیز از « ابوجعفر » ـ احتمالا طبری ـ نقل کرده که منظور از بیدا همان بیدای مدینه است .(۱)

۵ . از ابن مسعود نقل شده که سپاه سفیانی در میان جَمّاوین خسف می شوند .(۲)

یاقوت گفته جَمّاوین دو رشته کوه کم ارتفاع در سمت راست رهگذری است که از مدینه عازم مکه معظمه باشد .

وی فاصله آن را از مدینه سه میل معرفی کرده است .(۳)

نگارنده گوید : در پرس و جویی که در ایام حج از اهالی مدینه کردیم ، آنها نیز بیدا را از نواحی مدینه معرفی کردند و تأکید کردند که اکنون نیز به نام بیدا معروف است ، سپس تابلوی بیدا را در مسیر مسجد شجره مشاهده کردیم .

روی این بیان سرزمین بیدا در نزدیکی مدینه و از نواحی آن به شمار می آید .

۹ . هویت سپاه بیدا

بر اساس روایات فراوان همه سپاه بیدا سپاه سفیانی نیستند ، بلکه شماری از آنها از روی اجبار با آنها همراهی نموده اند و برخی دیگر رهگذر می باشند .

۱- ۱ . سلمی ، عقد الدرر ، ص ۶۸ .

۲- ۲ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۵۷ ، ح ۹۴۸ .

۳- ۳ . یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۲ ، ص ۱۵۸ .

در مورد این افراد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد ، فرمودند :

همه آنها در آن سرزمین خسف می شوند ، ولی در روز رستاخیز هر کدام بر اساس اعتقاد درونی خود محشور می شود .(۱)

۱۰ . پیام خسف بیدا

در روایـات فراوان تصـریح شـده که خسف بیـدا در آسـتانه قیـام حضـرت بقیه اللّه ارواحنا فـداه تحقق می یابـد و از قیام قریب الوقوع آن حضـرت خبر می دهـد . از این رهگـذر برخی از محـدثان روایـات خسف بیـدا را در فصل حوادث متصل به خروج حضرت مهدی علیه السلام آورده اند .(۲)

در احادیث عامّه آمده است :

اِذَا خُسِفَ بِجَیْشِ الْبَیدَاءِ فَهُوَ عَلاَمَهُ خُرُوجِ الْمَهْدی ؛(۳)

هنگامی که سپاه سفیانی در سرزمین بیدا فرو روند ، آن نشانه خروج حضرت مهدی علیه السلام است .

برای خسف بیدا نیز نشانه هایی بیان شده که از آن جمله است :

۱ . رواج مشروبات الکلی

۲ . شیوع ساز و آواز

۳ . انحرافات جنسی

۱- ۱ . نعیم بن حمـاد ، الفتن ، ص ۲۵۶ ، ح ۹۴۴ ؛ سلمی ، عقد الدرر ، ص ۶۷ ، ۶۸ و۷۴ ؛ متقی هندی ، البرهان ، ص ۱۳۳ ، ح ۴۴ _ ۴۷ .

۲- ۲ . همان ، ص ۱۰۹ _ ۱۳۴ .

۳- ۳ . سید بن طاووس ، التشریف بالمنن ، ص ۱۶۱ ، ح ۲۱۰ .

۴ . رواج ربا

۵ . فراگیر شدن گناه .(۱)

به طوری که ملاحظه شد احادیث مربوط به سپاه سفیانی و فرورفتن آنها در سرزمین بیدا بسیار فراوان است و به اعتراف محدثان نزدیک به حد تواتر می باشد ،(۲) ولی ما به جهت محدود بودن صفحات کتاب به همین مقدار بسنده کردیم .

۱- ۱ . متقی هندی ، کنز العمّال ، ج ۱۴ ، ص ۲۷۶ _ ۲۸۲ ، ح ۳۸۷۱۴ _ ۳۸۷۳۶ .

۲- ۲ . همو ، البرهان ، ص ۱۱۲ .

قتل نفس زکیه

اشاره

پنجمین و آخرین نشانه از نشانه های حتمی ، قتل نفس زکیه در میان رکن و مقام است .

پیش از ورود به بحث به یک نکته اشاره می کنیم :

در لسان آیات و احادیث چهار تن به عنوان نفس زکیه شناخته شده اند :

۱ . نفس زکیه ، معاصر حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام مدتی کوتاه در محضر حضرت خضر علیه السلام بود و از محضر وی نکته ها آموخت .

حضرت خضر علیه السلام از پیامبران عظیم الشأن بود(۱) پیش از حضرت ابراهیم علیه السلام دیده به جهان گشوده(۲) هم اکنون در قید حیات است و بیش از ۶۰۰۰ سال از عمر شریفش می گذرد .(۳)

۱- ۱ . مستوفی ، تاریخ گزیده ، ص ۲۰ .
۲- ۲ . دیار بکری ، تاریخ الخمیس ، ج ۱ ، ص ۱۰۶ .
۳- ۳ . کامل سلیمان ، یوم الخلاص ، ص ۱۵۷ .

بر اساس روایات ، خداوند منان فقط از این جهت به او عمر طولانی عطا فرموده که در دوران غیبت امام عصر علیه السلام باورداران با طول عمر او به امکان طول عمر آن حضرت استناد کنند .(1)

حضرت موسی علیه السلام سفر پرمشقتی در پیش گرفته ، به محضر حضرت خضر علیه السلام رسیده ، از وی خواسته که او را به محضر خود بپذیرد و از معلومات ویژه خود به او نیز افاضه کند .

حضرت خضر اِشعار داشته که او ظرفیت این مسائل را ندارد ، سرانجام توافق نموده ، به سفر علمی تربیتی خود پرداخته ، سه مورد از رفتارهای حضرت خضر موجب اعجاب و حیرت حضرت موسی شده ، از جمله کشتن نوجوانی که در حال بازی با همسالان خود بود و از نظر حضرت موسی بی گناه بود .

حضرت موسی علیه السلام به حضرت خضر علیه السلام گفت :

« اَقَتَلْتَ نَفْسا زَكِيَّةً بِغيرِ نَفْس » ؛(2)

آیا انسان بی گناهی را کشتی که کسی را نکشته بود ؟

با توجه به مقام شامخ هر دو بزرگوار ، طبعا این جمله از روی اعتراض نبود ، بلکه به عنوان سؤال و به قصد فراگیری بود ، ولی فراز بعدی که گفت :

« لَقَدْ جِئْتَ شيئا نُكْرا » ؛(3)

۱- ۱ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۵۷ .

۲- ۲ . سوره کهف (۱۸) ، آیه ۷۴ .

۳- ۳ . سوره کهف (۱۸) ، آیه ۷۴ .

به راستی کار ناپسندی انجام دادی .

این جمله در پاسخ یک شرط محذوف است ، یعنی اگر واقعا بدون جهت او را کشته باشی ، کار بسیار ناپسندی را مرتکب شده ای .(۱)

حضرت خضر علیه السلام بر اساس وحی الهی می دانست که آن نوجوان شخصی فاسد و کافر بود(۲) و بیم آن می رفت که پدر و مادر با ایمانش را به کفر و طغیان بکشد .(۳)

حضرت موسی علیه السلام که از وضع خانوادگی و عقیدتی آن نوجوان مطلع نبود(۴) او را نفسِ زکیّه خواند .

نفسِ زکیّه به معنای شخص بی گناه است ، حضرت موسی او را بی گناه خواند ، زیرا ندیده بود که او گناه کند ، و یا او را کوچکتر از سنّ بلوغ و غیر مکلَّف می پنداشت .(۵)

به کسی که هرگز گناه نکند ، یا از گناه توبه کند ،(۶) و یا با تهذیب نفس و کسب فضایل خود را تزکیه کند ، زکیّه گفته می شود .(۷)

کسی که در این آیه شریفه از او نفسِ زکیّه تعبیر شده ، شخص با

۱- ۱ . سیدمرتضی ، تنزیه الأنبیاء ، ص ۱۲۰ .

۲- ۲ . ثعلبی ، الکشف و البیان ، ج ۶ ، ص ۱۸۴ ؛ طبری ، جامع البیان ، ج ۱۶ ، ص ۳ _ ۶ .

۳- ۳ . سوره کهف (۱۸) ، آیه ۸۰ .

۴- ۴ . حضرت موسی علیه السلام پیامبر اولوالعزم بود ، ولی خداوند برای مصالحی آنچه را که به حضرت خضر وحی کرده بود به او وحی نکرده بود ، چنانکه در آغاز خلقت انسان ، خداوند اسما را به حضرت آدم آموخت ، ولی به فرشته ها نیاموخت .

۵- ۵ . شیخ طوسی ، التبیان ، ج ۷ ، ص ۷۵ ؛ زمخشری ، الکشاف ، ج ۲ ، ص ۷۳۶ .

۶- ۶ . ثعلبی ، الکشف و البیان ، ج ۶ ، ص ۱۸۴ .

۷- ۷ . راغب ، المفردات ، ص ۲۱۳ .

ایمانی نبود ، بلکه کافر و تبهکار بود ،(۱) این تعبیر یا بر حسب پندار حضرت موسی و یا به معنای کسی که خونی بر گردنش نبوده تا مستحق قصاص شود به کار رفته است .(۲)

۲ . نفس زکیه ، معاصر امام صادق علیه السلام

مشهورترین مصداق نفس زکیه ، محمد بن عبداللّه بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام بود .

پدرش عبداللّه محض معروف بود .

عبداللّه محض فرزند حسنِ مثنی ، فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام بود .

مادرِ عبداللّه فاطمه دختر امام حسین علیه السلام بود .

محمد بن عبداللّه که در تاریخ به « نفس زکیه » شهرت یافته ، شخص عابد، فاضل ، موجّه و از هر جهت شایسته ای بود . ولی متأسّفانه همین شایستگی ها موجب شد که هم خودش هلاک شود و هم دیگران را به هلاکت بیندازد .

به دلایل خاصی ما در مورد اولاد ائمّه با احتیاط فراوان داوری می کنیم ، و لذا در مورد او نیز بسیار کوتاه و فشرده سخن می گوییم :

ابوالفرج اصفهانی به صراحت می نویسد : نفس زکیه از دوران کودکی خود را مهدی می خواند و به هنگام اظهار دعوت ، رسما روی منبر می گفت :

اِنَّکُمْ لاَتَشُکُّونَ أَنِّی أَنَا الْمَهْدی ، وَ أَنَا هُوَ ؛(۳)

۱- ۱ . بحرانی ، البرهان ، ج ۶ ، ص ۲۵۸ ، ح ۲۳ .

۲- ۲ . یعنی : معادلِ (بِغَیْرِ نَفْس) .

۳- ۳ . ابوالفرج اصفهانی ، مقاتل الطالبیّین ، ص ۲۰۳ .

شما شک و تردید ندارید در این که من مهدی هستم و من همان (مهدی موعود) هستم ! .

با کمال تأسف باید بگویم که پدرش عبداللّه نیز او را « مهدی » می پنداشت و با صراحت تمام می گفت :

قَدْ عَلِمْتُمْ اَنَّ ابنی هَذَا هُوَ الْمَهْدی ، فَهَلُمَّ فَلْنُبَایِعْهُ ؛(۱)

به راستی شما می دانید که این پسر من مهدی است ، پس بیایید که همگی با او بیعت کنیم ! .

روزی که در « أَبْوَا »(۲) برای بیعت با او گرد آمدند ، سفّاح و منصور نیز در آنجا حضور داشتند ، منصور برای تشویق حاضران گفت : چرا خود را گول می زنید ؟ همه گردن ها به سوی این جوان کشیده شده و احدی این مقبولیت را در میان همگان ندارد . آنگاه همه حاضران با او بیعت کردند .(۳)

امام جعفر صادق علیه السلام وارد شد ، همگان برخاستند ، احترام کردند ، عبداللّه آن حضرت را در کنار خود نشانید و به ایشان عرض کرد :

ما در اینجا گرد آمده ایم که با « مهدی » محمد بن عبداللّه

۱- ۱ . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۱۹۱ .
۲- ۲ . ابواء نام روستایی در نزدیکی « ودّان » میان راه مکه و مدینه است ، که در ۱۹ میلی سُقیا و ۲۷ میلی جُحفه می باشد ، قبر آمنه بنت وهب مادر گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آنجا قرار دارد که چند سال پیش توسط وهابیان با خاک یکسان گردید .
۳- ۳ . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۱۹۱ .

بیعت کنیم ! .

امام علیه السلام فرمود :

لاَتَفْعَلُوا ، فَاِنَّ هَذَا الاْمْرَ لَمْ یَأتِ بَعْدُ ، اِنْ کُنْتَ تَری اَنَّ إبْنَکَ هَذَا هُوَ الْمَهْدی ، فَلیسَ بِهِ ، وَ لاَ هَذَا أَوَانُهُ ؛(۱)

این کار را نکنید ، هنوز وقت این کار نرسیده ، اگر خیال می کنی که پسرت همان مهدی است ، نه او مهدی نیست و زمان آن نرسیده است .

منصور آن روز پیراهن زردی پوشیده بود ، امام علیه السلام او را به عبداللّه نشان داد و فرمود : او هر دو پسرت را خواهد کشت .

عبداللّه نصیحت امام را رد کرد ، امام علیه السلام فرمود :

این مقام به تو و فرزندانت نمی رسد ، بلکه به سفّاح سپس به منصور می رسد و این منصور پسرت را در أحجار الزیت می کشد و آن دیگری را در طفوف .(۲)

منصور دوانیقی پیش از آنکه به قدرت برسد ، هنگامی که از او نام می برد ، می گفت : مَهْدِیُّنَا اَهْلَ الْبیتِ ؛ مهدی ما خاندان (۳).

هر وقت دیدگان مبارک امام صادق علیه السلام بر نفس زکیه می افتاد دیدگانش پر از اشک می شد و می فرمود :

مردم در حقِّ او حرف هایی می زنند ، لکن او کشته می شود . ما نام او را در کتاب علی علیه السلام در میان خلفای امّت نیافتیم .

۱- ۱ . شیخ مفید ، همان ؛ ابوالفرج ، مقاتل الطالبیّین ، ص ۱۷۸ ، ۲۱۵ .
۲- ۲ . ابوالفرج ، همان . ۲ . همان ، ص ۲۰۳ .
۳- ۳ . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۱۹۳ .

هنگامی که بنی العباس به قـدرت رسـیدند ، سـفاح و منصور تلاش فراوان کردنـد که محمد و ابراهیم را دسـتگیر کرده به قتل برسانند ، زیرا هر دو با او بیعت کرده بودند .(۱)

منصور به صاحب منصب های خود دسـتور می داد که به محمد بن عبداللّه نامه بنویسند ، او را به خروج دعوت کنند و خود را از طرفـداران او وانمـود کننـد . و لـذا او خیـال می کرد اگر روزی بـا منصور مواجه شود همه درجه داران منصور به او خواهند پیوست .(۲)

سرانجام مسأله آنقدر بالا گرفت که امر بر خود نفس زکیه مشتبه شد و شخصا از امام صادق علیه السلام بیعت خواست !(۳)

هنگامی که امام صادق علیه السلام از بیعت امتناع کرد ، دستور داد که امام را به زندان ببرند و بر او سخت بگیرند !

دو ماه تمام امام در زندان به سر برد و کلیه اموالش به فرمانِ نفسِ زکیّه مصادره گردید .(۴)

منصور پسـرعمویش عیسـی بن موسی را برای نبرد با محمد فرستاد ، سرانجام روز دوشنبه ۱۴ رمضان ۱۴۵ ه . در احجار الزیت کشته شد .(۵)

از مالک بن انس اجازه خواستند که با محمد بن عبداللّه خروج کنند ، اجازه داد ، گفتند : بیعت منصور بر گردن ما می باشد ، گفت : شما از روی

۱- ۱ . ابوالفرج ، مقاتل الطالبیّین ، ص ۱۹۸ .
۲- ۲ . ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۹ ، ص ۲۲ .
۳- ۳ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۶۲ ، ح ۱۷ .
۴- ۴ . همان ، ص ۳۶۳ .
۵- ۵ . ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۹ ، ص ۳۱ ؛ طبری ، التاریخ ، ج ۶ ، ص ۵۲۳ .

اجبار با او بیعت کرده اید ، کسی که مجبور شده ، بیعتی بر او نمی باشد ، پس همگان با او خروج کردند .(۱)

والی مدینه جعفر بن سلیمان ، فقیه مدینه محمد بن عجلان را دستگیر کرد و دستور داد که دستش را ببرند ، حاضرین گفتند : او فقیه مدینه است ، امر بر او مشتبه شده ، او واقعا خیال می کرد که محمد بن عبداللّه همان مهدی موعود است ، پس والی از وی درگذشت .(۲)

وی همچنین عبداللّه بن جعفر بن عبدالرحمن بن مسور را جلب کرد و نکوهش کرد ، عبداللّه گفت : من هنگامی که با محمد بن عبداللّه خروج کردم هیچ تردیدی نداشتم که او همان مهدی موعود است .(۳)

عثمان بن خالد زبیری را منصور احضار کرد و او را به شدت توبیخ کرد ، وی گفت : من و شما در مکه با یک نفر بیعت کردیم ، من به بیعت خود وفا کردم ولی تو بیعت خود را شکستی . منصور دستور داد که گردنش را بزنند .(۴)

چند نکته

در پایان این مقال مناسب است که به چند نکته اشاره کنیم :

۱ . پیروان نفس زکیه برای اثبات مهدویت وی حدیثی جعل کرده

۱- ۱ . ذهبی ، همان ، ص ۲۳ ؛ سیوطی ، تاریخ الخلفاء ، ص ۲۶۱ .

۲- ۲ . ابوالفرج اصفهانی ، مقاتل الطالبیین ، ص ۲۴۲ .

۳- ۳ . همان ، ص ۲۴۳ .

۴- ۴ . طبری ، التاریخ ، ج ۶ ، ص ۵۳۳ ؛ ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۹ ، ص ۳۲ .

به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت دادند که در مورد نسب حضرت و نام وی فرموده است :

لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنیا اِلَّا یَوْمٌ ، لَطَوَّلَ اللّه ُذَلِکَ الیَوْمَ حَتَّی یَبْعَثَ فیهِ رَجُلٌ مِنِّی اَوْ مِنْ اَهْلِ بیتِی یُوَاطِی ءُ اِسْمُهُ اِسْمی وَ اسْمُ اَبیهِ اِسْمُ اَبی ؛(1)

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نباشد ، خداوند آن روز را به قدری طولانی نماید که مردی از من از اهل بیت من در آن روز برانگیخته شود که نامش مطابق نام من و نام پدرش مطابق نام پدر من می باشد .

محدثان و صاحبان مجامع حدیثی چون احمد حنبل ، ابن ماجه و دیگران این حدیث را با اسناد معتبر و قابل استناد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند ، که در آنها جمله « اِسْمُ اَبیهِ اِسْمُ اَبی » وجود ندارد .

پیروان نفس زکیه با جعل این فراز و افزودن آن به ذیل یک حدیث معتبر خواستند مهدویت او را استوار سازند ، جز اینکه ایشان کشته شد و از این ادعای مهدویت طرفی نبست .(2)

احمد حنبل در مسند خود این حدیث را با سه طریق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر سه با جمله : « یُوَاطِی ءُ اِسْمُهُ اِسْمی » ختم شده

۱- ۱ . ابوداود ، صحیح سنن المصطفی ، ج ۲ ، ص ۲۰۷ ، کتاب المهدی .
۲- ۲ . ولی گروهی از جارودیه معتقد هستند که « محمد بن عبداللّه » که در مدینه قیام کرد ، نمرده و زنده است و هرگز نمی میرد تا جهان را پر از عدل و داد نماید (ذهبی ، تاریخ الاسلام ، ج ۹ ، ص ۲۷۲) .

و جمله : « وَ اِسْمُ اَبیهِ اِسْمُ اَبی » را ندارد .(۱)

طبرانی این حدیث را از چهارده طریق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که با « یُوَاطی ءُ اِسْمُهُ اِسْمی » ختم شده و جلمه « وَ اِسْمُ اَبیهِ اِسْمُ اَبی » را ندارد .(۲)

و در موردی که این اضافه را دارد ، تصریح کرده که حدیث مرفوعه است ، یعنی عبداللّه بن مسعود آن را از پیامبر نشنیده ، بلکه از شخص دیگری شنیده و اسم او را ذکر نکرده است .(۳)

۲ . پس از نفس زکیه ، منصور دوانیقی بیشترین سوء استفاده را از این حدیث مجعول نمود ، پسرش را « محمّد » نام نهاد و به « مهدی » ملقب نمود .

با توجه به اینکه نام منصور « عبداللّه » بود ، این حدیث مجعول کاملًا با او منطبق شد و از دوران کودکی او را مهدی لقب داد . و در برابر صدها حدیثی که به صراحت حضرت مهدی علیه السلام را از نسل فاطمه علیهاالسلام ، از تبار امیرمؤمنان علیه السلام و از صلب امام حسین علیه السلام معرفی نموده ، حدیثی جعل کرد و به پیامبر نسبت داد که :

اَلْمَهْدی مِنْ وُلْدِ الْعَبَّاسِ عَمّی ؛

مهدی از تبار عمویم عباس می باشد !! .

۱- ۱ . احمد حنبل ، المسند ، چ دارالفکر ، بیروت ، ج ۲ ، ص ۱۰ ، ح ۳۵۷۱ ؛ ص ۱۱ ، ح ۳۵۷۲ ؛ ص ۱۲۳ ، ح ۴۰۹۸ .

۲- ۲ . طبرانی ، المعجم الکبیر ، ج ۱۰ ، ص ۱۳۱ _ ۱۳۷ ، ح ۱۰۲۰۸ _ ۱۰۲۳۰ .

۳- ۳ . همان ، ص ۱۳۳ ، ح ۱۰۲۱۳ .

سیوطی پس از نقل آن می نویسد :

این حدیث را منحصرا « محمد بن ولید » نقل کرده و کار او جعل حدیث بود .(1)

۳ . محمـد بن عبـداللّه از آغاز تولد زبانش می گرفت(2) بر فراز منبر نیز گـاهی زبـانش می گرفت ، با دست خود بر سـینه اش می زد تا گفتارش را ادا کند ،(3) از این رهگذر حدیثی جعل کرده به ابوهریره نسبت دادند که گفت :

اِنَّ الْمَهْدی اِسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللّه ِ ، فی لِسَانِهِ رُتَّهٌ ؛(4)

نام مهدی محمّد بن عبداللّه است و در زبانش عیبی هست .

ابن منظور گوید : « رُتَّه » عبارت است از :

۱ . شتاب در گفتار

۲ . بی تأمل سخن گفتن

۳ . لام را یاء تلفظ کردن

۴ . حرف را معیوب ادا کردن

۵ . حرف را به صورت زشت تکرار کردن

۶ . نامفهوم حرف زدن

۷ . غیرفصیحانه سخن گفتن .(5)

۱- ۱ . سیوطی ، تاریخ الخلفاء ، ص ۲۷۲ .

۲- ۲ . ابوالفرج اصفهانی ، مقاتل الطالبیّین ، ص ۲۰۴ .

۳- ۳ . همان ، ص ۲۰۵ .

۴- ۴ . همان .

۵- ۵ . ابن منظور ، لسان العرب ، ج ۵ ، ص ۱۲۹ .

بسیار جای شگفت است که برای تقویت مهدویتِ او برای مهدی آل محمد نسبت ناروا داده ، او را معیوب و عاجز در سخن معرفی می کنند ، در حالی که باید امام از همه فصیح تر ، بلیغتر ، تواناتر و در ادای مقصود توانمندتر باشد .

۴ . برای استوار نمودن مهدویت او گفتند که او به هنگام ولادت خال سیاهی در میان دو شانه اش به شکل یک تخم مرغ بزرگ داشت ! .(۱)

آنچه مسلم است رسول اکرم صلی الله علیه و آله در میان دو شانه اش مهر نبوت داشت و براساس برخی از روایات در میان دو شانه امام کاظم و امام جواد علیهماالسلام نیز مهری همانند مهر نبوّت بود .(۲)

ولی پیروان نفس زکیه به این مقدار بسنده نکردند و به صراحت گفتند : اگر قرار بود بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیامبر دیگری برانگیخته شود ، بی گمان محمد بن عبداللّه بن الحسن برانگیخته می شد ! .(۳)

بر اساس همین تفکر غلط بود که عیسی بن زید به امام صادق علیه السلام گفت : « اَسْلِمْ تَسْلَمْ » ؛ « اسلام بیاور تا سالم بمانی ! »

امام صادق علیه السلام فرمود :

اَحَدَثَتْ نُبُوَّةٌ بَعْدَ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله ؟ ؛

آیا بعد از پیامبر خاتم پیامبر دیگری مبعوث شده ؟

۱- ۱ . ابوالفرج اصفهانی ، مقاتل الطالبیّین ، ص ۲۰۲ و ۲۰۵ .
۲- ۲ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۲۱ ، ح ۸ .
۳- ۳ . ابوالفرج اصفهانی ، مقاتل الطالبیّین ، ص ۲۱۳ .

محمد بن عبداللّه گفت : نه ، ولکن بیعت کن تا جان و مال و فرزندانت سالم بمانند .(۱)

۵ . در همین راستا از زبان فاطمه دخت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کردند که گفته است : پدرم امیرمؤمنان به ما فرمود : کوچکترین فرزند من مهدی را درک خواهد نمود و من کوچکترین فرزند او هستم . پدرم برای مهدی نشانه هایی ذکر کرده که جز در تو نمی بینم ! !(۲)

در صدها روایت تاکید شده که حضرت مهدی نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است ، از همه آنها صرف نظر نموده به یک حدیث مجعول استناد کردند .

۶ . آنگاه از زبان فاطمه دخت امام علی علیه السلام روایت کردند که روزی به نزد محمد بن عبداللّه آمده ، در حضور جمع زنبیل سر به مُهری در آورد و به محمد داد و گفت :

این زنبیل را برادرم امام حسین علیه السلام با مهر خود مهر کرد و به من داد و امر کرد آن را به این پسر بدهم !(۳)

شبیه این مطالب را از مادربزرگش فاطمه بنت الحسین علیه السلام نیز نقل کردند .(۴)

آنقدر از این سخنان پوچ و بیهوده در میان طرفداران وی نقل کردند

۱- ۱ . کلینی ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۶۲ ، ح ۱۷ .
۲- ۲ . ابوالفرج اصفهانی ، مقاتل الطالبیّین ، ص ۲۰۴ .
۳- ۳ . همان .
۴- ۴ . همان ، ص ۲۰۱ .

که غالب آنها به مهدویت او گرویدند و تردیدی نداشتند که او همان مهدی موعود است !(۱)

۷ . سوکمندانه باید گفت : پدرش عبداللّه آنقدر از مهدویت پسرش سخن گفته بود که خود نیز باور کرده بود و لذا هنگامی که وی در زندان بود ، پسرش محمد به او پیغام داد : اگر یک نفر از فرزندان پیامبر کشته شود بهتر است از آنکه بیش از ده نفر کشته شوند . او در پاسخ گفت : « خدا محمد را حفظ کند ، به او بگو : راهی پیش گیر که برای خداوند فردای قیامت بگویی : ما را آفریدی و در میان ما کسی بود که این امر را دنبال کند » .(۲)

۸ . هنگامی که محمد و برادرش ابراهیم از پدر خود اجازه خروج خواستند ، او در پاسخ گفت : شتاب نکنید تا زمام امور را به دست بگیرید ، سپس گفت :

اگر منصور شما را نگذارد که کریمانه زندگی کنید ، هرگز نمیتواند مانع شود از اینکه کریمانه جان بسپارید .(۳)

۹ . پیروان وی احادیث مربوط به نفس زکیه را به او تفسیر کرده او را در تاریخ به عنوان نفس زکیه مشهور کردند و روایت کردند که :

اَلنَّفْسُ الزَّکِیَّهُ مِنْ وُلْدِ الْحَسَن ؛

نفس زکیه از اولاد امام حسن علیه السلام می باشد .(۴)

۱- ۱ . همان ، ۱۹۸ .

۲- ۲ . همان ، ص ۱۸۵ .

۳- ۳ . همان ، ص ۱۹۰ .

۴- ۴ . همان ، ص ۲۰۹ .

۱۰ . آنگاه از خود محمد بن عبداللّه نقل کردند که در کنار أحجار زیت گفت : نفس زکیه همینجا کشته می شود !(۱)

۱۱ . آنگاه از خواهرش زینب روایت کرده انـد که محمـد به من گفت : اگر امروز ظهر فرا رسد و باران ببارد بدانکه من امروز کشـته می شود ، پس تنورها را روشن کنیـد و نامه ها را مهیا سازیـد ، هنگامی که من کشـته شـدم ، آنها را در تنور بیندازیـد . منظورش نامه های بیعت بود که از اقطار و اکناف به او رسیده بود .(۲)

ابن ابی الحدیـد در ادامه می نویسـد : نشـان قتـل نفس زکیه در میـان آنهـا این بود که در مـدینه خونی روان گردد که به خانه عـاتکه وارد شود . آنهـا در شـگفت بودنـد که چگونه ممکن است خون به قـدری روان شود که به خـانه هـا وارد شود ، چون باران بارید در اثر بارشْ خون وارد خانه عاتکه شد .(۳)

۱۲ . از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود :

چگونه می شود حال شما هنگامی که احجار زیت در میان خون ها غرق شود ؟(۴)

۱۳ . احجار زیت در مدینه نام دو محل بود :

۱ . در نزدیکی زَوْرَاء که پیامبر اکرم آنجا نماز باران می خواند .

۱- ۱ . همان .
۲- ۲ . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۳ ، ص ۳۰۷ .
۳- ۳ . همان ، ۳۰۸ .
۴- ۴ . ابن شبه ، تاریخ المدینه المنوره ، ج ۱ ، ص ۳۰۷ .

۲ . در منطقه حرَّه ، که حادثه حرّه آنجا رخ داد .(۱)

۱۴ . احجار زیت سنگ هایی بود که زیتون فروش ها مشک های خود را بر فراز آنها می گذاشتند .

۱۵ . زَوْرَاء نام محلی در نزدیکی بازار مدینه ، یا همان باز مدینه می باشد .(۲)

۱۶ . از ابوهریره روایت کرده اند که گفت :

در مدینه حادثه ای رخ می دهد که احجار زیت در آن غرق می شود ، که فاجعه حرّه در برابر آن جز یک تازیانه به شمار نمی آید .(۳)

دو بار احجار زیت با خون آغشته شد :

۱ . در فاجعه حَرَّه که در سال ۶۲ ه . توسط یزید انجام گرفت .

۲ . به هنگام کشته شدن نفس زکیه ، در سال ۱۴۵ ه .(۴)

این بود کوتاه سخن پیرامون نفس زکیه معاصر امام صادق علیه السلام .

۳ . نفس زکیه ، در آستانه ظهور

مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه ای که به خطبه اَلْمَخْزُون معروف

۱- ۱ . سمهودی ، وفاء الوفاء ، ج ۴ ، ص ۱۱۲۲ .
۲- ۲ . یاقوت ، معجم البلدان ، ج ۳ ، ص ۱۵۶ .
۳- ۳ . سیوطی ، الحاوی للفتاوی ، ج ۲ ، ص ۶۷ .
۴- ۴ . سمهودی ، وفاء الوفاء ، ج ۴ ، ص ۱۱۲۲ .

است ، در میان نشانه هایی که در آستانه ظهور رخ می دهد می فرماید :

وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّهِ بِظَهْرِ الْكُوفَهِ فی سَبْعِينَ ؛(۱)

کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه با هفتاد نفر .

شیخ مفید روایات وارده در مورد نشانه های قیام حضرت مهدی علیه السلام را در یک جمع بندی به شمارش درآورده ، در میان آنها از نفس زکیه یاد کرده می فرماید :

وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّهِ بِظَهْرِ الْكُوفَهِ فی سَبْعِينَ مِنَ الصَّالِحينَ ؛(۲)

کشته شدن نفس زکیّه با هفتاد تن از صالحان در پشت کوفه .

و این سومین نفس زکیه است که همراه با هفتاد تن از صالحان در آستانه ظهور حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در نجف اشرف کشته می شود ، و اینک چهارمین نفس زکیه :

۴ . نفس زکیه ، از نشانه های حتمی

آخرین نشانه از نشانه های حتمی کشته شدن نفس زکیه در آستانه قیام جهانی حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در میان رکن و مقام به هنگام

۱- ۱ . حلی ، مختصر بصائر الدرجات ، ص ۴۴۳ ، ح ۵۲۲ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۳ ، ص ۸۲ ، ح ۸۶؛ ج ۵۲ ، ص ۲۷۳ ، ح ۱۶۷ .

۲- ۲ . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۳۶۸ ؛ ابن فتّیال ، روضه الواعظین ، ج ۲ ، ص ۱۵ ؛ اربلی ، کشف الغمّه ، ج ۳ ، ص ۲۴۷ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۲۰ ، ح ۸۲ .

قرائت پیام امام علیه السلام می باشد .

سه مورد از افرادی که به عنوان نفس زکیه شهرت یافته اند و ما در این بخش از آنها سخن گفتیم ، نفس زکیه معهود نمی باشند ، زیرا :

۱ . نفس زکیه معاصر حضرت خضر علیه السلام در حدود ۵۰۰۰ سال پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام کشته شده .

۲ . نفس زکیه معاصر امام صادق علیه السلام نیز ۱۱۰ سال پیش از تولد آن حضرت کشته شده است .

۳ . نفس زکیه ای که با ۷۰ تن از صالحان در آستانه ظهور کشته می شود در نجف اشرف کشته می شود ، ولی نفس زکیه موعود در مکه معظمه ، در داخل مسجد الحرام ، در میان رکن و مقام کشته می شود .

و لذا مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه « مخزون » می فرماید :

وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّهِ بِظَهْرِ الْكُوفَهِ فی سَبْعِينَ ، وَ الْمَذْبُوحُ بينَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ؛(۱)

کشت شدن نفس زکیه با ۷۰ تن در پشت کوفه و آنکه در میان رکن و مقام ذبح می شود .

شیخ مفید نیز از مولایش الهام گرفته هر دو را در کنار هم یاد کرده می نویسد :

کشته شدن نفس زکیه با ۷۰ تن از صالحان در پشت کوفه ، و آنکه در میان رکن و مقام ذبح می گردد .(۲)

۱- ۱ . حلی ، مختصر البصائر ، ص ۴۴۳ .

۲- ۲ . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۳۶۸ .

در بخش آغازین این کتاب حدیثی را با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کردیم که پنج چیز پیش از قیام قائم علیه السلام از نشانه های حتمی است(۱) آنگاه سند آن را بررسی کرده صحّت و اصالت آن را اثبات نمودیم .

پنجمین و آخرین نشانه از نشانه های حتمی قتل نفس زکیه است .

ویژگی های نفس زکیه

ویژگی های نفس زکیه ای که از نشانه های حتمی است ، در روایات معصومین علیهم السلام به شرح زیر آمده است :

۱ . امام صادق علیه السلام در یک حدیث طولانی شماری از نشانه های ظهور را بر می شمارد ، آنگاه در ضمن نشانه های حتمی می فرماید :

وَ قَتْلُ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله بینَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ، اِسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّد ، وَ لَقَبُهُ النَّفْسُ الزَّكِيَّهُ ؛(۲)

کشته شدن جوانی از آل محمّد صلی الله علیه و آله در میان رکن و مقام ، که نامش : محمد فرزند محمد ، و لقبش : « نفس زکیّه » می باشد .

این حدیث را فضل بن شاذان با دو واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده ، که هر دو مورد اعتماد و استناد هستند :

۱- ۱ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۰ ، ب ۵۷ ، ح ۷ .

۲- ۲ . فضل بن شاذان ، اثبات الرجعه (مخطوط) ؛ « مختصر اثبات الرجعه » تراثنا ، ۱۵ ، ص ۲۱۷ ، ح ۱۸ ؛ میرلوحی ، کفایه المهتدی ، ص ۲۸۰ ؛ خاتون آبادی ، کشف الحق ، ص ۱۸۲ ، ح ۳۰ .

۱ . صفوان بن یحیی

پیشتاز رجالیون او را به عنوان : ثقهٌ ، ثقهٌ ، عینٌ ، ستوده است .(۱)

شیخ طوسی او را از اصحاب امام کاظم علیه السلام و وکیل امام رضا علیه السلام معرفی کرده ، بر وثاقتش تصریح کرده ،(۲) آنگاه از امام جواد علیه السلام روایت کرده که فرمود :

خداوند از صفوان بن یحیی و محمد بن سنان راضی باشد ، که من از آنها راضی هستم ، آنها هرگز مرا نافرمانی نکردند .(۳)

۲ . محمد بن حمران

نجاشی بر وثاقت او نیز تصریح کرده است .(۴)

روی این بیان حدیث یاد شده از بالاترین رتبه اصالت و صحّت برخوردار است . بر اساس این روایتِ صحیح ، آن نفس زکیّه که در میان رکن و مقام کشته می شود ، از تبار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد ، نامش محمد ، نام پدرش نیز محمد و لقبش نفس زکیه می باشد .

۲ . حدیث دیگری به این مضمون از امام باقر علیه السلام روایت شده ، که در مورد ویژگی های نفس زکیه دقیقا با روایت فوق منطبق است ، جز اینکه نام پدرش به جای محمد ، در آن « حسن » آمده است .(۵)

۱- ۱ . نجاشی ، الرجال ، ص ۱۹۷ ، رقم ۵۲۴ .

۲- ۲ . شیخ طوسی ، الرجال ، ص ۳۵۲ .

۳- ۳ . همو ، اختیار معرفه الرجال ، ص ۵۰۲ ، رقم ۹۶۳ .

۴- ۴ . نجاشی ، الرّجال ، ص ۳۵۹ ، رقم ۹۶۵ .

۵- ۵ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۳۳۱ ، ب ۳۲ ، ح ۱۶ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۹۲ ؛ اربلی ، کشف الغمّه ، ج ۳ ، ص ۳۲۴ .

در منابع عامه نیز این حدیث از امام باقر علیه السلام روایت شده ، جز اینکه در مورد نفس زکیه به : قتل جوانی از آل محمد در میان رکن و مقام بسنده شده است .(۱)

۳ . شیخ مفید از طریق فضل بن شاذان از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود :

وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّهِ مِنَ الْمَحْتُومِ ؛(۲)

قتل نفس زکیه نیز از نشانه های حتمی است .

شیخ صدوق و شیخ طوسی همین تعبیر را از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند .(۳)

۴ . در یک حدیث بسیار طولانی امام باقر علیه السلام فرمود :

مَا اَشْكَلَ عَليكُمْ فَلَمْ يُشْكِلْ عَليكُمْ عَهْدُ نَبِيّ اللّه صلی الله علیه و آله وَرَايَتُهُ ، وَ سِلَاحُهُ ، وَ النَّفْسُ الزَّكِيَّهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسينِ علیه السلام ؛(۴)

اگر هر چیزی بر شما مشتبه شود ، هرگز پیمان پیامبر ، پرچم

۱- ۱ . ابن صباغ مالکی ، الفصول المهمّه ، ص ۳۰۳ .

۲- ۲ . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۳۷۱ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۷۹ ؛ نعمانی ، الغیبه ، ص ۲۵۷ ، ب ۱۴ ، ح ۱۵ .

۳- ۳ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۲ ، ب ۵۷ ، ح ۱۴ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۳۵ ، ح ۴۲۵ ؛ شیخ حرّ ، اثبات الهداه ، ج ۳ ، ص ۷۲۲ ، ب ۳۴ ، ح ۳۱ .

۴- ۴ . عیاشی ، التفسیر ، ج ۱ ، ص ۱۶۴ ، ح ۲۲۲ ؛ بحرانی ، البرهان ، ج ۲ ، ص ۲۶ ، ح ۶۹۴ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۲۳ .

پیامبر ، سلاح پیامبر و نفس زکیه از اولاد امام حسین علیه السلام هرگز بر شما مشتبه نمی شود .

بر این اساس نسب نفس زکیه به امام حسین علیه السلام می رسد و آنچه ابوالفرج اصفهانی نقل کرده که « نفس زکیه از اولاد امام حسن می باشد » از سوی پیروان نفس زکیه (محمد بن عبداللّه حسن) جعل شده است .(۱)

۵ . امیرمؤمنان صلوات اللّه علیه در مورد نفس زکیه می فرماید :

قَتْلُ نَفْسٍ حَرَامٍ ، فی یَوْمٍ حَرَامٍ ، فی بَلَدٍ حَرَامٍ ، عَنْ قَوْمٍ قُریشٍ ، وَ الَّذِی فَلَقَ الْحَبَّهَ وَ بَرَأَ النَّسَمَهَ ، مَالَهُمْ مُلْکٌ بَعْدَهُ غیرَ خَمْسَ عَشْرَهَ لیلَه ؛(۲)

ریختن خون حرام ، در روز حرام ، در شهر حرام ، از تیره ای از قریش ؛ به خداوندی که دانه را شکافت و انسان را آفرید ، سوگند ؛ که پس از آن بیش از ۱۵ روز حکومت نخواهند کرد .

منظور از خون حرام ؛ انسان بی گناه ، روز حرام ؛ ماه ذیحجه ، شهر حرام ؛ مکه معظّمه می باشد .

۶ . امام صادق علیه السلام در این رابطه خطاب به منصور فرمود :

فَلاَ تَزَالُونَ فی مُهْلَهٍ مِنْ اَمْرِکُمْ وَ فُسْحَهٍ مِنْ دُنیاکُمْ ، حَتَّی تُصیبُوا مِنَّا دَما حَرَاما فی شَهْرٍ حَرَامٍ فی بَلَدٍ حَرَامٍ ؛(۳)

۱- ۱ . ابوالفرج اصفهانی ، مقاتل الطالبیّین ، ص ۲۰۹ .

۲- ۲ . نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۸ ، ب ۱۴ ، ح ۱۷ ؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲ ، ص ۲۳۴، ح ۱۰۰.

۳- ۳ . حائری یزدی ، الزام الناصب ، ج ۲ ، ص ۱۵۲ .

شما از نظر دنیا و حکومت در مهلت و فراخی هستید ، تا روزی که خون حرامی را از ما در ماه حرام و در شهر حرام بریزید .

۷ . امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث دیگری فرمود :

وَ لَهُمْ فی الاَرْضِ اَجَلٌ حَتَّی یُهْرِیقُوا الدَّمَ الْحَرَامَ فی الشَّهْرِ الْحَرَامِ ، وَ اللّه ِ لَکَأَنِی اَنْظُرُ اِلی غِرْنَوقٍ مِنْ قُرِیشٍ یَتَخَبَّطُ فی دَمِهِ ، فَاِذَا فَعَلُوا ذَلِکَ لَمْ یَبْقَ لَهُمْ فی الاَرْضِ عَاذِرٌ وَ لَمْ یَبْقَ لَهُمْ مُلْکٌ عَلی وَجْهِ الاَرْضِ ؛(۱)

برای آنها در جهان مهلتی است تا هنگامی که خون حرامی در ماه حرام بریزند ، به خدا سوگند گویی به نوجوانی از قریش می نگرم که در خون خود دست و پا می زند ، پس از این جنایت ، دیگر در روی زمین کسی از آنها عذری نپذیرد و برای آنها حکومتی در جهان نباشد .

۸ . امام باقر علیه السلام در این رابطه فرمود :

لیسَ بینَ قِیَامِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّکِیَّهِ اَکْثَرُ مِنْ خَمْسَهَ عَشْرَهَ لیلَهً ؛(۲)

۱- ۱ . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، ج ۱۹ ، ص ۱۳۱ .

۲- ۲ . شیخ صدوق ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۴۹ ، ب ۵۷ ، ح ۲ ؛ شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۳۷۴ ؛ شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۴۵ ، ح ۴۴۰ ؛ طبرسی ، اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۸۱ .

بین قتل نفس زکیه و قیام حضرت قائم علیه السلام جز ۱۵ شب فاصله نیست .

۹ . امام باقر علیه السلام می فرماید : قائم علیه السلام به یکی از یارانش می فرماید : برو به سوی اهل مکه و بگو : ای اهل مکه من فرستاده فلانی هستم ، او به شما می گوید :

إنَّا أهلُ بَیتِ الرَّحْمَهِ ، وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَهِ وَ الْخِلاَفَهِ ، وَ نَحْنُ ذُرِیَّهُ مُحَمَّدٍ وَ سُلاَلَهُ النَّبِینَ ، وَ اِنَّا قَدْ ظُلِمْنَا وَ اضْطُهِدْنَا وَ قُهِرْنَا وَ ابْتُزَّ مَنَّا حَقُّنَا مُنْذُ قُبِضَ نَبِیُّنَا اِلی یَوْمِنَا هذَا ، فَنَحنُ نَسْتَنْصِرُکُمْ فَانْصُرُونا ؛

ما اهل بیت رحمت ، معدن رسالت و خلافت ، ذریه پیامبر و از تبار پیامبرانیم ، به ما ستم رفته ، ما پایمال و منکوب شدیم ، از روزی که پیامبرمان رحلت کرده تا به امروز حق ما از ما گرفته شده ، ما از شما یاری می طلبیم ، ما را یاری کنید .

هنگامی که آن جوان این پیام را ابلاغ می کند ، به سویش می شتابند و او را در میان رکن و مقام سر می برند ، او نفسِ زکیه است .(۱)

۱۰ . سلمان فارسی سه روز بعد از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطبه مفصّلی ایراد کرده ، در پایان به نشانه های ظهور پرداخته ، پس از تشریح جنایات سفیانی ، از نفس زکیه سخن گفته می فرماید :

اَمَا اِنِّی سَأُحَدِّثُکُمْ بِالنَّفْسِ الطَّیبَهِ الزَّکِیَّهِ وَ تَضْریجِ دَمِهِ بینَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ ، اَلْمَذْبُوحِ ، کَذِبْحِ الْکَبْشِ ؛(۲)

۱- ۱ . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۰۷ .

۲- ۲ . حائری یزدی ، الزام الناصب ، ج ۲ ، ص ۱۶۵ .

به شما خبر می دهم از نفس زکیه طیبه ، و آغشته شدنش به خون خود در میان رکن و مقام ، که او را همانند قوچ سر می برند .

۱۱ . عماریاسر نیز در این رابطه فرمود :

فَعِنْدَ ذَلِکَ تُقْتَلُ النَّفْسُ الزَّکِیَّهُ وَ اَخُوهُ بِمَکَّهَ ضَیعَهً ؛(۱)

در آن هنگام نفس زکیه و برادرش را در مکه به تباهی می کشند .

سیوطی آن را « صَنِیعَهً » نقل کرده، یعنی او را با توطئه و دسیسه می کشند.(۲)

۱۲ . شیخ طوسی با سلسله اسنادش از ابراهیم جریری نقل کرده که گفت :

نفس زکیه جوانی از آل محمّد صلی الله علیه و آله می باشد که نامش محمد بن الحسن است و بدون جرم و گناه کشته می شود ، چون او را کشتند ، دیگر کسی از آسمانی ها عذر آنها را نمی پذیرد و احدی از زمینی ها از آنها حمایت نمی کند .(۳)

۱۳ . ابن ابی شبیه از طریق مجاهد ، از یکی از اصحاب نقل کرده که گفت :

۱- ۱ . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۶۴ ، ح ۴۷۹ ؛ ابن حماد ، الفتن ، ص ۲۶۶ ، ح ۹۸۹ ؛ سید بن طاووس ، التشریف بالمنن ، ص ۱۳۲ ، ب ۱۲۱ ، ح ۱۴۶ ؛ متقی هندی ، البرهان ، ص ۱۱۲ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۲۰۸ ، ح ۴۵ .

۲- ۲ . سیوطی ، الحاوی للفتاوی ، ج ۲ ، ص ۷۲ .

۳- ۳ . شیخ طوسی ، الغیبه ، ص ۴۶۴ ، ح ۴۸۰ ؛ علامه مجلسی ، بحارالانوار، ج ۵۲ ، ص ۲۱۷ ، ح ۷۸ .

حضرت مهدی خارج نشود جز هنگامی که نفس زکیه کشته شود ، چون او کشته شود ساکنان زمین و آسمان بر آنها خشمگین شوند .(۱)

۱۴ . مقدسی شافعی نشانه های ظهور را بر شمرده ، در پایان می نویسد :

آخرین نشانه ، قتل نفس زکیه است ، در آن هنگام حضرت مهدی ، صاحب سیره شایسته ظهور می کند .(۲)

۱۵ . وی از عبداللّه بن بشّار نقل کرده که گفت :

نفس زکیه از اهل بیت است و به هنگام کشته شدنِ او حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند .(۳)

۱۶ . آنگاه سوکنامه مفصلی از عبداللّه بن بشار پیرامون شهدای اهل بیت نقل کرده ، که در پایان می گوید :

وَ آخَرُ عِنْدَ الْبیتِ یُقْتَلُ ضَیعَهً یَقُومُ فَیدْعُو لِلْاِمَامِ فَیُنْحَرُ(۴)

یعنی : یکی دیگر در کنار کعبه کشته می شود و تباه می گردد ، او بر می خیزد و مردم را به سوی امام فرا می خواند ، پس کشته می شود .

همو گوید :

وَ فی قَتْلِ نَفْسٍ بَعْدَ ذَاکَ زَکِیَّهٍ اَمَارَاتُ حَقٍّ عِنْدَ مَنْ یَتَذَکَّرُ(۵)

آنگاه در کشته شدن نفسی پاک نشانه های حق است برای کسی که متذکّر شود .

۱- ۱ . متقی هندی ، البرهان ، ص ۱۱۲ ؛ ابن ابی شیبه ، المصنَّف ، ج ۸ ، ص ۶۷۹ ، ح ۱۹۹ .

۲- ۲ . مقدسی ، عقد الدرر ، ص ۱۱۶ .

۳- ۳ . همان ، ص ۱۱۹ .

۴- ۴ . همان ، ص ۱۲۰ .

۵- ۵ . همان ، ص ۱۱۹ .

۱۷ . شـیخ مفیـد به هنگـام شـمارش نشـانه هـای ظهور ، پس از داسـتان کشـته شـدن نفس زکیه ای در پشت کوفه با ۷۰ تن از صالحان می فرماید :

وَ ذِبْحُ رَجُلٍ هَاشِمِيٍّ بينَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ؛(۱)

ذبح مردی از خاندان بنی هاشم در میان رکن و مقام .

۱۸ . یزدی نیز در این رابطه می نویسد :

محمـد بن الحسن ، نفس زکیه ، روز ۲۵ ذیحجه ، در میـان رکن و مقام کشـته می شود و روز دهم محرم حضـرت حجّت علیه السلام قیام می کند .(۲)

آخرین سخن

از بحث و بررسی مطالب مربوط به نفس زکیه به این نتیجه رسیدیم که :

۱ . نفس زکیه موعود ربطی به نفس زکیه عصر حضرت خضر ندارد .

۲ . وی همچنین ربطی به نفس زکیه مقتول در عصر امام صادق علیه السلام ندارد.

۳ .او غیر از نفس زکیه ای است که با ۷۰ تن از صالحان در نجف اشرف در آستانه ظهور کشته می شود .

۴ . بر اساس روایات صحیحه وی از نشانه های حتمی ظهور است .

۵ . او پنجمین و آخرین نشانه از نشانه های ظهور است .

۶ . بر اساس روایت صحیح او در مکه معظمه ، در مسجدالحرام ،

۱- ۱ . شیخ مفید ، الارشاد ، ج ۲ ، ص ۳۶۸ ؛ اربلی ، کشف الغمّه ، ج ۳ ، ص ۲۴۷ .

۲- ۲ . حائری یزدی ، الزام الناصب ، ج ۲ ، ص ۱۷۷ .

در میان رکن و مقام کشته می شود .

۷ . بی تردید او از آل محمّد صلی الله علیه و آله می باشد .

۸ . مطابق نقل فضل بن شاذان با سند صحیح ، نام او « محمّد » و نام پدرش نیز « محمّد » است .

۹ . بر اساس روایت دیگری نام پدرش « حسن » می باشد .

۱۰ . نفس زکیه ، به معنای انسان بی گناه ، لقب اوست .

بر اساس روایات :

۱۱ . نفس زکیه از تبار امام حسین علیه السلام است .

۱۲ . او در ماه حرام (ذیحجه) و در شهر حرام (مکّه) کشته می شود .

۱۳ . قتل وی نشانه روشنی است که بر احدی پوشیده نمی ماند .

۱۴ . او دقیقا ۱۵ روز پیش از قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام کشته می شود.

۱۵ . او در حال قرائت پیام امام کشته می شود .

۱۶ . قاتلان او در میان اهل زمین و اهل آسمان محکوم هستند .

۱۷ . پس از قتل او دیگر به ستمگران مهلت داده نمی شود .

۱۸ . او دقیقا روز ۲۵ ذیحجه الحرام کشته می شود .

۱۹ . برادرش نیز در این هنگامه کشته می شود .

۲۰ . پیامی که او تلاوت می کند ، پیام دادخواهی است و سخن از صلح و رحمت می باشد .

بر اساس روایات فراوان ظهور حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه شب بیست و سوم ماه رمضان و آغاز قیام جهانی آن حضرت دقیقا روز دهم محرم می باشد .

بر این اساس قتل نفس زکیه دقیقا سه ماه و دو روز بعد از ظهور و ۱۵ روز پیش از قیام جهانی است .

روی این بیان قتل نفس زکیه از نشانه های قیام است ، نه از علایم ظهور .

خلاصه مطالب

اشاره

بیش از ۲۰۰۰ نشانه ظهور در احادیث مربوط به فتن ، ملاحم ، علایم ظهور و اشراط ساعه ، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله ائمه معصومین علیهم السلام و اصحاب پیامبر آمده ، که هر کدام در برهه ای از زمان و محدوده ای از مکان رخ داده ، موجب تقویت ایمان و تحکیم اعتقاد باورداران باشد .

در این میان پنج نشانه از نشانه های حتمی است ، که در آستانه ظهور و قیام منجی بشریت حضرت مهدی آل محمّد علیهم السلام بی گمان تحقق خواهند یافت:

۱. خروج سفیانی

هشت ماه پیش از ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه جنایت پیشه ای به نام عثمان ، فرزند عنبسه ، از تبار ابوسفیان ، از نسل هند جگرخواره ، در دمشق به قدرت می رسد .

تولدش در وادی یابس ، با چهره ای زشت ، بور ، زاغ ، سرخ و آبله روی می باشد .

مردی سنگدل ، کینه توز ، خون آشام و ستم پیشه است ، که به احدی رحم نمی کند ، کودکان را سر می برد ، بانوان را شکم می درد ، زنش را زنده به گور می کند .

ص: ۱۵۱

هنگامی که بر سه کشور فلسطین ، اردن و سوریه سیطره یافت ، دقیقا هشت ماه بعدْ ظهور مصلح جهانی اتفاق می افتد .(۱)

۲ . خروج یمانی

مقارن خروج سفیانی ، یکی از طرفداران جدی حضرت مهدی علیه السلام از یمن ، از شهر صنعا خروج می کند ، در کوفه با سپاه سفیانی درگیر می شود .

یمانی عزمی راسخ ، اعتقادی درست و ایمانی استوار دارد و پرچمش از همه پرچم ها هدایت یافته تر است .

۳ . بانگ آسمانی

در شب ظهور ، که شب جمعه و شب بیست و سوم ماه رمضان می باشد ، جبرئیل امین از دل آسمان بانگ می زند ، حضرت مهدی علیه السلام را با نام خود و نام پدربزرگوارش اعلام می کند و فرا رسیدن روز ظهور و سپری شدن دوران غیبت را به جهانیان خبر می دهد .

این بانگ را همه جهانیان می شنوند و هر کسی آن را با زبان خودش می شنود .

۴ . خسف بیدا

هنگامی که سفیانی از ظهور حضرت و تشریف فرمایی اش به مدینه منوره

۱- ۱ . پس از خروج سفیانی وقت ظهور مشخص می شود ، دیگر احادیث کذب الوقّاتون کاربرد ندارند .

آگاه می شود ، لشکر جرّاری به قصد نبرد با ایشان به مدینه گسیل می دارد .

آنها هنگامی به مدینه می رسند که امام علیه السلام مدینه را به قصد مکه معظمه ترک کرده است .

آنها سه شبانه روز مدینه را قتل و غارت می کنند ، سپس در جستجوی آن حضرت عازم مکه معظمه می شوند .

هنگامی که به سرزمین « بیدا » در نزدیکی مسجد شجره می رسند ، به فرمان خدا زمین دهان باز می کند و همه آنها را با تمام ادوات جنگی در کام خود فرو می برد .

دو یا سه نفر گزارشگر باقی می مانند که با قدرت پروردگار صورتشان به پشت سرشان بر می گردد .

۵ . قتل نفس زکیه

نوجوانی از اهل بیت پیامبر روز ۲۵ ذیحجه الحرام ، در مسجدالحرام پیام امام علیه السلام را قرائت می کند ، او را در میان رکن و مقام سر می برند ، خداوند بر آنها خشمگین می شود و فرمان قیام جهانی را صادر می کند .

۱۵ روز بعد ، دقیقا روز دهم محرم ، قیام جهانی آن مصلح آسمانی آغاز می شود .

روی این بیان ، خروج سفیانی و یمانی هشت ماه قبل از ظهور ، بانگ آسمانی در شب ظهور ، خسف بیدا در حدود یک ماه بعد از ظهور ، قتل نفس زکیه دقیقا سه ماه و دو روز بعد از ظهور و قیام جهانی دقیقا سه ماه و ۱۷ روز بعد از ظهور موفورالسّرور آن حضرت خواهد بود .

ص: ۱۵۳

آثار چاپ شده ی مؤلّف

۱ ـ ابو ریحان بیرونی / چاپ دوّم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.

۲ ـ اجساد جاویدان / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.

۳ ـ ارزیابی تمدن غرب / چاپ سوّم / انتشارات رسالت / قم.

۴ ـ ارمغان صافی / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.

۵ ـ ارمغان مجلسی / چاپ پانزدهم / انتشارات رسالت / قم.

۶ ـ اسرار نماز / چاپ چهارم / انتشارات رسالت / قم.

۷ ـ اعتقادات علاّمه ی مجلسی / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.

۸ ـ اماکن زیارتی منتسب به امام زمان / سلسله مقالات / انتظار / قم.

۹ ـ او خواهد آمد / چاپ سیزدهم / انتشارات رسالت / قم.

۱۰ ـ با دعای ندبه در پگاه جمعه / چاپ اول / نشر موعود / تهران.

۱۱ ـ بانوی اسلام / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

۱۲ ـ تاریخ شیعه ی زیدیّه / چاپ اوّل / دانشگاه شیراز.

۱۳ ـ تاریخ وهابیان / چاپ اول / نشر طوفان / تهران.

۱۴ ـ تاریخچه ی عاشورا / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۱۵ ـ ترجمه ی مصوّر سوره ی رعد / به سه زبان / دفتر نشر/ تهران.

۱۶ ــ ترجمه ی مصوّر سوره ی الرّحمن / به چهار زبان / انتشارات اوس / استانبول.

۱۷ ــ تشرفات در میان نفی و اثبات / سلسله مقالات / موعود / تهران.

۱۸ ــ تشیّع یا اسلام راستین / چاپ ششم / بنیاد بعثت / تهران.

۱۹ ــ جزیره ی خضراء / چاپ چهاردهم / انتشارات رسالت / قم.

۲۰ ــ جغرافیای کشورهای اسلامی / سلسله مقالات / نسل نو / قم

۲۱ ــ چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۲۲ ــ چهل حدیث پیرامون نور یزدان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۲۳ ــ چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۲۴ ــ چهل حدیث در مناقب اوّلین پیشوا / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

۲۵ ــ چهل حدیث در مناقب امّ ابیها / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

۲۶ ــ حضرت مهدی و رابطه العالم الاسلامی /ترکی/انتشارات زمان/ استانبول.

۲۷ ــ دانشگاه امام صادق علیه السلام / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

۲۸ ــ دراسه عن حیاه فاطمه علیهاالسلام / عربی / چاپ اوّل / بحرین.

۲۹ ــ در حریم حضرت معصومه علیهاالسلام / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.

۳۰ ــ راهنمای قبله / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۳۱ ــ روزگار رهائی / چاپ سوّم / نشر آفاق / تهران.

۳۲ ــ روزه در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۳۳ ــ رهبری در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۳۴ ــ زندگانی کریمه ی اهلبیت / نشر حاذق / قم.

۳۵ ــ زمینه سازان حکومت امام زمان / نشر توحید / تهران.

۳۶ ــ زیارت عاشورا وآثار معجزآسای آن / چاپ پنجم / انتشارات رسالت / قم.

۳۷ ــ زیارتنامه ی حضرت معصومه / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.

۳۸ _ سرچشمه کوثر / چاپ سوم / انتشارات راه وداد / کرج.

۳۹ _ سند حدیث کساء / چاپ دوّم / انتشارات رسالت / قم.

۴۰ _ سیری در ترجمه های قرآن / سلسله مقالات / نسل نو / قم.

۴۱ _ سیمای مدینه / سلسله مقالات / میقات / تهران.

۴۲ _ طول عمر امام زمان علیه السلام / چاپ سوّم / انتشارات طاووس بهشتیان / قم.

۴۳ _ عاشورا چه روزیست ؟ / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۴۴ _ علّامه ی اقبال در مدینه / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

۴۵ _ علی اول / چاپ دوم / نشر موعود / تهران.

۴۶ _ علی و فلسفه ی الهی / چاپ اوّل / بنیاد علّامه ی طباطبائی / قم.

۴۷ _ قرآن معجزه ی جاویدان / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۴۸ _ قربانیان الکلیسم / سلسله مقالات / نسل جوان / قم.

۴۹ _ کتابنامه ی آثار ماندگار تنهار یادگار پیامبر / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.

۵۰ _ کتابنامه ی حضرت مهدی علیه السلام / چاپ اول / انتشارات الهادی / قم.

۵۱ _ کرامات معصومیه / چاپ دوم / انتشارات حاذق / قم.

۵۲ _ کریمه ی اهلبیت / چاپ اوّل / انتشارات حاذق / قم.

۵۳ _ گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.

۵۴ _ معارف اسلامی / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۵۵ _ میثم تمّار / چاپ اوّل / انتشارات توحید / تهران.

۵۶ _ میلاد نور / چاپ اوّل / مسجد صدریّه / تهران.

۵۷ _ نبراس الزائر / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.

۵۸ ــ نبراس الفائزین بزیاره امیرالمؤمنین علیه السلام / چاپ اول / نشر مولود کعبه / قم.

۵۹ ــ نقش امام زمان در جهان هستی / چاپ سوّم / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

۶۰ ــ نقش روزه در درمان بیماریها / به هشت زبان / کعبه / تهران.

ص: ۱۵۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹